

کهن دیار

مجموعه آثار ایران باستان در موزه‌های بزرگ جهان

جلد اول

نویسنده: بهنام محمد پناه

کهن دیار

مجموعه آثار ایران باستان در موزه‌های بزرگ جهان

بهنام محمدپناه

سبزان

سرشناسه	: محمدپناه، بهنام، ۱۳۵۴-
عنوان و پدیدآور	: کهن دیار / نویسنده بهنام محمدپناه.
مشخصات نشر	: تهران: سبزان، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.: مصور (رنگی)
شابک	: 978-964-8249-34-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: ایران – تاریخ – پیش از اسلام
موضوع	: ایران – آثار تاریخی – پیش از اسلام
موضوع	: هنر باستان – ایران
رده‌بندی کنگره	: ۹ ک ۳ م ۱۴۰ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۱
شماره‌ی کتابشناسی ملی	: ۲۹۱۱۹-۸۵ م

انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۴۴-۸۸۳۱۹۵۵۸

کهن دیار (جلد اول)

مجموعه آثار ایران باستان در موزه‌های بزرگ جهان

• **نویسنده:** بهنام محمدپناه

• **ناشر:** سبزان

• **خدمات نشر:** واحد فنی سبزان

۸۸۳۰۳۵۷۲-۸۸۳۴۸۹۹۱

• **نوبت چاپ:** یازدهم - ۱۳۸۹

• **تیراژ:** ۳۰۰۰ نسخه

• **قیمت:** ۸۵۰۰ تومان

• **چاپ و صحافی:** نشانه - جدی

فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی‌آی کتاب www.iiketab.com

شابک ۷-۳۴-۸۲۴۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-8249-34-7

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

بخش چهارم: امپراتوری اشکانی

بخش پنجم: امپراتوری ساسانی

ضمیمه

آینده از آن ملتی است که گذشتهٔ خود را می‌شناسد

پیش‌گفتار

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث پیشرفت و دگرگونی ملت‌ها می‌شود، شناخت ریشه‌های فرهنگی و گذشتهٔ تاریخی است که پیشینیان آن ملت بنا کرده‌اند و نسل‌های بعدی با تکیه بر آن در جهت پیشرفت و تعالی گام برمی‌دارند.

متأسفانه باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که بیگانگان، بیش از خود ما به تاریخ و تمدن باستانی کشورمان توجه دارند و هزینه‌های هنگفتی نیز در این خصوص صرف می‌کنند. این کشورهای به‌اصطلاح توسعه‌یافته که هیچ پیشینهٔ تاریخی ندارند، با ترفندهای بسیار و یا سرقت آثار تاریخی کشورهای صاحب‌تمدن، سعی دارند برای خود هویتی بسازند.

با اینحال، شور و اشتیاق نسل جوان در شناخت تاریخ غنی و پربار کشورمان و میل شدید آنها در یافتن هویت اصیل ایرانی، ما را بر آن داشت تا دانسته‌ها و تحقیقات خود را در قالب مجموعه‌ای که پیش رو دارید، گردآوری و عرضه کنیم.

هدف از تهیهٔ این مجموعه که برای نخستین بار در کشور انجام می‌گیرد، معرفی تعدادی از برجسته‌ترین آثار دورهٔ پیش از اسلام کشورمان است که متأسفانه بخش اعظم آنها به‌خاطر سهل‌انگاری مسئولان و حرص و ولع سودجویان داخلی و خارجی به تاراج رفته و هم‌اکنون در ویترین موزه‌های کشورهای دیگر به نمایش گذارده شده است.

مطالب این کتاب در پنج فصل اصلی گردآوری شده‌اند و در ابتدای هر فصل سعی کرده‌ایم ابتدا چکیدهٔ وقایع تاریخی یک دورهٔ خاص را بیان کنیم و در ادامه، تعدادی از مشهورترین آثار مربوط به آن دوره را که در موزه‌های بزرگ جهان نگهداری می‌شوند، معرفی کنیم.

فصل اول این کتاب به تمدن‌هایی می‌پردازد که با وجود کشف آثار بسیار نفیس، اطلاعات ما از نحوهٔ زندگی مردم و ساختار حکومتی آن بسیار کم است. در بخش دوم این کتاب با تمدن باستانی عیلام و سلسله‌های مختلف پادشاهی آن آشنا می‌شویم. بخش سوم به وقایع تاریخی امپراتوری باشکوه هخامنشی پرداخته و نگاهی گذرا به کاخ‌های تخت‌جمشید دارد. بخش چهارم و پنجم به بیان وقایع تاریخی دو دورهٔ اشکانی و ساسانی و معرفی محوطه‌های باستان آن دوران اختصاص یافته است.

در کنار نگارش این کتاب، به کمک دوستانی صاحب فن به ساخت تعدادی از آثار معرفی شده در این مجموعه، از جمله نقش برجسته‌های کاخ آپادانای شوش همت گماشته‌ایم و آمادگی خود را جهت ارائهٔ رایگان تمامی این تصاویر به هنرمندانی که مایل به اجرای طرح‌های اصیل باستانی و ملی در مکان‌های عمومی هستند، اعلام می‌داریم.

بسیار خوشحال خواهیم شد اگر بتوانیم برای پربار شدن کتاب حاضر و جلد دوم آن که با موضوع "مجموعه آثار ایران پس از اسلام در موزه‌های بزرگ جهان" می‌باشد. از نظرات و پیشنهادات سازندهٔ شما خوانندگان محترم بهره گیریم. جنانچه مواردی به نظرتان می‌رسد، خواهشمندیم آن را به آدرس انتشارات سبزان یا پست الکترونیک اینجانب behnamzadeh@yahoo.com ارسال فرمایید.

بهنام محمدپناه
زمستان ۱۳۸۶

قدمت	حکومت‌ها	رویدادهای مهم	مهمترین مراکز باستانی
۲۰۰ هزار تا ۱۰ هزار سال پیش از میلاد		مرحلهٔ شکار و غارنشینی(عصر پارینه سنگی)	غارهای ارتفاعات زاگرس
۱۰ هزار تا ۴ هزار سال پیش از میلاد	پادشاهی جیرفت	ساخت نخستین دهکده‌ها، آغاز کشاورزی و ساخت ابزارسنگی (عصر نوسنگی) ظهور نخستین تمدن جهان در شرق ایران	تپه‌های سیَلک کاشان، گنج‌درهٔ هرسین، حاجی‌فیروز نقده و علی‌کُش دهلران جیرفت و شهداد در کرمان، شهرسوخته در سیستان و بلوچستان
۴ هزار تا ۳ هزار سال پیش از میلاد	پادشاهی عیلام (دورهٔ مقدم)	کشف فلز مس و ساخت نخستین ابزار فلزی، اختراع چرخ سفالگری و آغاز شهرنشینی ،کشف رگه‌های طلا و نقره	تپه‌های شوش، سیَلک کاشان، گیان‌نهاوند، تل‌باکون فارس تل‌ابلیس و تل‌یحیی در کرمان
۳ هزار تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد	پادشاهی عیلام (دورهٔ کهن)	کشف فلز مفرغ از ترکیب مس و قلع پیدایش سفال‌های خاکستری	معابد و مقبره‌های خوزستان و لرستان
۱۵۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد	پادشاهی عیلام (دورهٔ میانه)	کشف و استخراج فلز آهن اوج شکوفایی امپراتوری عیلام ورود آریایی‌ها به ایران تاسیس حکومت‌های کوچک و مستقل	زیگورات چغازنبیل و آرامگاه هفت تپهٔ شوش مفرغ‌های لرستان ، گورستان‌های مارلیک و املش در گیلان، تپهٔ حسنلو در آذربایجان و زیویه در کردستان
از سال ۸۰۰ تا ۶۱۲ پیش از میلاد	پادشاهی عیلام (دورهٔ نو)	سقوط امپراتوری عیلام به دست آشوریان	معبد شوش
از سال ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد	امپراتوری هخامنشی	بنیانگذاری امپراتوری بزرگ هخامنشی به دست کوروش کبیر، فتح مصر توسط کمبوجیه، ایجاد تشکیلات منظم اداری و نظامی به دست داریوش بزرگ	کاخ‌های پاسارگاد و پارسه(تخت جمشید) و آرامگاه‌های نقش‌رستم در شیراز، کاخ آپادانای شوش و کتیبهٔ بیستون کرمانشاه
از سال ۳۲۴ تا ۲۴۸ پیش از میلاد	پادشاهی سلوکی	تهاجم اسکندر مقدونی و حکومت کوتاه‌مدت سلوکیان در ایران	نقش هرکول در کوه بیستون
از سال ۲۴۸ پیش از میلاد تا سال ۲۲۶ پس از میلاد	امپراتوری اشکانی (پارتی)	بنیانگذاری حکومت اشکانی به دست اشک اول ، اخراج سلوکیان از ایران، آغاز نبردهای ایران و روم، پیروزی ایرانیان در نبرد معروف حرّان	معبد آناهیتای کنگاور، خرابه‌های شهر صددروازهٔ دامغان، آرامگاه‌های دشت مغان و معبد هترا در عراق
از سال ۲۲۶ تا ۶۵۱ پس از میلاد	امپراتوری ساسانی	شکست اردوان پنجم اشکانی و بنیانگذاری امپراتوری مقتدر ساسانی به دست اردشیر بابکان، ادامهٔ نبردهای ایران و روم، شکست و اسارت امپراتوران روم به دست شاپور اول	ویرانه‌های طاق‌کسری، کاخ‌ها و نقش برجسته‌های فیروزآباد و بیشاپور، معبدتخت‌سلیمان در تکاب، طاق بستان در کرمانشاه و نقش‌رستم در شیراز

تاریخچهٔ ایران باستان



مهمترین محوطه‌های باستانی ایران و بین النهرین عراق در دوران پیش از تاریخ

فصل اول

تمدن‌های ناشناخته

جیرفت

تـا مدت‌ها چنین تصور می‌شد که کهن‌ترین تمدن جهان در سومر عراق پای گرفته است؛ اما کشف یک زیگورات (معبد) عظیم با قدمت بیش از پنج هزار سال، آثار سنگی بسیار و همچنین کتیبه‌های آجری بـه خطـی ناشـناخته از منطقهٔ جیرفت ایران[1] باعث شد باستان‌شناسان دربارهٔ دانسته‌ها و ادعاهای پیشین خود تجدید نظر کنند.



ظرف استوانه‌ای سنگی به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر ؛ روی این ظرف سنگی نقش ساختمان معبد و دروازهٔ ورودی شهر حک شده است.



کتیبه‌ای به خط ناشناخته[2]
محل کشف: محوطهٔ باستانی جیرفت

۱- محوطـهٔ باسـتانی جیرفت در استان کرمان(جنوب شرقی ایران) و نزدیک به شهر جیرفت، به طول ۴۰۰ کیلومتر و در حاشیهٔ رودخانهٔ هلیل‌رود شناسایی شده و به نظر می‌رسد در حدود ۷ هزار سال پیش، مرکز نخستین تمدن بزرگ و باشکوه جهان بوده است.

۲- کشـف ایـن کتیـبه‌هـا در کـنار آثار عظیم معماری که از نشانه‌های تمدن پیشرفته در عصر باستان محسوب می‌شوند، نشان می‌دهد ساکنان جیرفت در آن زمان دارای حکومت مقتدر و نظام اقتصادی قوی بوده‌اند.



پلاک‌های سنگی با نقش انسان عقرب‌نما، **مار و عقاب؛ نمادهایی از افسانه‌ها** و باورهای مردم باستانی جیرفت

آنان با بررسی دوبارهٔ کتیبه‌هایی که از پیش در مناطق مهم باستانی کشف شده بودند، سعی کردند اطلاعات بیشتری دربارهٔ این تمدن عظیم و ناشناخته به‌دست آورند و در نهایت پس از تحقیقات فراوان، به تعدادی کتیبه دست یافتند. در یکی از این اسناد که از خرابه‌های شهر اوروک (در جنوب بین‌النهرین) به دست آمده است، داستان کشمکش میان پادشاه سومر با فرمانروای سرزمین ثروتمندی به نام ارت[1] ثبت شده بود و در کتیبهٔ دیگر، پادشاه سومری سعی کرده بود با گذر از شهر شوش و ۷ رشته‌کوه، به سرزمین ارت حمله کند. بررسی دقیقِ این کتیبه‌ها و آثار کشف‌شده این فرضیه را به اثبات نزدیک می‌کند که شهر افسانه‌ای و گمشدهٔ ارت که در شرق ایران قرار داشته، به احتمال زیاد همان شهر جیرفت است.

از آثار کشف‌شده در حوزهٔ تمدن جیرفت می‌توان به ظروف و پلاک‌های سنگی با نقوش بسیار ظریف از موجوداتی چون عقاب، عقرب و پلنگ اشاره کرد که نظیر آنها در هیچ یک از محوطه‌های باستانی جهان کشف نشده است[2]. شاید با ادامهٔ اکتشافات و تحقیق روی آثار کشف‌شده، باستان‌شناسان به این نتیجه برسند که از این پس به‌جای بین‌النهرین عراق، می‌بایست جیرفت ایران را مهد کهن‌ترین تمدن بشری در جهان نامید!

۱- در این داستان حماسی که در اوایل هزارهٔ دوم پیش از میلاد و به خط میخی سومری روی یک لوح سفالی نگاشته شده، چنین آمده است: روزی انمرکار (پادشاه شهر اوروک) با فرستادن نماینده‌ای، از حاکم ارت می‌خواهد تا استادان هنرمند و سنگ‌های گرانبها را برای ساخت معبد به اوروک بفرستد. حاکم ارت هم در ازای فرستادن سنگ‌ها، از پادشاه اوروک تقاضای غلّه می‌کند. انمرکار غلّه را می‌فرستد اما حاکم ارت از فرستادن سنگ‌ها سر باز می‌زند. ۱۰ سال بعد، انمرکار دوباره قاصدی به سرزمین ارت می‌فرستد و تقاضای خود را تکرار می‌کند. عاقبت دو پادشاه به تفاهم می‌رسند و حاکم ارت، هنرمندان و سنگ‌های زینتی را به سومر می‌فرستد. متن این کتیبه‌ها بیانگر آن است که حدود پنج هزار سال پیش، میان بازرگانان ارت و بین‌النهرین ارتباط پیوسته‌ای وجود داشت و هنرمندان چیره‌دست ارت در ساخت کاخ‌ها و معابد به سومری‌ها کمک کرده‌اند.

۲- متأسفانه طی چند سال اخیر، حفاران غیرمجاز و قاچاقچیان اشیای عتیقه، بسیاری از آثار کشف شده در این محوطهٔ باستانی را که جزو میراث ملی ما ایرانیان محسوب می‌شدند و ارزش بسیار زیادی در شناخت سابقهٔ تمدنی کشورمان داشتند، از کشور خارج کرده و با بهای اندکی به موزه‌داران بزرگ دنیا فروخته‌اند.



نقوش روی این ظروف سنگی بسیار زیبا، با سنگ‌های گرانبهایی چون فیروزه، لاجورد و عقیق تزیین شده است.
محل کشف آثار : جیرفت ؛ قدمت : هزارهٔ پنجم تا سوم پیش از میلاد

از دیگر مناطق باستانی کشورمان که احتمالاً ارتباط نزدیکی با تمدن جیرفت داشته است، می‌توان به شهرسوخته در استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد. در این شهر کهن که حدود ۵ هزار سال پیش به خاطر آتش‌سوزی مهیب یا خشکسالی متروک شده، آثار بسیاری کشف شده است.

از جالب‌ترین این آثار می‌توان به جام سفالی کوچکی اشاره کرد که روی آن پنج تصویر پیاپی از یک بز در حال حرکت ترسیم شده است[1]. با چرخاندن جام، نقاشی متحرکی از یک بزکوهی را می‌بینیم که با دو پرش بر بالای درختی می‌جهد و از برگ آن تغذیه می‌کند!



نخستین پویانمایی (انیمیشن) جهان
بر ظرف سفالین کشف‌شده از شهر سوخته
در استان سیستان و بلوچستان.
قدمت : هزارهٔ سوم پیش از میلاد
محل نگهداری : تهران- موزهٔ ایران باستان

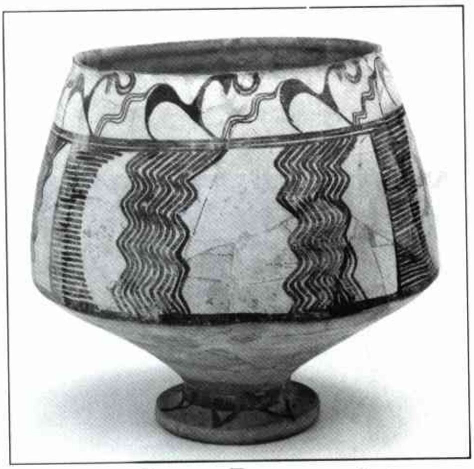
۱- هنرمندان ایرانی تلاش می‌کنند تا تصاویر نقاشی‌شده روی این سفال را به‌عنوان نماد آسیفای بین‌المللی (انجمن فیلم‌سازان انیمیشن جهان) به ثبت برسانند.

تمدن‌های فلات ایران

موقعیت طبیعی و شرایط خاص جغرافیایی فلات ایران[۱] موجب شده است سرزمین ما در زمرهٔ یکی از نخستین زیستگاه‌های انسان پیش از تاریخ به‌شمار رود. از قدیمی‌ترین مکان‌های سکونت انسان‌های اولیه در ایران، می‌توان به حوزهٔ رودخانهٔ خراسان در شرق ایران اشاره کرد. قدمت آثار کشف‌شده در این ناحیه به یک میلیون تا ۸۰۰ هزار سال پیش از میلاد می‌رسد. همچنین آثار بسیاری از جمله تکه‌های استخوان و چاقوهای سنگی از دورهٔ پارینه‌سنگی در غارهای ارتفاعات زاگرس کشف شده است که قدمت آنها هم به ۱۰۰ تا ۲۰ هزار سال پیش می‌رسد.

جدیدترین تحقیقات زمین‌شناسی نشان می‌دهد که حدود ۱۰ هزار سال پیش، در مرکز فلات ایران دریاچهٔ وسیعی وجود داشته است که با پایان یافتن دورهٔ بارندگی و آغاز دورهٔ خشکسالی، رو به خشکی نهاده و درنتیجه زمین‌های باتلاقی آن به چراگاه و چمنزار وسیعی تبدیل شده است.

این تغییرات جغرافیایی باعث شده تا ساکنان فلات ایران، به تدریج از درون غارها خارج شوند و در مکان‌های امنی چون بالای تپه‌ها گرد آمده و برای خود خانه‌های کوچک گِلی بسازند. ساکنان این خانه‌ها به مرور زمان دریافتند که علاوه بر شکار، از طریق کشاورزی و رامِ کردن حیوانات نیز می‌توانند برای خود غذا تولید کنند. این مردم که تا آن زمان برای نگهداری آب و غذا فقط از ظروف سنگی استفاده می‌کردند، موفق شدند با شکل‌دادن گِلِ خام و پختن آن، نخستین ظروف سفالی را بسازند.



کوزهٔ سفالی با نقش زیبای گاو

محل نگهداری: امریکا - موزهٔ هنرهای زیبای شهر بوستون



کوزهٔ سفالی با نقش زیبای بزکوهی

محل نگهداری: امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک

قدمت : هزارهٔ چهارم پیش از میلاد مسیح ؛ محل کشف آثار: تپهٔ سیَلک کاشان

۱- فلات ایران شامل سرزمین‌های مسطح بین رشته‌کوه هندوکش در شرق افغانستان تا رشته‌کوه زاگرس در غرب ایران و رشته‌کوه البرز در شمال تا دریای عمان و خلیج فارس در جنوب ایران است.

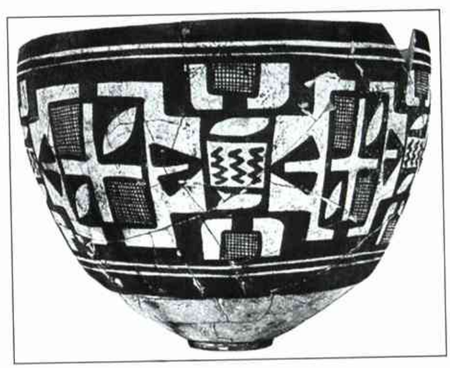
از مهم‌ترین مکان‌های باستانی متعلق به عصر نوسنگی فلات ایران، می‌توان به تپه‌های سیَلکِ کاشان[۱]، گنج درّهٔ هرسین، علی‌کُشِ دهلران، و تپهٔ حاجی‌فیروز در نقدهٔ آذربایجان غربی اشاره کرد.

تپهٔ سیلک کاشان، نخستین بار در سال ۱۳۱۲ شمسی توسط پروفسور رومن گیرشمن[۲] فرانسوی مورد کاوش قرار گرفت. کشف معبد عظیم پله‌ای‌شکل و آثار سفالی بسیار، نشانگر وجود تمدنی هشت هزار ساله در این منطقه بود. تحقیقات باستان‌شناسی در لایه‌های زیرین این تپه ثابت کرده است که نخستین ساکنان سیَلک، مرده‌ها را در زیر خانه‌ها دفن می‌کردند و از آنجا که به نوعی زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند، درون قبرها ظروف و ابزاری برای استفادهٔ مرده‌ها قرار می‌دادند.

کشف فلز مس و اختراع چرخ سفالگری در اواخر هزارهٔ پنجم پیش از میلاد، آغازگر فصل جدیدی در زندگی بشر بود. مردم این دوره، ابتدا از مس خام که به شکل معادن سطحی یافت می‌شد با روش چکش‌کاری، ابزار کوچکی می‌ساختند اما به‌مرور و با دستیابی به فناوری استخراج و ذوب فلز، توانستند ابزار بزرگ‌تر و کاربردی‌تری بسازند.

از مهم‌ترین مناطق باستانی در دوران شکوفایی صنعت فلز مس، علاوه بر تپهٔ سیَلک کاشان می‌توان به تپه‌های گیان نهاوند، باکون فارس، حصار دامغان، قبرستان قزوین، تلّ ابلیس و تلّ یحیی در کرمان و تپه‌های شوش در استان خوزستان اشاره کرد.

گرچه ردپای بسیاری از تمدن‌های بزرگ حاشیهٔ فلات ایران چون جیرفت و سیَلک، در پی خشکسالی و هجوم اقوام بیگانه گم شده، همین اندک آثار به‌جای‌مانده، خود گویای اوج شکوه و ذوق هنری ساکنان سرزمین کهن ما است.



ظرف سفالی با طرح عجیب انسان

محل نگهداری: امریکا - موزهٔ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو



ظرف سفالی با نقش پرنده

محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

قدمت : هزارهٔ چهارم پیش از میلاد ؛ محل کشف آثار: تلّ باکون در نزدیکی تخت‌جمشید

۱- Sialk : تپه‌ای باستانی در ۳ کیلومتری جنوب‌غربی شهر کاشان.

2- Roman Girshman (1895 – 1979)





جام سنگی با نقش گیل‌گمش[1]

پلاک سنگی با نقش یک زوج خوشبخت[2]

محل کشف: تپهٔ گیانِ نهاوند در استان همدان ؛ قدمت : هزارهٔ سوم پیش از میلاد

محل نگهداری آثار : فرانسه- موزهٔ لوور پاریس





ظروف سفالی با دهانهٔ لوله‌ای شکل مزیّن به نقش شیر و بزکوهی

محل کشف: تپهٔ سیَلک کاشان

قدمت: هزارهٔ دوم پیش از میلاد

محل نگهداری آثار : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

۱- نبرد یک پهلوان با دو موجود (مثل مار یا شیر) به نقش گیلِ‌گمش معروف است. گیل‌گمش، پادشاه و پهلوان بزرگ سومری‌ها بود که طبق یک افسانهٔ قدیمی در جستجوی راز جاودانگی ابدی به سفری دور و دراز رفت و در نهایت دست خالی به وطن خود بازگشت. همچنین از آنجا که این جام شباهت زیادی به آثار کشف شده از جیرفت دارد، به نظر می‌رسد حدود ۵ هزار سال پیش ارتباطی میان این دو منطقهٔ باستانی حاشیه جنوبی فلات ایران وجود داشته است.

۲- روی این پلاک کوچک ۵ سانتیمتری که از سنگ لاجورد ساخته شده است، نقش بسیار زیبا و هنرمندانه از یک پهلوان در حالی‌که روی چهارپایه‌ای نشسته و همسرش به او شربت تعارف می‌کند، حک شده است.

لرستان و مجموعهٔ آثار مفرغی

کشف فلز مفرغ[۱] در هزارهٔ سوم پیش از میلاد، آغازگر عصر دیگری در زندگی بشر بود. لرستان را باید یکی از مهم‌ترین مراکز ساخت اشیای مفرغی در ایران دانست. با اینکه بیشترین اشیای مفرغی کشف شده از این منطقه به دست آمده است، هنوز هویت دقیق سازندگان آنها اثبات نشده است. البته باستان‌شناسان و محققان با بررسی نوع ابزار و نمادهای منحصربه‌فردی که از درون قبرهای این منطقه به‌دست آورده‌اند، تا حدودی به ویژگی‌های فرهنگی این قوم ناشناختهٔ کوه‌نشین پی برده‌اند.

از مهم‌ترین آثار مفرغی لرستان، ادوات اسب‌سواری چون دهانه و لگام، اشیای زینتی چون دستبند و سنجاق‌سر، ابزارکار چون تبر و خنجر و نمادهای مذهبی و قبیله‌ای (توتم) است. بیشتر این اشیای مفرغی به شیوهٔ ریخته‌گری ساخته شده‌اند و تزئینات و ظریف‌کاری آنها با **چکش‌کاری صورت گرفته است.**



توتم‌های مفرغی[۲] از آثار کشف‌شده در لرستان ؛ **قدمت: حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح**
محل نگهداری : تهران- موزهٔ رضا عباسی

۱- مفرغ یا برنز، آلیاژی است محکم‌تر از مس که از ترکیب دو فلز مس و قلع (با نسبت ۱ واحد مس و ۹ واحد قلع) به‌دست می‌آید.
۲- این توتم‌ها روی عَلَم قرار می‌گرفتند و مثل پرچم‌های امروزی، نماد قوم یا قبیله‌ای خاص بودند.

مارلیک گیلان

در اواسـط هزارهٔ دوم پیش از میلاد، ایرانیان باستان با دستیابی به فناوری استخراج و ذوب آهن، گام مهم دیگری در جهت پیشرفت و توسعهٔ خود برداشتند.

از ایـن زمان تا اواسط هزارهٔ اول پیش از میلاد، غرب فلات ایران شاهد نقل و انتقالات وسیع و ورود اقـوام و فرهنگ‌های جدید بود. گرچه اطلاعات ما دربارهٔ این اقوام مهاجر بسیار اندک است اما کشف آثار بسـیار نفـیس از جنس طلا و نقره و همچنین سلاح‌ها و ابزار آهنی و مفرغی، بیانگر اوج هنرمندی مردم ساکن این ناحیه است که ظاهراً از ثروت قابل توجهی هم برخوردار بوده‌اند.

تـپّه‌های مارلیک گیلان یکی از معروف‌ترین محوطه‌های باستانی این دوره است. در بالای این تپه‌ها کـه در ۱۴ کیلومـتری شهرسـتان رودبار در استان گیلان قرار دارند، بیش از ۵۰ گور کشف شده است که داخـل همـهٔ آنهـا اشـیای ارزشمند و منحصربه‌فردی چون پیکرهٔ سفالین انسان، گاو کوهاندار و همچنین جام‌های زرّین و سیمین با نقوش قلم‌زنی‌شدهٔ بسیار زیبا قرار داشت.

از دیگر مناطق باستانی این دوره می‌توان به تپه‌های املش، کلاردشت و عمارلو در استان گیلان، تپهٔ حسـنلو در اسـتان آذربایجـان‌غربـی، تپهٔ زیویه در استان کردستان و غار کلماکره در استان لرستان اشاره کـرد. برخـی از پژوهشگران معتقدند از آنجا که این مناطق در مسیر ورود آریایی‌های مهاجر به ایران قرار داشته‌اند و قدمت آثار به‌دست‌آمده مربوط به همان دوران است، احتمالاً ساکنان این مناطق اجداد مادها و هخامنشـی‌هـا بوده‌اند؛ اما از طرفی در دست نبودنِ کتیبهٔ معتبری باعث شده است باستان‌شناسان نتوانند به‌طور قطع دربارهٔ هویت واقعی آنها اظهار نظر کنند.



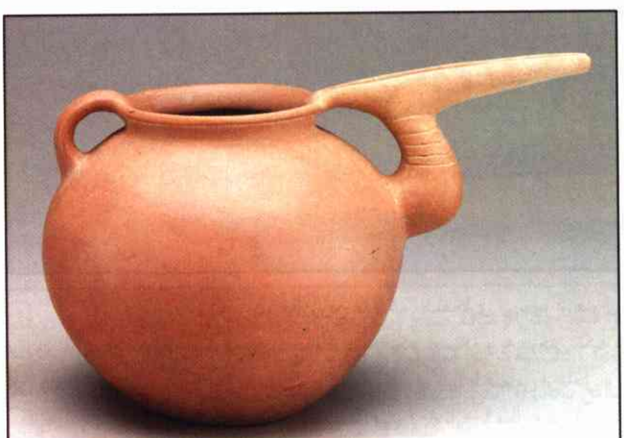


ریتون[1] سفالی به شکل گاو کوهاندار و سفالینهٔ مادر از آثار کشف‌شده در قبرستان تپهٔ مارلیک گیلان
قدمت آثار: حدود ۸۰۰ پیش از میلاد مسیح ؛ محل نگهداری: امریکا - موزهٔ آرتور ساکلِر شهر واشنگتن

۱- ریتون نوعی جام به شکل بدن یا سَرِ حیوان است که در مراسم مذهبی دوران باستان، برای نوشیدن شربت استفاده می‌شد.



ریتون سفالی به شکل گاو کوهان‌دار : قدمت: حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل کشف: گورستان تپه مارلیک گیلان
محل نگهداری: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس



کوزهٔ سفالی با دهانهٔ لوله‌ای شکل
محل کشف: شمال‌غرب ایران
قدمت: هزارهٔ اول پیش از میلاد
محل نگهداری: امریکا - گالری آرتور ساکلر واشنگتن



جام زرّین مارلیک ، شاهکاری بی‌نظیر از هنر ایرانیان باستان

بر روی این جام معروف، پیکرهٔ چهار گاو بالدار در حالیکه ایستاده و به درختی تکیه داده‌اند، حک شده است. نکتهٔ جالب توجه در ساخت این جام این است که سر گاوها به جای پرچ شدن از خارج، تنها با قلم‌زنی از داخل و با استفاده از طلای بدنه ساخته شده‌اند!

قدمت : بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح

محل نگهداری: تهران - موزهٔ ایران باستان



جام زرّین حسنلو[۱] : بر روی بدنهٔ این جام معروف، نقش‌های بسیاری حک شده است که احتمالاً داستانی حماسی را روایت می‌کنند. در ردیف بالایی، ایزدی بالدار سوار بر گردونه‌ای که یک گاو نر آن را می‌کشد؛ به‌سوی کاهنی در حرکت است که جامی در دست دارد و در این حال از دهان گاو، رودی جاری است که احتمالاً نماد حیات و باروری محسوب می‌شود. در ردیف پایینی و زیر گردونهٔ حیات، پهلوانی در حال نبرد با موجودی نیمه انسان و نیمه اژدها است. از تصاویر قلم‌زنی‌شدهٔ آن سوی جام می‌توان به ایزدهای‌شاخدار سوار بر ارابه، کاهنانی که در حال حمل قوچ‌های قربانی هستند، پهلوانی که گرز و کمان در دست دارد، مردی که در حال رام کردن شیر است و پدر و مادری که در حال بازی با کودک خردسالشان هستند، اشاره کرد.

قدمت: بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح

محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان

۱- حسنلو، شهر مستحکمی بود که در اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد مسیح و کمی پس از ورود آریایی‌ها به ایران، در جنوب دریاچهٔ ارومیه ساخته شد. در میان این شهر کاخی وجود داشت که در اثر حملهٔ قوم ویرانگری (احتمالاً اورارتورها و آشوریانی که آن زمان در شمال عراق و جنوب ترکیهٔ امروزی ساکن بودند) به آتش کشیده و ویران شده بود. در سال ۱۳۲۸ شمسی، باستان‌شناسان آمریکایی هنگام حفاری در خرابه‌های کاخ حسنلو، جام زرّین را درحالی‌کشف کردند که اسکلت سه مرد در اطراف آن به زمین افتاده بود. به نظر می‌رسد این مردان به هنگام بروز آتش‌سوزی در کاخ، قصد بیرون بردن جام را داشتند که موفق نشده و همگی زیر آوار جان سپرده‌اند.



جام زرّین مارلیک با یک ردیف نقش برجستهٔ غزال ؛ قدمت : حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک





جام‌های زرّین مارلیک با نقش برجستهٔ عقاب و گاو ؛ قدمت : هزارهٔ اول پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری: ژاپن- موزهٔ میهو



جام زرّین کلاردشت گیلان با یک ردیف نقش برجستهٔ شیر ؛ قدمت : حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد
محل نگهداری : تهران- موزهٔ ایران باستان





بازوبند پهلوانی با نقش شیر و جام زرّین با نقش اژدهای دوسر از آثار کشف شده در گورستان‌های تپّه مارلیک گیلان
محل نگهداری : فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



پلاک سیمین کلماکرهٔ لرستان ؛ قدمت: نیمهٔ نخست هزارهٔ اول پیش از میلاد (حدود ۸۰۰ تا ۷۰۰ سال پیش از میلاد)
روی ایـن پـلاک معـروف، نقش دو موجود اساطیری (با سر انسان، شاخ و بدن بز، بال عقاب و دُم شیر) درحالی‌که روی دو سر ابوالهول ایستاده‌اند، به چشم می‌خورد. سر این دو جانور روی پلاک پرچ شده و دورتادور پلاک با نقش میوهٔ درخت کاج تزئین شده است.
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان



جام سیمین از آثار تپهٔ مارلیک با سه ردیف نقش قلم‌زنی شدهٔ بزکوهی
قدمت : حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ؛ بلندی : ۱۶ سانتیمتر
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ هنرهای زیبای شهر مینیاپولیس



جام زرّین عمارلو با دو ردیف نقش برجستهٔ حملهٔ شیر به گوزن و موبدانی که درخت زندگی را گره می‌زنند.
محل نگهداری : تهران - موزهٔ ایران باستان



جام زرّین مارلیک که در چهار ردیف نقش برجسته، داستان تولد تا مرگ یک بز کوهی را روایت می‌کند.
محل نگهداری : تهران - موزهٔ ایران باستان



جام سیمین با دو ردیف نقش برجستهٔ اسب و شیر بالدار
محل کشف : گورستانی در تپهٔ املش گیلان
محل نگهداری : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



جام زرّین با دو ردیف نقش برجستهٔ شیردال و گاو بالدار
محل کشف : تپهٔ مارلیک در استان گیلان
محل نگهداری : تهران- موزهٔ ایران باستان

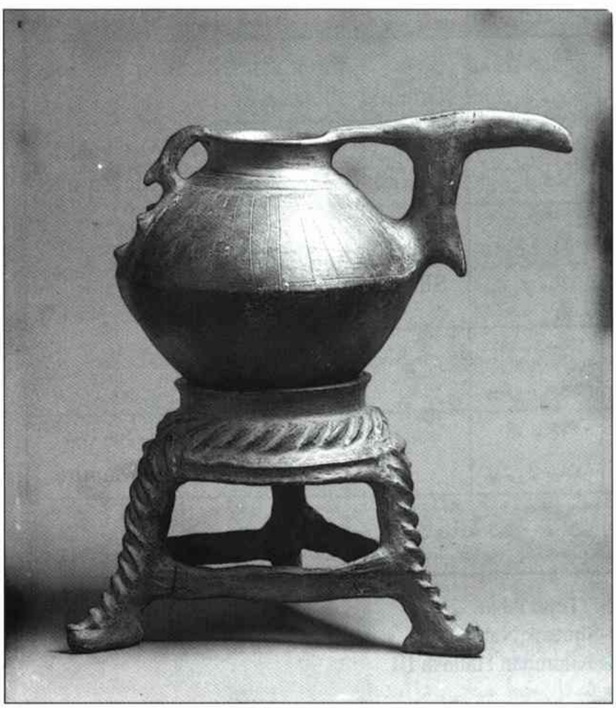
قدمت آثار : حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح



سنجاق مفرغی لرستان با نقش گیل‌گمش
محل نگهداری : تهران- موزهٔ رضا عباسی



لگام دهنی اسب از جنس مفرغ
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن
محل کشف آثار : گورستان‌های لرستان
قدمت : ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح



سبوی دهانه‌دار به همراه سه‌پایه از جنس سفال خاکستری رنگ به ارتفاع ۲۲ سانتیمتر
محل کشف : تپهٔ حسنلو در نزدیکی شهر نقده(سولدوز) در استان آذربایجان غربی
قدمت: حدود ۹۰۰ سال پیش از میلاد
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک

دوره ها	سلسله‌های پادشاهی	دورهٔ تاریخی	پادشاهان مشهور	وقایع مهم
دورهٔ عیلامی مقدم ProtoElamite		۳۲۰۰ تا ۲۷۰۰ پیش از میلاد		پیدایش نخستین علائم خط میخی عیلامی حملهٔ سومری‌ها به عیلام
دورهٔ عیلامی کهن Old Elamite	سلسلهٔ آوان (۱۵ پادشاه) Awan	۲۶۷۰ تا ۲۲۲۰ پیش از میلاد	پوزور اینشوشیناک[1]	حملهٔ آکدی‌ها به عیلام قیام و استقلال عیلامی‌ها زوال امپراطوری آکد
	دورهٔ تاریک اول			حملهٔ اقوام وحشی گوتی به عیلام و بین‌النهرین
	سلسلهٔ شیماشکی (۱۲ پادشاه) Shimashki	۲۱۰۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد		سقوط شهر اور سومری‌ها به دست عیلامی‌ها ساخت معابد شوش
	سلسلهٔ سوکل‌ماه (اپارتی) (۲۸ پادشاه) SukkalMah	۱۸۵۰ تا ۱۵۵۰ پیش از میلاد		ظهور حمورابی در بابِل
	دورهٔ تاریک دوم			حملهٔ قوم کاسی بابِل به عیلام
دورهٔ عیلامی میانه MiddleElamite	سلسلهٔ کیدینوئید (۵ پادشاه) Kidinuid	۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد	تپتی آهار[2]	ساخت آرامگاه هفت تپّه
	سلسلهٔ ایگی‌هالکید (۱۰پادشاه) Igi Halkid	۱۳۵۰ تا ۱۲۱۰ پیش از میلاد	اونتاش ناپیریشا[3] کیدین هوتران[4]	ساخت معبد چغازنبیل
	سلسلهٔ شوتروکید (۵ پادشاه) Shutrukid	۱۲۱۰ تا ۱۱۱۰ پیش از میلاد	شوتروک ناهونته[5] کوتیر ناهونته[6] شیلهاک‌اینشوشیناک[7]	حمله عیلامی‌ها به بابِل و آشور
	دورهٔ تاریک سوم	۱۱۱۰ تا ۷۶۰ پیش از میلاد		حملهٔ بابِلی‌ها به عیلام
دورهٔ عیلامی نو Neo Elamite	سلسلهٔ عیلامی نو (۱۵ پادشاه)	۷۶۰ تا ۶۴۶ پیش از میلاد	خومبان هالتاش[8]	نابودی عیلام در اثر یورش آشوربانیپال

گاهنامهٔ تمدن عیلامی

1 - Puzur Inshushinak
2- Tepti Ahar
3-Untash Napirisha
4 - Kidin Hutran
5-Shutruk Nahhunte
6-Kutir Nahhunte
7- Shilhak Inshushinak
8- Khumban Haltash III

فصل دوم

تمدن عیلامی

سرزمین عیلام

عیلامی‌ها، اقوامی بودند که از هزارهٔ چهارم تا هزارهٔ اول پیش از میلاد بر بخش بزرگی از سرزمین‌های جنوب‌غربی ایران حکومت می‌کردند. آنها در مدت ۲۵۰۰ سال تاریخ پر فراز و نشیب، توانستند در برابر هجوم همسایگان قدرتمند خود چون سومر، آکد و بابل مقاومت کرده، استقلال و هویت خود را حفظ کنند.

محـدودهٔ جغرافیایـی سـرزمین عـیلام شـامل اسـتان‌هـای خوزستان، فارس، لرستان و بخش‌هایی از کردسـتان و بوشـهر امـروزی بود و بزرگ‌ترین شهرهای آن شوش، اِنشان، آوان، لیان، شیماش و ماداکتو نـام داشـت. دربارهٔ اعتقادات مذهبی عیلامی‌ها اطلاعات کاملی در دست نیست اما چنین به نظر می‌رسد کـه آنـان نـیز مانـند اقـوام همسایهٔ خود، خدایان متعددی چون ناهونته (خدای خورشید)، و کیریشا (الههٔ بـزرگ و مادرخدایـان) را مـی‌پرسـتیدند. معـروف‌ترین خدای عیلامی، اینشوشیناک نام داشت که در ابتدا نگهـبان و حامـی شـهر شـوش بـود اما بعدها با افزایش یافتن قدرت حاکمان شوش، به مقام بزرگ‌ترین خدای تمامی سرزمین عیلام رسید.

عیلامـی‌ها کشور خود را هل‌تمتی - به‌معنی سرزمین خداوند - می‌نامیدند. این سرزمین کوچک خود از ایالـت‌هایـی تشـکیل مـی‌شـد که در ظاهر مستقل بودند اما هنگام حملهٔ همسایگان، با یکدیگر متحد می‌شدند و مقابل دشمن ایستادگی می‌کردند.

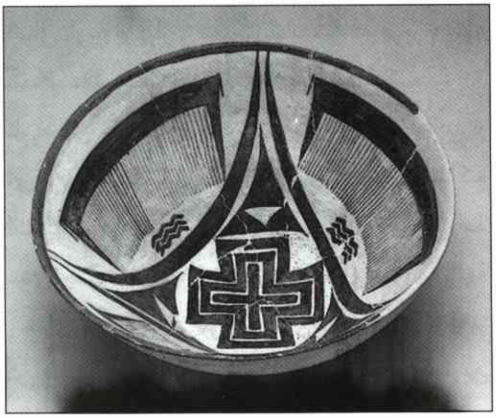
از مشخصـه‌هـای بـارز ایـن تمـدن کهن می‌توان به نوعی خط اشاره کرد که در ابتدا به شکل علائم تصویری بود و به مرور زمان کامل شد تا به شکل خط میخی درآمد.



جام سفالی با نقوش **هندسی**



جام سفالی با نقش بز کوهی[1]



کاسهٔ سفالی با نقش صلیب یونانی!



کاسهٔ سفالی با نقش انسان

محل کشف آثار: تپهٔ آکروپول شوش ؛ قدمت: هزارهٔ چهارم پیش از میلاد (دورهٔ عیلامی مقدم)

محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس

۱- این جام، یکی از معروفترین آثار باستانی ایران است. سازندگان آن در ۶ هزار سال پیش، با هنرمندی بسیار و تنها با چند شکل هندسی ساده مثل خط و دایره توانسته‌اند نقش بسیار زیبایی از یک بز کوهی را خلق کنند.

دورهٔ عیلامی مقدم

باستان‌شناسان تاریخ عیلام را به چهار دورهٔ مقدم، کهن، میانه و جدید تقسیم کرده‌اند. از دورهٔ عیلامی مقدم که هنوز خط میخی ابداع نشده بود، اطلاعات زیادی ثبت نشده است اما کشف آثاری چون ظروف سفالی با نقوش بسیار زیبا، مُهرهای استوانه‌ای و مجسمه‌هایی از جنس طلا و نقره نشان از هنرمندی و توانگری مردم باستانی عیلام دارد.

دورهٔ عیلامی کهن

قدیمی‌ترین سندی که نام سرزمین عیلام در آن ثبت شده است، کتیبهٔ پیروزی یکی از پادشاهان سومری است که در آن ماجرای حمله به شهر شوش نوشته شده است.

حملات سومری‌ها و به‌دنبال آنها آکدی‌های بین‌النهرین تا حدود سال ۲۶۷۰ پیش از میلاد ادامه داشت تا اینکه یکی از حاکمان عیلامی از شهر آوان به نام پوزور اینشوشیناک علیه آکدی‌ها شورید و توانست سرزمین عیلام را از زیر سلطهٔ آنان درآورد. از این پادشاه کتیبه‌های بسیاری برجای مانده که در آن خود را شاه توانای آوان، برگزیدهٔ خدای اینشوشیناک و پادشاه چهار اقلیم جهان نامیده است.



جام سیمین با نقش قلم‌زنی شدهٔ زن عیلامی
محل کشف: سرزمین باستانی اِنشان (در استان فارس)
قدمت: ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد (دورهٔ عیلامی کهن)
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان



کتیبه‌ای به خط میخی عیلامی
قدمت: حدود ۱۱۰۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



تخته‌سنگ نذری از پادشاه پوزور اینشوشیناک
در حال کوبیدن میخ طلسم بر زمین معبد
قدمت: ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد (سلسلهٔ آوان)



پلاک سنگی با دو ردیف نقش برجستهٔ ضیافت شاهانه
و نبرد پهلوان با شیر
قدمت: ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد (سلسلهٔ شیماشکی)

با مرگ پوزور اینشوشیناک، پادشاهی سلسلهٔ آوان نیز در پی حملهٔ ناگهانی قوم کوه‌نشین گوتی فروپاشید و تاریخ عیلام برای مدت کوتاهی در سکوتی تلخ فرورفت تا سال ۲۱۰۰ پیش از میلاد که حاکمان قدرتمند شهر شیماش برخاستند و حکومت عیلام را در دست گرفتند.

مدتی بعد شیماشکی‌ها هم جای خود را به سلسلهٔ سوکِل‌ماه (اِپارتی) دادند. در این سلسله طبق یک سنت قدیمی، پادشاه با عنوان نایب‌السلطنهٔ بزرگ به همراه دو جانشین بعد از خود یعنی برادر(با لقب سوکل عیلام) و پسرش(با لقب سوکل‌شوش) حکومت می‌کرد. با مرگ پادشاه، ابتدا برادرش بر تخت سلطنت می‌نشست و پس از او نوبت به حکومت پسرش می‌رسید.

از چگونگی به پایان رسیدن سلسلهٔ سوکل‌ماه اطلاع چندانی در دست نیست اما به‌نظر می‌رسد حملهٔ قوم کاسی بابِل، باعث سقوط آن شده باشد.



از مهم‌ترین اسناد به‌جامانده از سلسلهٔ سوکل‌ماه، می‌توان به کتیبهٔ سفالی کوچکی اشاره کرد که روی آن نام ۲۴ پادشاه از سلسله‌های پیشین یعنی آوان و شیماشکی حک شده است.
قدمت: ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری-: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



کاسهٔ سنگی با یک ردیف نقش بوفالو و درخت مقدس
قدمت: ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (دورهٔ حکومت سلسلهٔ سوکل‌ماه)
محل نگهداری: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس

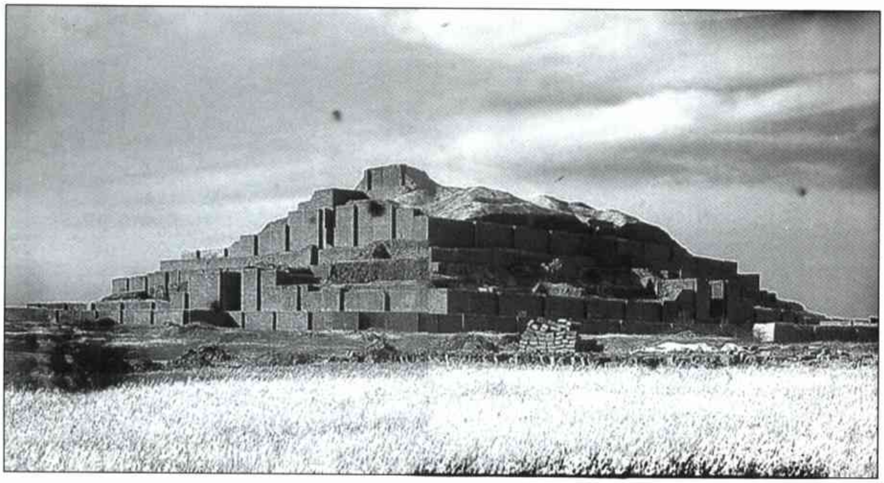
دورهٔ عیلامی میانه

اواسط هزارهٔ دوم پیش از میلاد، سرآغاز دورهٔ شکوهمند تاریخ عیلام بود. در این دوره بود که معبد بزرگ چغازنبیل ساخته شد؛ عیلامی‌ها به پیروزی‌های چشمگیری در بین‌النهرین دست یافتند و غنائم بسیاری با خود به شوش آوردند.

در حدود سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد، فردی به نام کیدینوئید نخستین سلسلهٔ این دوره را تأسیس کرد. مشهورترین پادشاه سلسلهٔ کیدینوئیدها فردی به نام تپتی‌آهار بود که آرامگاه بزرگ او با دروازه‌ای به شکل طاق‌هلالی، در بالای هفت‌تپهٔ شوش کشف شده است. باستان‌شناسان ایرانی با کاوش در این آرامگاه به تعدادی مجسمهٔ سفالی، سنگ یادبود و ۲۰ اسکلت که احتمالاً متعلق به خدمتگزاران و همسران پادشاه است، دست یافته‌اند.

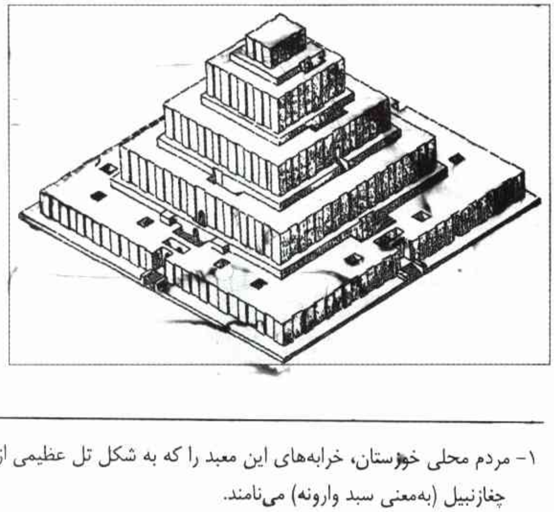


تندیس‌های سفالی کشف‌شده از مقبرهٔ تپتی‌آهار
قدمت: ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد (دورهٔ سلطنت کیدینوئیدها)
محل نگهداری: ایران - موزهٔ شهر شوش



معبد چغازنبیل[1] شوش(بزرگ‌ترین زیگورات جهان و نخستین اثر باستانی ثبت شدهٔ ایران در یونسکو)

با مرگ تپتی‌آهار، قدرت به دست سلسلهٔ جدید ایگی‌هالکیدها افتاد. پنجمین پادشاه این سلسله فردی بود به‌نام اونتاش ناپیریشا که در حدود سال ۱۲۵۰ پیش از میلاد، شهر و معبد بزرگ چغازنبیل را برای پرستش خدای عیلامی اینشوشیناک ساخت. از این پادشاه کتیبه‌های بسیاری نیز یافت شده است. او در یکی از این کتیبه‌ها که از خرابه‌های معبد چغازنبیل کشف شده، چنین عنوان کرده است : *من اونتاش ناپیریشا، پسر هومبان اومنا، شاه انشان و شوش. هنگامی که من مصالح ساختمانی را به‌دست آوردم، در اینجا شهر اونتاش و حریم مقدسش را برپا نمودم و آن را در یک دیوار خارجی و یک دیوار داخلی محصور کردم. من معبد بلندی ساختم و آن‌را وقف خدای اینشوشینک نمودم. باشد که این معبد و زحمات* ***من مورد پذیرش ایشان قرار گرفته و همواره عدل و داد در این مکان برقرار بماند.***



زیگورات چغازنبیل، معبد هرمی ۵ طبقه‌ای بود به ارتفاع ۵۲ متر که امروزه تنها دو طبقه از آن برجای مانده است. به‌نظر می‌رسد طبقهٔ پنجم این معبد، محل قرار دادن مجسمهٔ خدای اینشوشیناک بوده است و تنها کاهنان و خانوادهٔ شاهی حق ورود به آن را داشته‌اند. همچنین برای محافظت و طلسم معبد، در ورودی دروازه‌ها مجسمه‌های سفالی از گاو نر و سگ قرار می‌دادند.

۱- مردم محلی خوزستان، خرابه‌های این معبد را که به شکل تل عظیمی از خاک در ۴۲ کیلومتری جنوب شهر شوش دیده می‌شود، چغازنبیل (به‌معنی سبد وارونه) می‌نامند.



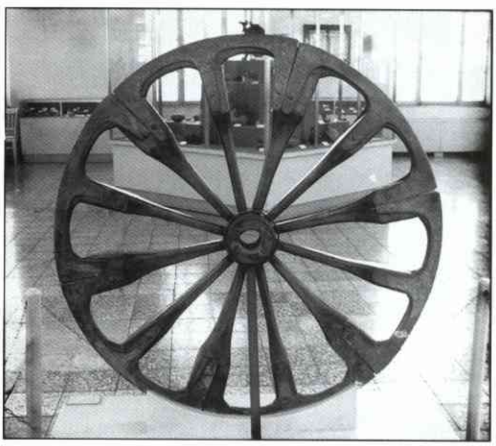
اجرنوشته‌ای بر دیوار زیگورات چغازنبیل[1]



گل‌میخ سفالی با نام پادشاه اونتاش ناپیریشا

اونتاش ناپیریشا علاوه بر ساخت معبد چغازنبیل، از بازسازی شهر شوش نیز غافل نبود. او چند بار از ضعف حاکمان بابِل استفاده کرد و با حمله به شهرهای بین‌النهرین، غنائم بسیاری با خود به شوش آورد. طی ۲۰ سال سلطنت این پادشاه، عیلام از انزوای تاریخی خود بیرون آمد و به قدرتی بزرگ در منطقه تبدیل شد.





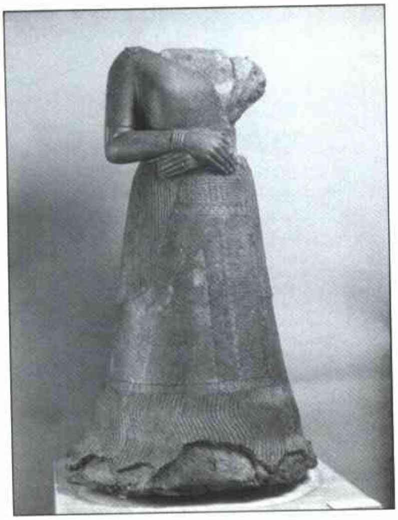
تندیس گاو سفالین[2] و چرخ ارابه از آثار کشف شده در معبد چغازنبیل شوش ؛ قدمت : ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری : تهران - موزهٔ ایرانِ باستان

۱- متن بیشتر این آجرنوشته‌ها دربرگیرندهٔ نام اونتاش‌ناپیریشا است که در آن پادشاه پس از ذکر نام خود و پدرش و درخواست سلامتی از خدایان، این معبد را به ایزدان شوش و عیلام تقدیم کرده است.

۲- بـر پشـت مجسـمه ایـن حـیوان، کتیـبه‌ای به خط میخی عیلامی وجود دارد که مضمون آن چنین است:" *من، اونتاش ناپیریشا، پسر هومـبان اومـنا، شـاه انشـان و شـوش، یک گاو نر از گِلِ پختهٔ لعابدار را به عنوان فرشتهٔ نگهبان در این مکان مقدس گذاشتم. پس آنچه را که شاهان قدیم نکردند، من آن را انجام دادم. باشد که خدای اینشوشیناک این هدیه را از من بپذیرند.* "



سنگ نگاره‌ای زیبا از اونتاش ناپیریشا و کاهنه‌های معبد



مجسمهٔ مفرغی ملکه ناپیراسو[1] (همسر پادشاه اونتاش‌ناپیریشا)



سَرتبر مفرغی با نام پادشاه اونتاش ناپیریشا ؛ این تبر زیبا که از معبد الههٔ کریشیا در نزدیکی چغازنبیل شوش کشف شده است، دسته‌ای به شکل سَرِ شیر دارد و روی تیغه‌ای که از دهان حیوان بیرون آمده، نام *"اونتاش ناپیریشا"* به خط عیلامی حک شده است. پشت سر شیر نیز مجسمه‌ای از گراز نشسته با آلیاژ طلا و نقره قرار دارد.

محل کشف آثار : معبد آکروپول شوش ؛ قدمت : ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد

محل نگهداری : فرانسه- موزهٔ لوور پاریس

۱- بر حاشیهٔ دامن این مجسمه و از زبان ملکه چنین آمده است: *"من ناپیراسو ، همسر اونتاش ناپیریشا هستم. هر کس که بخواهد مجسمهٔ مرا تصرف کند، هر کس که بخواهد آن را درهم بشکند، هر کس که این کتیبه را خراب کند و یا نام مرا پاک کند، باشد که مورد غضب خدایان اینشوشیناک، ناپیریش و کیریشیا قرار گیرد و نام و نسلش از میان برداشته شود."*

با مرگ اونتاش ناپیریشا، برادرزاده‌اش کیدین هوتران به پادشاهی رسید. در اواخر حکومت این پادشاه، شخصی به نام هولتاش اینشوشیناک سلسلهٔ جدید و نیرومند شوتروکید را در عیلام پایه‌گذاری کرد که به مدت ۵۰ سال قوی‌ترین نیروی سیاسی و نظامی منطقه محسوب می‌شد.

از پادشـاهان بـزرگ این سلسله می‌توان به شوتروک ناهونته اشاره کرد. طبق اسنادی که از آن دوران بـرجای مـانده اسـت، شـوتروک ناهونـته به همراه پسرش کوتیر ناهونته به بابِل حمله کرد و با سرنگون سـاختن پادشـاه بـابِل، انبوهی از غنائم معابد بابِل چون تندیس شاهزادهٔ بابلی، لوح حمورابی و لوح یادبود پادشاه نارامسین را با خود به شوش آورد.

بـا مرگ کوتیر ناهونته، فردی بر تخت سلطنت نشست که بی‌گمان باید او را بزرگ‌ترین پادشاه تاریخ عـیلام نامید. شیلهاک اینشوشیناک پادشاهی بود که با ۸ بار لشکرکشی به بین‌النهرین، دامنهٔ عیلام را تا آن سـوی سـرزمین‌هـای بیـن‌النهرین وسعت داد. از دورهٔ حکومت این پادشاه، سنگ نوشته‌های بسیاری برجای مانده است که مهمترین آنها فهرست کاملی از نام پادشاهان پیشین عیلام است.

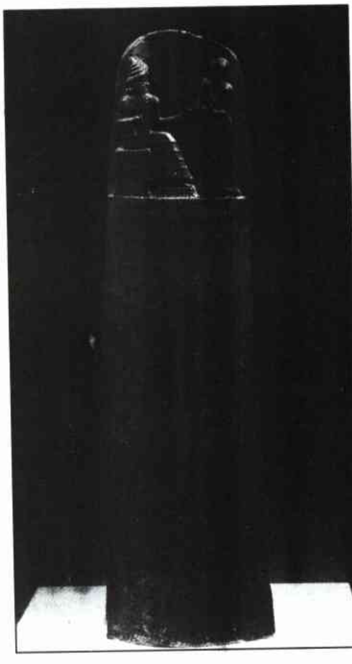


تندیس شاهزادهٔ بابِلی از غنائم جنگی شوتروک ناهونتهٔ عیلامی که پس از تسخیر شهر بابِل به شوش آورده شد.
بـر روی ایـن مجسمهٔ سنگی، کتیبه‌ای به این مضمون به خط میخـی عیلامـی و آکـدی حـک شـده اسـت: *منم شوتروک ناهونـته، پادشـاه انشـان و شوش و فرمانروای سرزمین عیلام. مـن بـه یاری خدای اینشوشیناک، شهر بابِل را تسخیر کردم و این تندیس را به شوش آوردم.*
محل کشف: تپهٔ آکروپول شوش
محل نگهداری: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس





لوح سنگی **پادشاه** کاسی بابل[۱] و لوح یادبود نارامسین آکدی[۲] ؛ از غنائم جنگی شوتروک ناهونتهٔ عیلامی
محل نگهداری آثار : فرانسه - موزهٔ لوور پاریس

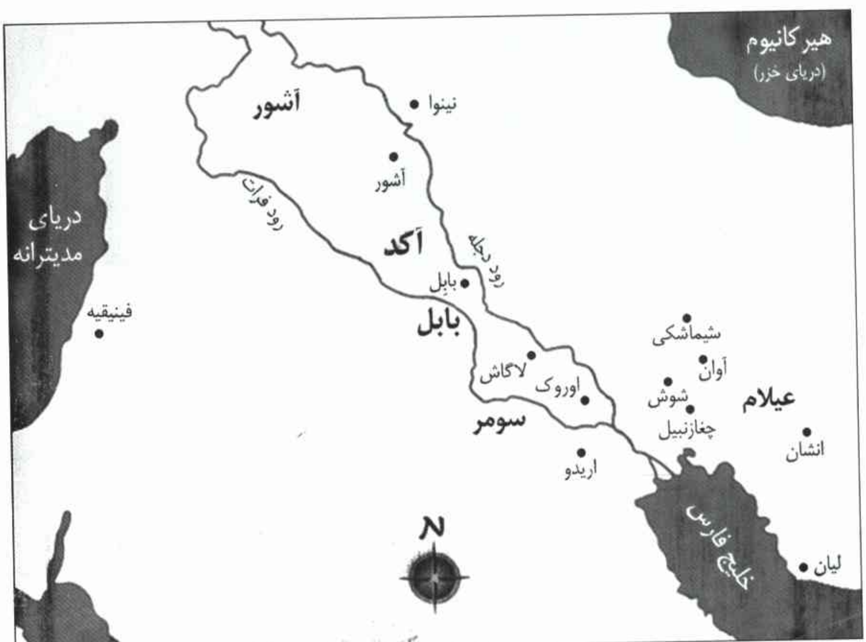


سنگ ستون حمورابی (قدیمی‌ترین قانون نوشتهٔ جهان)
روی این لوح باستانی چهار هزار ساله که دو متر و چهل سانت ارتفاع دارد، به دستور حمورابی، پادشاه بزرگ بابِل ۲۸۲ قانون حک شده بود تا با نمایش در میدان مرکزی شهر بابِل، همه ملزم به رعایت آن شوند.
محل کشف: تپهٔ آکروپول شوش
محل نگهداری فعلی: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس

۱- روی این لوح، لیستی از هدایای سلطنتی که پادشاه بابِل به پسر خود هدیه کرده ، حک شده است.
۲- بر روی این لوح، پادشاه به همراه تعدادی از سپاهیان خود، دشمنان را از بالای کوه به **پایین** پرت می‌کند.



تابلوی مفرغی با صحنهٔ مراسم نیایش راهبه‌های آفتاب از آثار کشف شده از خرابه‌های معبد شوش
بر روی این تابلو، کتیبه‌ای به این مضمون حک شده است : *"من شیلهاک اینشوشیناک پسر شوتروک ناهونته، پادشاه شوش و انشان و خدمتگذار خدای اینشوشیناک این تابلوی مفرغی آفتاب را ساختم."*
محل نگهداری : فرانسه - موزهٔ لوور پاریس



شهرهای مهم سرزمین‌های عیلام و بین‌النهرین در هزارهٔ دوم پیش از میلاد



نقش برجستهٔ خدابانو و گاومردی که به درخت نخل تکیه داده به همراه کتیبهٔ عیلامی
از مجموعه آجرهای تزئینی معبد خدای اینشوشیناک شوش؛ ارتفاع : ۱۳۵ سانتیمتر
قدمت: ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (دورهٔ سلطنت شوتروکیدها)
محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس[۱]

۱- سرزمین ایران طی هزاران سال تاریخ پرفراز و نشیب خود ، همواره شاهد هجوم غارتگرانی بوده که به طمع ثروت وارد این خاک شده و گنجینه‌های ارزشمندی را که نیاکانمان برای ما به یادگار گذاشته بودند، به یغما بردند. از غارتگران دوران معاصر می‌توان به شرق‌شناسان اروپایی به اصطلاح متمدنی اشاره کرد که در اواسط قرن ۱۹ میلادی به بهانهٔ تحقیق و پژوهش بر روی آثار باستانی، قراردادهای ننگینی را با شاهان بی‌لیاقت قاجار عقد کردند و سپس با کسب امتیاز حفاری‌های باستان‌شناسی، دسته دسته وارد ایران شده و به غارت آثار ملی کشورمان پرداختند. مارسل دیولافوآ (۱۸۸۴ میلادی)، ژاک دمورگان (۱۸۹۰ میلادی) و رولان دومکنم (۱۸۹۵ میلادی) از جمله افرادی بودند که طی ۲۰ سال کاوش در شهر باستانی شوش، تقریباً همهٔ آثار کشف‌شده از معابد عیلامی و کاخ‌های هخامنشی را با خود به فرانسه برده و تحویل موزهٔ لوور پاریس دادند.



مجسمهٔ سفالین مرد عیلامی

ارتفاع: ۲۴ سانتیمتر ؛ قدمت: ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد



مجسمهٔ خدای عیلامی از جنس مس و طلا

ارتفاع: ۱۸ سانتیمتر ؛ قدمت: ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد

محل نگهداری آثار: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس

با مرگ شیلهاک اینشوشیناک، بابِلی‌ها که نیرویی دوباره پیدا کرده بودند، قیام کردند و از زیر سلطهٔ عیلامی‌ها خارج شدند. طبق اسناد در حدود سال ۱۱۲۰ پیش از میلاد بابلی‌ها به رهبری پادشاهی به نام نبوکداوصور به شهر شوش حمله کرده و مجسمهٔ مردوک(خدای بزرگ و حامی شهر) را به بابِل برگرداندند. به‌دنبال سقوط سلسلهٔ شوتروکید، به یکباره با سکوت مرگباری در تاریخ عیلام مواجه می‌شویم، به‌طوری که از این تاریخ تا ۳۵۰ سال بعد نام هیچ پادشاه عیلامی در کتیبه‌های بابِلی و آشوری ذکر نشده است.

دورهٔ عیلامی نو

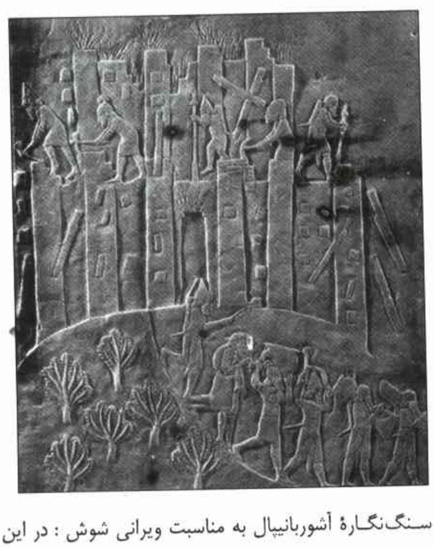
از سال ۷۶۰ پیش از میلاد که آخرین سلسلهٔ عیلامی حکومت را در دست گرفت، میان سه دولت بزرگ منطقه یعنی عیلام، بابِل و آشور جنگ‌های بسیاری درگرَفت. چندین بار دو کشور عیلام و بابِل با هم متحد شدند و به سوی آشور لشکرکشی کردند اما ظهور پادشاه ویرانگری به نام آشوربانیپال، تمامی معادلات منطقه را بر هم زد و در نهایت؛ آشوری‌ها در نبرد نهایی پیروز شدند.

در سال ۶۴۶ پیش از میلاد سپاهیان آشور به رهبری آشوربانیپال به عیلام تاختند و با ویران‌کردن شهر شوش و قتل عام هزاران نفر از مردم بیگناه، تمدن باستانی عیلام را به پایان رساندند.



بخش از یک نقش برجستهٔ کشف شده از شهر باستانی شوش: *یک زن عیلامی درحالی‌که موهایش را به زیبایی آراسته و ندیمه‌اش او را باد می‌زند، روی چهارپایه‌ای نشسته و مشغول نخ‌ریسی است. جلوی او هم میزی با بشقاب غذا (ماهی سرخ‌شده) قرار دارد.*

محل نگهداری نقش برجسته : فرانسه - **موزهٔ لوور پاریس** قدمت : حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح



سنگ‌نگارهٔ آشوربانیپال به مناسبت ویرانی شوش : در این نقش برجسته، سپاهیان آشور در حال ویران‌کردن معبد و تعدادی هم در حال خارج‌کردن گنج‌های آن دیده می‌شوند.

محل نگهداری اثر : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

در بخشی از کتیبهٔ آشوربانیپال که به مناسبت ویرانی شهر شوش نوشته شده، چنین آمده است:

من، شوش، شهر بزرگ و مقدس را به خواست خدایان آشور گشودم. من وارد کاخ‌های معبد شوش شدم و هر آنچه از سیم و زر و مال فراوان بود، همه را به غنیمت برداشتم. من همهٔ آجرهای زیگورات شوش را که با سنگ لاجورد تزئین شده بود، شکستم. من تمامی معابد عیلام را با خاک یکسان کردم، شهر شوش را به ویرانه‌ای تبدیل کردم و بر زمینش نمک پاشیدم. من همهٔ دختران و زنان را به اسارت گرفتم. از این پس دیگر کسی، صدای شادی مردم و سُم اسبان را در عیلام نخواهد شنید.



ریتون سیمین به شکل گاو زانوزده که جامی در دست دارد[1] ؛ قدمت : ۲۹۰۰ تا ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد (دورهٔ عیلامی مقدم)
محل نگهداری: امریکا – موزهٔ متروپولیتن نیویورک

۱– مجسمهٔ گاو عیلامی با لباسی منقوش به طرح پلکانی و جام دهانه‌داری که در دست دارد، آمیختگی جالبی از ویژگی‌های انسان و حیوان را نمایش می‌دهد. البته این‌گونه نمایش ترکیبی (حیوان در نقش انسان) در دورهٔ عیلامی مقدم معمول بوده و احتمالاً سمبل نوعی قدرت فوق‌طبیعی بوده که از طرف خدایان به پادشاهان اعطا می‌شده است. با اینکه کاربرد این مجسمه کاملاً مشخص نشده است، نوع جام و طرح‌های حک‌شده روی لباس، بیانگر نوعی مراسم آیینی یا جشن مذهبی است. همچنین جنس نقره‌ای این مجسمهٔ معروف که در عصرمس (حدود ۵ هزار سال پیش) ساخته شده، علاوه بر هنرمندی قابل ستایش سازندگان آن، بیانگر پیشگامی عیلامی‌ها در فن‌آوری استخراج و ذوب فلزات گرانبها است.



تکهٔ زیبایی از آجر لعابدار رنگی[1] که در میان خرابه‌های معبد آکروپول شوش کشف شده است.





مجسمهٔ سر شاهزادهٔ عیلامی

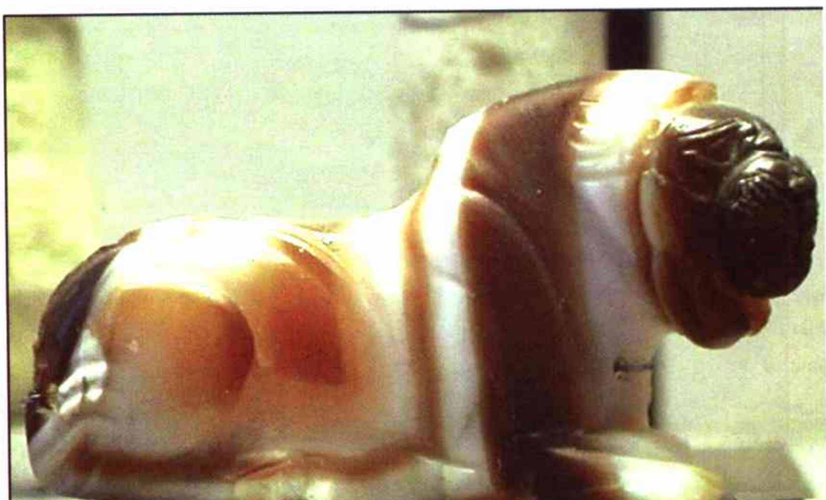
مجسمهٔ کبوتر از سنگ لاجورد به طول ۱۱ سانتیمتر

قدمت آثار : ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح - محل نگهداری : موزهٔ لوور پاریس

۱- باستان‌شناسان از روی همین تکه‌های کوچک توانسته‌اند به نوع و نحوهٔ تزئینات معابد عیلامی پی ببرند. با توجه به نمونه مهرهای استوانه‌ای کشف شده از این منطقه، به‌نظر می‌رسد روی این آجر، نبرد یک پهلوان عیلامی با دو شیر که روی ابوالهول‌های تاج‌دار ایستاده‌اند، نقاشی شده بود.



مجسمهٔ طلایی و نقره‌ای از پادشاه عیلامی در حال اهدای پیشکش به معبد خدای اینشوشیناک



مجسمهٔ زیبای شیر خفته از سنگ مرمر

قدمت آثار: ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد ؛ محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



در پاییز سال ۱۳۶۱ شمسی و به هنگام خاک‌برداری جهت عملیات سدسازی بر روی رودخانهٔ مارون در نزدیکی ارجان بهبهان، حفره‌ای در زمین پیدا شد که درون آن، آرامگاه یکی از بزرگترین پادشاهان عیلامی قرار داشت. از داخل این آرامگاه، یک تابوت مفرغی به همراه اشیاء ارزشمندی چون خنجر و دکمه‌های طلایی، کوزهٔ سیمین، آتشدان و جسد مردی کشف شد که حلقهٔ زرّینی در دست داشت.
روی این حلقه که به حلقهٔ قدرت نیز معروف شده، دو نقش قرینه از شیرهای بالداری وجود دارد که به درخت مقدس تکیه داده‌اند.
همچنین روی دستهٔ آن کتیبه‌ای به خط میخی عیلامی حک شده که ترجمهٔ آن چنین است: *کیدین هوتران*[1] *پسر کورلوش*
قدمت: ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ؛ محل نگهداری: تهران - موزهٔ ایران باستان

۱- کیدین هوتران یکی از پادشاهان سلسلهٔ ایگی‌هالکیدها بود که پس از اونتاش ناپیریشا (سازندهٔ زیگورات چغازنبیل) به سلطنت رسید.



مجسمهٔ ملکه ناپیرآسو (همسر اونتاش ناپیریشا) ؛ قدمت: ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح
این مجسمهٔ زیبا که با لایه‌ای از مس و طلا روی قالب برنزی ساخته شده، حدود ۱۳۰ سانتیمتر ارتفاع و ۱۷۵۰ کیلوگرم وزن دارد.
روی دامن حاشیه‌دار این مجسمه، نام ملکه و خدایان بزرگ شوش به خط میخی عیلامی حک شده است.
(به حلقهٔ نامزدی در انگشت دوم دست چپ ملکه توجه کنید!) محل نگهداری: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس



تندیس سیمین از یک ایزدبالدار ؛ ارتفاع : ۱۲ سانتیمتر
محل کشف: جنوب‌غرب ایران ؛ قدمت: ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد



تندیس زرّین از یک ایزد شاخدار
محل کشف: جنوب‌غرب ایران
قدمت: ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح



تندیس سیمین از نبرد پهلوان با یک گاو بالدار
محل کشف: شمال‌غرب ایران
قدمت: ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح

محل نگهداری آثار : ژاپن - موزهٔ میهو در ایالت شیگا

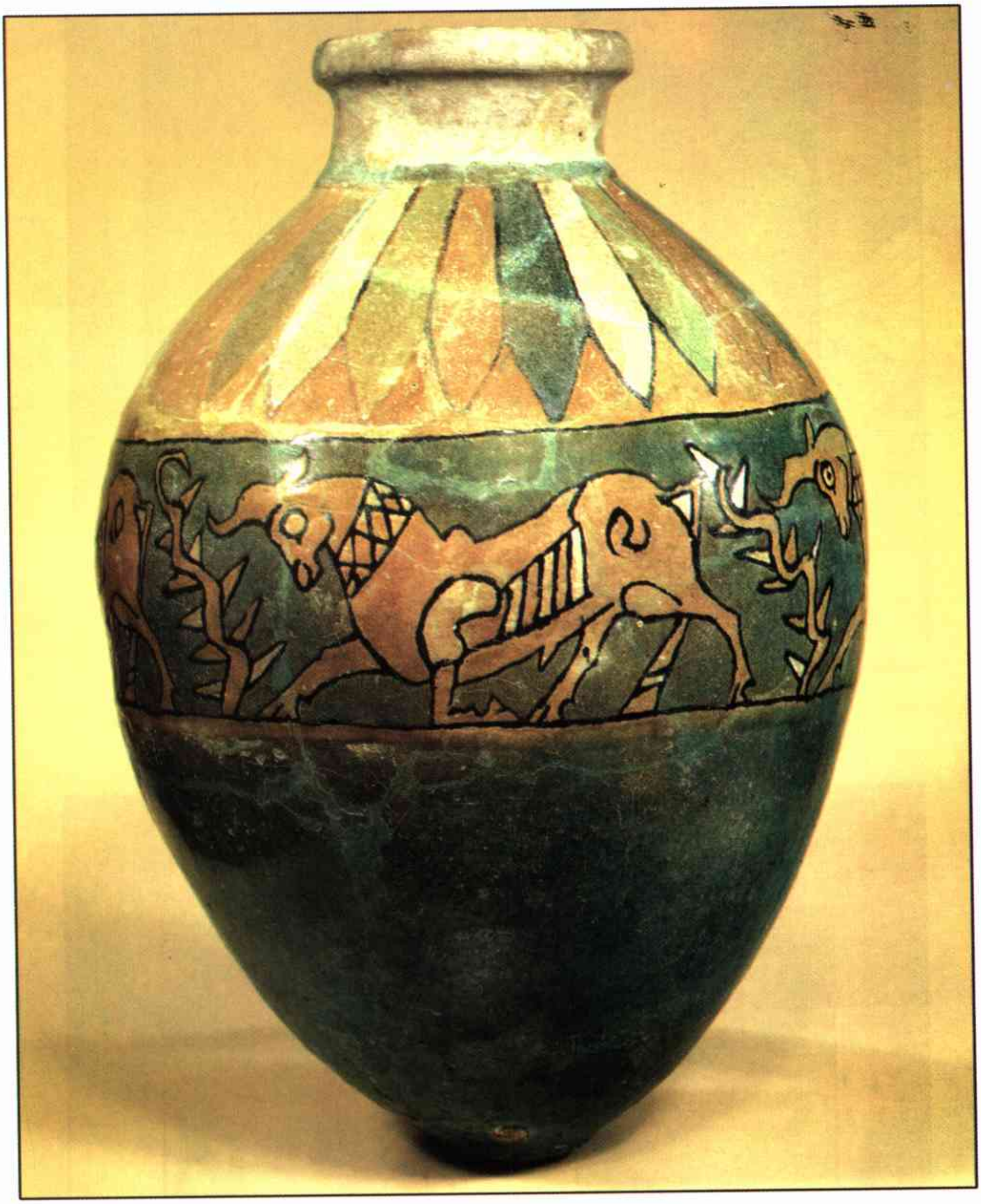


ریتون سیمین بسیار زیبا و منحصر به فرد به شکل زورآزمایی دو شیر[1] روی جسد یک گاو



ظرف سیمین با دسته‌ای مزین به مجسمهٔ دو پرنده و نقش برجستهٔ حملهٔ گربه‌های وحشی به دو آهو
محل کشف آثار : شمال‌غرب ایران : قدمت: ۷۰۰ تا ۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری آثار : ژاپن - موزهٔ میهو در ایالت شیگا

۱- بدن این شیرها به شکل دو مخزن توخالی است که به وسیلهٔ دستهای دو حیوان به هم وصل شده است. سوراخی که در پشتِ سَرِ یکی از این شیرها تعبیه شده، محل ورود و سوراخی که در دهان شیر دومی ایجاد شده، محل خروج شربت از ریتون است.



کوزهٔ سفالی لعابدار رنگی با یک ردیف نقش زیبا از گاو نرهایی که در برابر درخت زندگی زانو زده‌اند.
قدمت : حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد ؛ محل کشف : استان کردستان
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک

فصل سوم

امپراتوری هخامنشی

ورود آریایی‌ها به ایران

در اواسط هزارهٔ دوم پیش از میلاد، اقوامی از آسیای مرکزی که خود را آریایی می‌نامیدند، به‌خاطر یخبندان‌های فصلی و کمبود غذا، از شمال فلات ایران و از دو سوی دریای خزر وارد سرزمینی شدند که بعدها ایران نام گرفت. گروهی از این اقوام به نام پارت‌ها در مناطق شمال شرقی ایران (خراسان و گرگان امروزی) ساکن شدند و گروه دیگری که ماد و پارس نامیده می‌شدند، با گذشتن از آذربایجان، به سوی سرزمین‌های جنوبی حرکت کردند[1] و در نهایت، مادها در نزدیکی همدان، و پارس‌ها در استان فارس امروزی مستقر شدند. هم‌زمان با ورود آریایی‌ها، قبایل مختلف دیگری نیز وارد ایران شدند و هر کدام قلمرو کوچکی را به خود اختصاص دادند. از میان اقوام شناخته‌شدهٔ آن دوران می‌توان به مانایی و اورارتو اشاره کرد که در اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد، حکومت‌های مستقلی در شمال‌غربی ایران تشکیل داده بودند. اقوام ناشناختهٔ دیگری نیز در مارلیک گیلان، حسنلوی آذربایجان و زیویهٔ کردستان وجود داشتند که مدت کوتاهی در شمال و غرب ایران ساکن شدند.

۱- در اواسط قرن نهم پیش از میلاد، آشوری‌های شمال عراق برای نخستین بار، از سرزمین پارسوآ به عنوان دشمن همسایه در کتیبه‌های خود یاد کرده‌اند. پژوهشگران نیز بر پایهٔ این اسناد نتیجه گرفته‌اند که احتمالاً مادها و پارس‌ها ابتدا در شمال غربی ایران ساکن بوده‌اند و بعدها به دلایلی به سرزمین‌های جنوبی رفته‌اند.

پادشاهی ماد

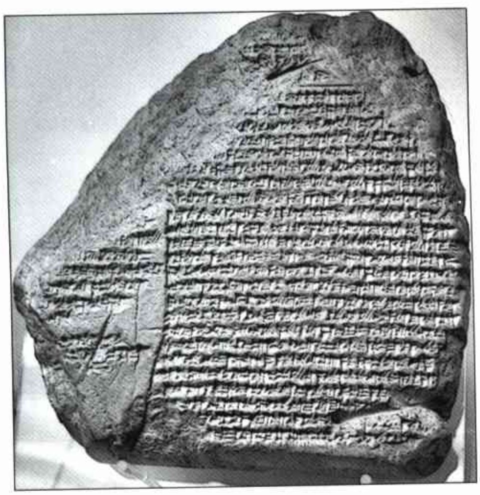
آگاهی ما دربارهٔ نحوهٔ شکل‌گیری حکومت مادها، بیشتر به منابع تاریخی بیگانگان - چون کتیبهٔ بابِلی‌ها و کتاب هرودوت یونانی- معطوف است. طبق این اسناد، پس از حملهٔ آشوربانیپال به سرزمین عیلام، رهبران حکومت‌های کوچکَ که در شمال و غرب ایران زندگی می‌کردند، از بیم حملهٔ دوبارهٔ آشوری‌ها با یکدیگر متحد شدند و زیر فرمان حاکم مادی به نام دیااُکو[1] درآمدند.

دیااُکو و جانشینانش شهر هگمتانه (اکباتان یا همدان امروزی) را به‌عنوان پایتخت دولت خود انتخاب کردند و توانستند ۱۵۰ سال در برابر حملات ویرانگر آشوری‌ها مقاومت کنند.

با مرگ آشوربانیپال در سال ۶۱۳ پیش از میلاد، سومین پادشاه سلسلهٔ ماد به نام هُوَخْشَتْرَه[2] با پادشاه سرزمین بابل(نَبوپولسار[3]) پیمان اتحادی امضا کرد و برای تحکیم آن، دخترش آمیتیس[4] را به عقد نبوچادنزر[5] (بخت‌النصر[6])، پسر پادشاه بابل درآورد.

یک سال بعد، مادها و بابلی‌ها به فرمان هوخشتره به قلب امپراتوری آشور حمله کردند و با ویران‌ساختن شهر نینوا، به قدرت‌نمایی آشوریان پایان دادند.

با سقوط امپراتوری آشور، سرزمین‌های شمالی بین‌النهرین به دست مادها افتاد و به این ترتیب آریایی‌ها توانستند برای نخستین‌بار در سرزمین جدید خود یک حکومت پادشاهی تأسیس کنند. اما این سلسله با مرگ هوخشتره و روی کار آمدن جانشین بی‌لیاقت او یعنی آستیاک، چندان دوام نیافت.



سالنامهٔ بابلی با شرح رویدادهای سال ۵۵۰ تا ۴۰۰ پیش از میلاد

در این کتیبه رویدادهای مهمی چون نحوهٔ تسخیر شهر آشور توسط هوخشتره مادی، پیمان اتحاد میان پادشاهان ماد و بابل، لشکرکشی سپاهیان ماد و بابل به نینوا و نحوهٔ ویران‌کردن پایتخت آشوریان ثبت شده است.

قدمت: ۶۱۰ سال پیش از میلاد مسیح

محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

1- Diya Oko　2- Hovakh Shatrah　3- Nebu Polassar

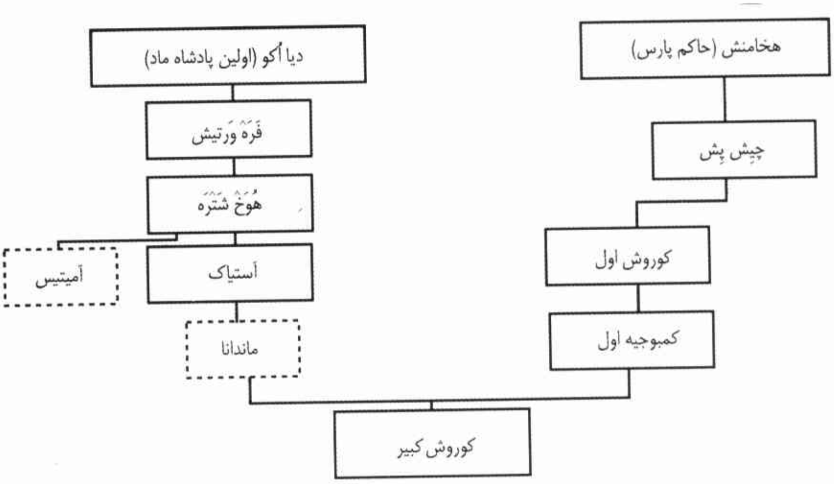
4- Amitis　5- Nebu Chadnezzar

۶- بخت‌النصر که پس از مرگ پدرش نبو چادنزار (نبوکدنصر) بر تخت سلطنت نشست، دستور داد برای جلب رضایت همسر ایرانیش (آمیتیس) کاخ و باغ معلق بزرگی در وسط شهر بابل بسازند. این باغ چنان بزرگ و زیبا بود که همان زمان یکی از عجایب هفتگانهٔ جهان لقب گرفته بود.



قلمرو حکومت مادها در زمان پادشاهی هوخشتره

دربارهٔ نحوهٔ سقوط پادشاهی ماد چنین روایت شده است که شبی آستیاک در خواب می‌بیند از دخترش ماندانا پسری به دنیا آمده و او را از تخت به زیر می‌کشد. به همین دلیل، او دخترش را به عقد کمبوجیه (پسر حاکم پارس) درآورد و دستور داد اگر از ازدواج آنان پسری به‌دنیا آمد، فوراً او را به قتل برسانند. اما فرماندهان ارتش از اجرای این دستور سرپیچی کردند و به این ترتیب پسر ماندانا یعنی کوروش نجات یافت. سال‌ها بعد هنگامی که کوروش به جوان برومندی تبدیل شده بود، همان فرماندهان نزد کوروش رفتند و از او خواستند تا برای نجات دادن مردم از بی‌عدالتی‌های پدربزرگ‌ظالمش، قیام کند. هنگامی که کوروش به همراه طرفداران خود به سوی هگمتانه حرکت کرد، همهٔ سپاهیان آستیاک به طرفداری از کوروش، سلاح بر زمین گذاشتند و به لشکر او پیوستند.



کوروش بزرگ، بنیانگذار امپراتوری هخامنشی

با فتح هگمتانه (اکباتان) در سال ۵۴۶ پیش از میلاد، کوروش خود را پادشاه پارس خواند و سلسلهٔ جدید هخامنشی[1] را تأسیس کرد.

در نخستین سال‌های حکومت کوروش، پادشاه طمع‌کار لیدی (کشوری در غرب ترکیهٔ امروزی) که ناباورانه شاهد سقوط دولت مقتدر ماد بود، به طمع توسعهٔ قلمرو خود، تصمیم گرفت به مرزهای ایران حمله کند. هنگامی که سپاهیان لیدی وارد مرزهای ایران شدند، کوروش بی‌درنگ سپاه بزرگی آماده کرد و به منظور دفع تجاوز دشمن، به سوی غرب حرکت کرد. سرانجام در جنگ بزرگی که میان دو سپاه رخ داد، ایرانیان علاوه بر پیروزی در نبرد، موفق شدند شهر سارد (پایتخت لیدی) را فتح و پادشاه آن کشور را دستگیر کنند[2].

پس از آن کوروش توجه خود را به سرزمین بابِل معطوف کرد. در این دوران مردم بابِل از بی‌توجهی پادشاه جدید به وضع زندگی آنان و ظلم‌هایی که در حق یهودیان اسیر انجام می‌داد، بسیار ناراضی بودند. همین موضوع باعث شد کوروش موقعیت را برای فتح سرزمین‌های جنوب بین‌النهرین مناسب ببیند و با لشکر بزرگی به سوی بابل حمله کند. مردم بابِل که آوازهٔ جوانمردی و بزرگواری کوروش را شنیده بودند، به محض نزدیک شدن سپاه ایران به شهرشان، دروازه‌ها را باز کردند و شهر بدون هیچ مقاومتی به دست ایرانیان افتاد. کوروش پس از ورود به بابِل، به معبد خدای مردوک رفت و در آنجا خود را پادشاه جدید و حامی مردم نامید و دستور آزادسازی یهودیان اسیر را صادر کرد.



۲۵۰۰ سال پس از این واقعه، هنگامی که باستان‌شناسان انگلیسی مشغول حفاری در خرابه‌های شهر باستانی بابِل بودند، کتیبهٔ استوانه‌ای‌شکلی پیدا کردند که روی آن رویداد فتح بابل به دست پادشاه بزرگ ایران نوشته شده بود.

در بخشی از این کتیبه و از زبان کوروش بزرگ آمده است : *منم کوروش، پادشاه جهان، شاه شاهان، پادشاه مقتدر بابِل، پادشاه چهار اقلیم جهان، پسر کمبوجیه(اول) شاه انشان، نوهٔ کوروش(اول) شاه انشان، نبیرهٔ چیش‌پش هخامنشی.*

۱- از آنجا که مردم از ستمگری پادشاهان ماد و بخصوص آستیاک خاطرهٔ بدی در ذهن داشتند، کوروش نیز تصمیم گرفت برای جلب رضایت مردم، سلسلهٔ جدید خود را به نام جد پدریش یعنی هخامنش نامگذاری کند.

۲- مورخان یونانی روایت کرده‌اند که چون کروزوس از سقوط کشورش آگاه شده بود، قصد خودکشی کرد، اما کوروش او را از مرگ نجات داد و با احترام فراوان به دربار خود برد.

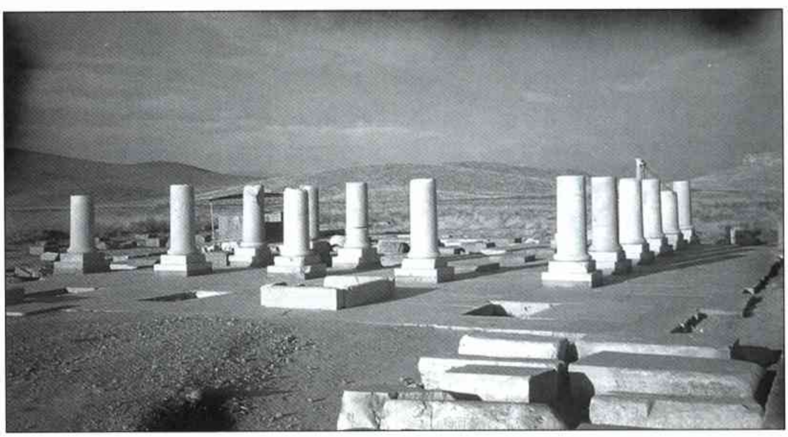


کتیبهٔ استوانه‌ای کوروش کبیر[۱] ؛ قدمت : ۵۴۰ سال پیش از میلاد مسیح

محل کشف: خرابه‌های شهر باستانی بابل در جنوب عراق ؛ محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

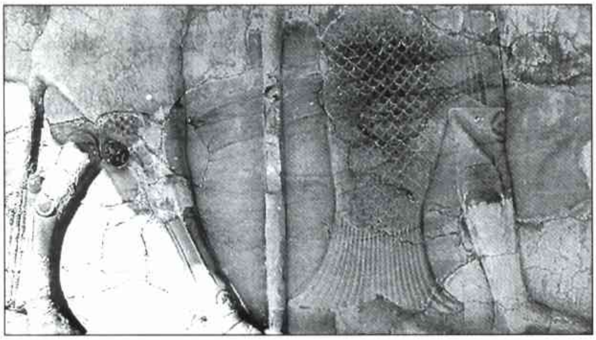
هنگامی که من به آرامی وارد بابل شدم، در میان هلهله و شادی مردم بر تخت سلطنت نشستم. سپاه بی‌شمار من در کمال آرامش و نظم به‌سوی قلب بابل حرکت کرد. من نگذاشتم هیچ‌کس در این سرزمین دست به ارعاب و تجاوز بزند. من در تمامی شهرها نظم و امنیت برقرار کردم. من برده‌داری را برانداختم. من شهرهای مقدس آن سوی دجله را که معابدش ویران شده بود، دوباره ساختم. من به بدبختی‌ها پایان دادم و از آن پس، مردم به آزادی رسیدند.

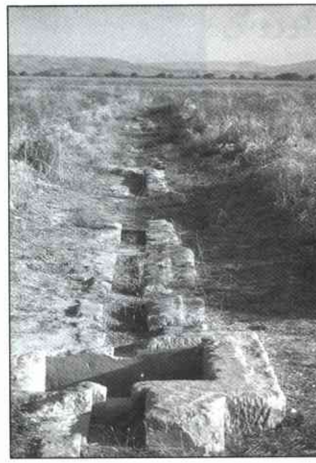
کوروش پس از فتح سرزمین‌های بسیار، به پاسارگاد (شهر مذهبی پارس‌ها) رفت و آنجا در میان بهشتی از باغ‌های زیبا، پایتختی مجلل و فراخور امپراتوری بزرگ ایران ساخت. متأسفانه اکنون از این کاخ‌های باشکوه جز تعدادی ستون و نقش برجسته، چیز دیگری برجای نمانده است.



ستون‌های کاخ بار عام کوروش کبیر در پاسارگاد

۱- در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان ملل متحد با ترجمهٔ کتیبهٔ کوروش به همهٔ زبان‌های دنیا، آن را به‌عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان معرفی و ثبت کرد.





عکس بالا: بخشی از نقش برجستهٔ زیبای گاو و ماهی در کاخ بار عام کوروش
عکس سمت راست: آثار بجامانده از کانال‌های سنگی که برای آبیاری باغ‌های معروف پاسارگاد تعبیه شده بودند.

عاقبت کوروش در سال ۵۲۹ پیش از میلاد که برای مقابله با قوم وحشی ماساژت به شرق کشور رفته بود؛ در صحنهٔ نبرد، به زخم تیر زهرداری کشته شد. در پایان نبرد، سپاهیان جسد کوروش را با تشریفات کامل به کشور بازگرداندند و در آرامگاهی سنگی نزدیک کاخ سلطنتی پاسارگاد قرار دادند.



آرامگاه کوروش کبیر در پاسارگاد

طبق روایت مورخان یونانی، زمانی کتیبه‌ای بر بالای آرامگاه کوروش نصب شده بود که روی آن چنین نوشته شده بود:
ای رهگذر، بدان که در اینجا من خفته‌ام، کوروش. کسی که شاهنشاهی جهانی پارس را برای مردم این سرزمین به ارمغان آورد و اینک بر این خاک کوچک بسنده کرده است. پس هیچگاه بر این آرامگاه که جسد مرا در خود جای داده، رشک مبر.

بـا مـرگ کوروش، پسر بزرگش کمبوجیه(دوم) به پادشاهی رسید. از نوشته‌های مورخان یونانی چنین برمـی‌آیـد کـه او در همان ابتدا، برای مستحکم کردن موقعیت پادشاهی خود و جلوگیری از دسیسه‌چینی درباریان، برادر کوچک خود بردیا را پنهانی به قتل رساند[1].

پس از آن در سال ۵۲۹ پیش از میلاد، کمبوجیه با سپاه خود به سوی مصر حرکت کرده و موفق شد با یک حیلهٔ جنگی، حاکم مصر را فریب داده و بر او غلبه کند. پس از آن کمبوجیه به معبد تائیس رفت و در آنجا خود را فرعون جدید مصر نامید.

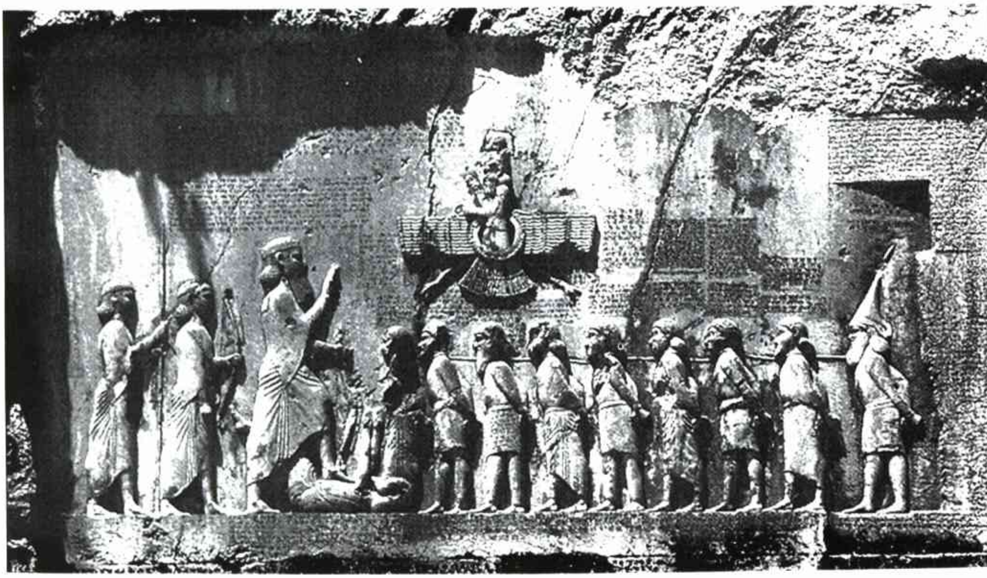
زمانـی کـه کمبوجـیه مشـغول سروسامان دادن به اوضاع مصر بود، یکی از مغ‌های دربار ایران به‌نام گـئوماتا کـه گویـا شبیه بردیای مقتول بوده و از راز قتل او هم باخبر بوده است، خود را به عنوان برادر و جانشـین کمبوجـیه معرفی کرد. کمبوجیه با شنیدن این خبر به‌سرعت به‌سوی پایتخت حرکت کرد اما در میانهٔ راه و پیش از رسیدن به ایران، به طور مرموزی از دنیا رفت.

بـا مـرگ کمبوجیه، گئوماتای غاصب سعی کرد تا با بخشیدن مالیات و حذف خدمت اجباری، رضایت مـردم را بـه سـوی خود جلب کند اما گروهی از بزرگان پارس به رهبری داریوش او را اسیر و از سلطنت خلع کردند.



در مـوزهٔ واتیکان رم، مجسمهٔ بدون سری از یک شاهزادهٔ مصری وجود دارد کـه روی آن کتیبه‌ای به خط هیروگلیف حک شده است. روی این کتیـبه کـه مهمتریـن سند تاریخی دربارهٔ فتح مصر توسط پادشاه ایران اسـت، چنیـن آمـده است: *هنگامی که کمبوجیه، شاه بزرگ و شاه همهٔ کشـورها بـه مصر آمد، مردان بسیاری از کشورهای مختلف با او بودند. پس از آنکه او در این سرزمین به تمامی پادشاهی یافت، به معبد تائیس رفت و در برابر خدای بزرگ به خاک افتاد... او مرا پزشک اعظم نامید و مـن به دستور پادشاه، زمین‌های خوب به کاهنان دادم، به کودکان غذا دادم، کارهـای سودمند برای تنگدستان و یتیمان انجام دادم و به فرمان پادشاه، همه را از گرفتاری های بزرگ رهانیدم.*

۱- در روایتـی دیگـر، کمبوجـیه بـه بهانـهٔ حفظ اصالت نژادی نوادگان کوروش با خواهرش رکسانا ازدواج می‌کند اما چندی بعد به‌خاطر حـرف نابجایـی که رکسانا دربارهٔ قتل برادرشان بردیا به او می‌زند، از روی خشم خواهرش را نیز به قتل می‌رساند. البته از آنجا که این مطالـب از نوشـته‌هـای مورخـان یونانی و مصری نقل شده است و در آن زمان این دو کشور از دشمنان ایران محسوب می‌شدند، این احتمال وجود دارد که بخشی از این مطالب از روی غرض و به دروغ نوشته شده باشد.



سنگ‌نگارهٔ داریوش بزرگ در کوه بیستون کرمانشاه

پادشاهی داریوش بزرگ

در نزدیکی شهر کرمانشاه و بر بلندای کوه معروف بیستون، سنگ‌نگاره‌ای از داریوش بزرگ به طول ۲۰ و عرض ۸ متر حک شده است. این سنگ‌نگاره که یکی از باارزش‌ترین اسناد تاریخی بجامانده از دوران باستان در جهان محسوب می‌شود، از یک نقش برجسته و چهار کتیبه به خط عیلامی، بابِلی و پارسی تشکیل شده است.

در نقش برجسته، داریوش با قامتی بزرگ و چهره‌ای جذاب درحالی‌که تاج کنگره‌دار زیبایی بر سر دارد، دست راست خود را به نشانهٔ احترام به سوی فرشتهٔ فَروَهَر[1] بلند کرده و در همان حال که کمان شاهی را در دست دیگرش گرفته، پای چپ خود را روی سینهٔ گئوماتای غاصب گذاشته است. جلوی او ۹ تن از شورشیان درحالی‌که دست‌هایشان از پشت بسته و گردنشان با طنابی به هم وصل شده است، قراردارند. پشت سر داریوش هم نقش یک کماندار و یک نیزه‌دار پارسی حک شده است.

همچنین در ابتدای کتیبه‌هایی که اطراف نقش برجسته‌ها نگاشته شده، داریوش خود را معرفی کرده و سپس تمامی وقایع دو سال نخست سلطنتش را توضیح داده است. در بخش‌هایی از این کتیبه آمده است: *منم داریوش، شاه بزرگ، پسر ویشتاسب، ویشتاسب پسر آرشام، آرشام پسر آریامنه، آریامنه پسر چیش‌پش، چیش‌پش پسر هخامنش.*

۱- به اعتقاد ایرانیان باستان، فروهر (Farvahar) فرشته‌ای آسمانی و مأموری از جانب خدای اهورامزدا بود که به زمین فرستاده شده بود تا همواره یادآور و راهنمای انسان برای رسیدن به کمال و ملکوت اعلا باشد.



گوید داریوش شاه، این سرزمین‌هایی است که من به خواست اهورامزدا پادشاه آنها شدم: پارس، ماد، عیلام، بابل، آشور، عرب، مودرای(مصر)، اهل دریا (فینیقیه)، یونان(جزایر غرب ترکیه)، ارمنستان، زرنگ(سیستان)، ... جمعاً ۳۲ کشور.

گوید داریوش شاه، کمبوجیه پسر کوروش که از تخمهٔ ما بود، بردیا را کشت و چون بر مردم معلوم نشد که بردیا مرده است، کمبوجیه رهسپار مصر شد. پس از آن مردم نافرمان شدند و دروغ در کشور بسیار شد...

پس مردی مغ به نام گئوماتا برخاست و به دروغ گفت که من بردیا هستم پسر کوروش. پس مردم هم‌پیمان او شدند... آنگاه که کمبوجیه از این راز آگاه شد به خود مرگی مُرد... من به یاری اهورامزدا و چند تن از یاران، گئوماتا را کشتم و شاهی را که از تخمهٔ ما بود، از او بازستاندم.

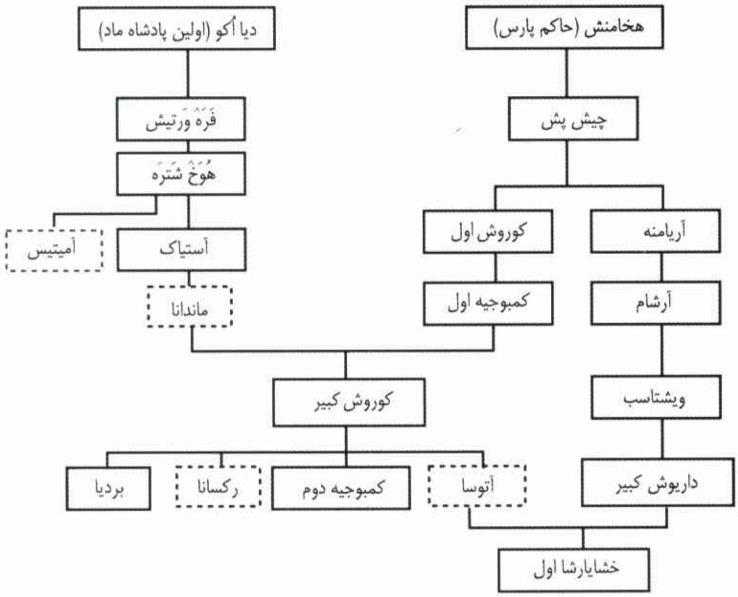
گوید داریوش شاه، از آن جهت اهورامزدا مرا یاری کرد که نه من و نه دودمانم، پلید و دروغگو نبودیم. من همواره به راستی رفتار کردم. به ضعیف و توانا زور نورزیدم. مردی که دودمانم را همراهی کرد، نیک نواختم و آن که زیان رسانید، سخت کیفر دادم.

گوید داریوش شاه، پس تو ای کسی که پس از من شاه خواهی شد، خود را از دروغ برحذر دار و دروغگویان را سخت کیفر ده... و تو که از این پس این نبشته‌ها را خواهی خواند، مبادا که این پیکرها را تباه سازی و تا هنگامی که توانا هستی در حفظ آنها بکوش ...

گوید داریوش شاه، به خواست اهورامزدا و به فرمان من این کتیبه‌ها به زبان آریایی (پارسی) که پیش از این نبود، روی لوح و چرم نوشته شد و نزد من خوانده شد. پس من این نوشته‌ها را به میان کشورهای دیگر فرستادم و مردم پذیرا شدند.

تقریباً دو هزار سال پس از حملهٔ اسکندر مقدونی به ایران و زمانی که تمام خطوط باستان از یادها فراموش شده بود، تعدادی از دانشمندان و پژوهشگران اروپایی به کمک همین کتیبهٔ سه زبانهٔ داریوش در بیستون توانستند ابتدا خط میخی پارسی و پس از آن رمز خطوط عیلامی، بابلی و آشوری را کشف کنند و به این ترتیب به تاریخ کهن سرزمین ایران و بین‌النهرین پی ببرند.

مورخان نیز با بررسی دقیق کتیبهٔ بیستون و کتیبهٔ استوانه‌ای کوروش به نتایج مهمی رسیدند، از جمله اینکه کوروش و داریوش عموزاده محسوب می‌شدند چراکه هر دو در کتیبه‌هایشان خود را از نوادگان چیش‌پش هخامنشی معرفی کرده‌اند.



شجره‌نامهٔ نخستین پادشاهان ماد و هخامنشی

از نکات قابل توجه دیگر می‌توان به جریان کشته‌شدن بردیا و فتح مصر به‌دست کمبوجیه اشاره کرد. همچنین وجود کتیبه‌ها به سه زبان، بیانگر احترام داریوش به فرهنگ و زبان ملت‌های دیگر است.

به هر حال داریوش پس از چیره شدن بر شورشیان و مستحکم‌کردن جایگاه خود، به سرزمین عیلام رفت و دستور داد بر خرابه‌های شهر باستانی شوش، شهر و کاخ زیبایی بسازند. سپس در مراسم باشکوهی با آتوسا، دختر کوچک کوروش ازدواج کرد و رسماً به عنوان پادشاه امپراتوری بزرگ ایران تاجگذاری کرد.

اقدامات داریوش بزرگ

گرچه امپراتوری پارس به‌دست کوروش بزرگ پایه‌گذاری شد، پادشاهی که توانست با ایجاد تشکیلات منظم اداری و نظامی، سرزمین‌های فتح‌شده را به‌صورت کشور یکپارچه و مقتدر ایران درآورد، داریوش بزرگ بود. از نخستین اقدامات داریوش تقسیم‌بندی کشور به ۳۰ ساتراپ (استان) بود. او برای هر ساتراپ یک کارگزار (استاندار) منصوب کرد و برای به حداقل رساندن احتمال شورش کارگزاران، فرماندهی نیروهای نظامی را به یکی از سرداران مورد اعتماد خود واگذار کرد. او حتی برای مطلع شدن از اوضاع ساتراپ‌ها، هر از گاهی جاسوسانی را مخفیانه به شهرهای امپراتوری می‌فرستاد تا از نحوهٔ برخورد استاندار و فرماندهان با مردم آگاه شود.

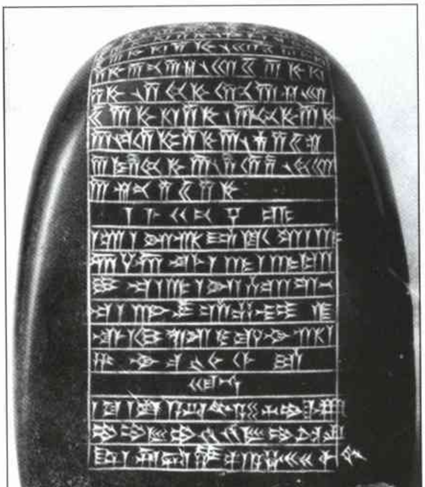




نمونهٔ سکه‌های دریک هخامنشی

داریوش همچنین برای تأمین هزینهٔ دولت و ارتش، نظام مالیاتی عادلانه‌ای را ابداع کرد تا هر ساتراپ بر حسب امکانات خود، مالیات مشخصی به خزانهٔ دولت واریز کند.

از دیگر اقدامات او می‌توان به تأسیس ارتش منظم و قدرتمندی با ۱۰ هزار سرباز ورزیده و همیشه آماده به نام سپاه جاویدان[۱] اشاره کرد. وظیفهٔ این واحد استقرار نظم و آرامش در کشور و سرکوب کردن شورشیان و نبرد با دشمنان متجاوز بود. همچنین ضرب سکهٔ دریک، یکسان‌سازی وزنه‌ها، ساختن جادهٔ شاهی از شوش به سارد، از جمله کارهایی بود که برای برقراری ارتباط میان کشورهای تابع ایران و سهولت در امر داد و ستد تجار و مردم انجام داد.



وزنه‌ای از سنگ سیاه و به وزن تقریبی ۱۰ کیلوگرم امروزی که به دستور داریوش بزرگ برای استانداردسازی وزنه‌ها ساخته و به بابِل ارسال شده بود. روی این وزنه کتیبه‌ای به سه خط میخی پارسی، بابلی و عیلامی با مضمون زیر حک شده است:
۲۰ کرشـا، منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان ، شاه دنیاها، شاه این سرزمین پهناور، پسر ویشتاسب، هخامنشی.

محل کشف: خرابه‌های شهر باستانی بابِل در جنوب عراق
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

۱- این گروه "جاویدان" نامیده می‌شد زیرا هرگاه یکی از سربازان کشته یا بیمار می‌شد، بی‌درنگ سرباز ورزیدهٔ جدیدی به جای او می‌آمد تا تعداد سربازان در عدد ۱۰ هزار نفر ثابت بماند.

بسیاری از پژوهشگران ابداع خط میخی پارسی را به داریوش بزرگ نسبت می‌دهند. آنان برای این ادعا به بخشی از متن عیلامی کتیبهٔ بیستون استناد می‌کنند که در آن از زبان داریوش نوشته شده است: *گوید داریوش شاه، من به یاری اهورامزدا خطی درست کردم از نوعی دیگر به آریایی که پیش از این نبود. پس این خط نوشته شد و من آن را برای همهٔ ساتراپ‌ها فرستادم تا مردم بیاموزند.*

خطی که به دستور داریوش بزرگ ایجاد شد، ساده‌ترین نوع خطوط باستانی بود که از ۳۶ حرف، ۲ واژه جداکن، ۸ هُزوارِش[1] و تعدادی علامت برای اعداد تشکیل شده و از چپ به راست نوشته می‌شد.

یکی از جالب‌ترین آثار دورهٔ هخامنشی، مُهر استوانه‌ای کوچکی است که از معبدی در مصر کشف شده است و هم‌اکنون در موزهٔ انگلیس نگهداری می‌شود. روی این مُهر تصویر داریوش بزرگ، ایستاده بر گردونهٔ شاهی و در حال تیراندازی به سوی شیر خشمگین حک شده است. همچنین سه کتیبه به خط میخی پارسی، عیلامی و بابلی با عبارت " *منم، داریوش شاه*" روی آن حک شده است.

متن کتیبهٔ پارسی[2] در جدول زیر آمده است (حروف خط میخی را از چپ به راست بخوانید[3]) :

𐎠	𐎭	𐎶	𐏐	𐎭	𐎠	𐎼	𐎹	𐎺	𐎢	𐏁	𐏋
آ	دَ	مَ		دَ	ا	رَ	یَ	وَ	یو	ش	خش

تلفظ: *اَدَم، دارَیَوَیوش* خش (یعنی: *منم، داریوش شاه*)





مُهر استوانه‌ای داریوش بزرگ ؛ قدمت: ۴۹۰ سال پیش از میلاد
محل کشف: معبد آمون در شهر لوکسور مصر ؛ محل نگهداری فعلی: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

۱- هُزوارِش‌ها، حروف و علاماتی بودند که برای بیان یک کلمه مانند خدا یا سرزمین به کار می‌رفتند.

۲- کتیبهٔ پارسی نخستین جمله‌ای است که پشت سر داریوش قرار گرفته و متن آن از بالا به پایین نوشته شده است.

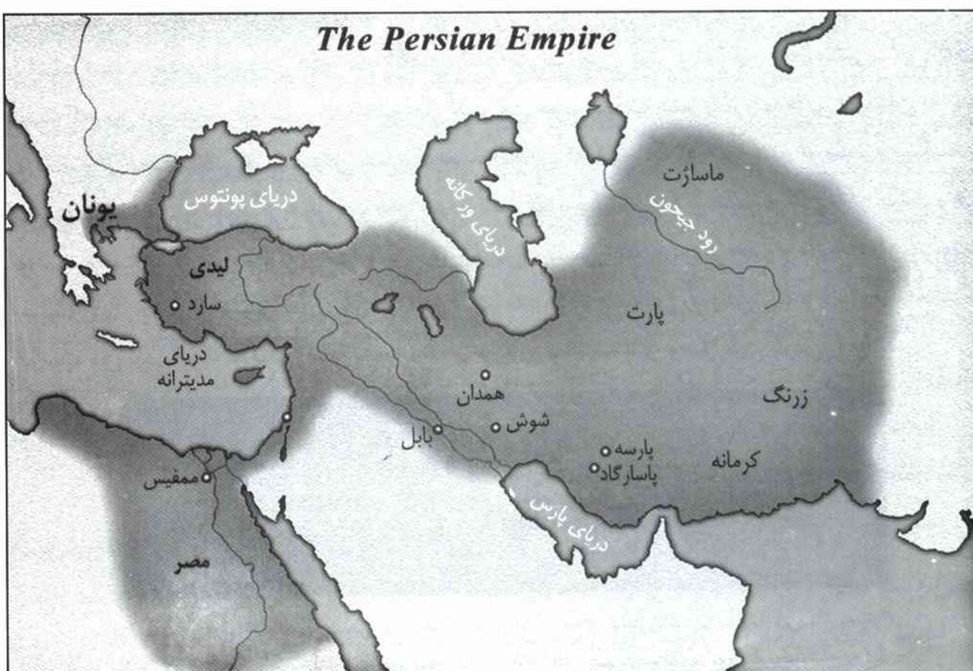
۳- در این کتاب سعی شده است تا با ترجمهٔ تعدادی از کتیبه‌های سادهٔ هخامنشی، خوانندگان با نوشتار خط میخی پارسی آشنا شوند. به همین منظور فهرستی از حروف میخی، تهیه شده و در بخش ضمیمهٔ کتاب (صفحهٔ ۱۸۲) درج شده است.



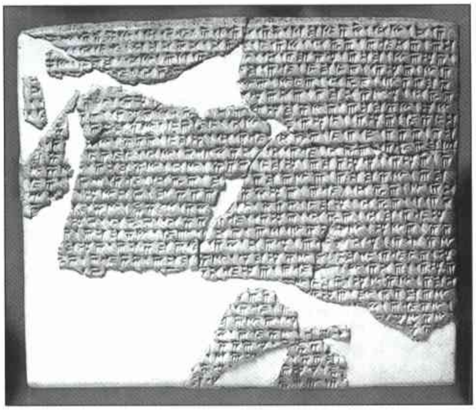
یکـی از مهمتریـن اسناد دورهٔ هخامنشی، دو کتیبهٔ طلایـی و نقـره‌ای است که از زیر پایه‌های کاخ آپادانای تخت‌جمشید کشف شده است.

در ایـن کتیـبه‌هـا داریوش بزرگ وسعت امپراتوری ایران را چنین بیان کرده است : *منم داریوش، شاه بزرگ، شـاه شـاهان، شـاه تمـام کشـورها، پسـر ویشتاسـب هخامنشـی. گویـد داریـوش شاه، این پادشاهی است که مـن دارم از سـکاهای آنسوی سغد تا به کوشان و از هند تـا بـه اسپارت. تمـام ایـن همـه را اهورامزدا، بزرگترین خدایـان بـه مـن ارزانـی داشـته اسـت. اهورامـزدا مرا و سلطنت مرا بپایاد.*

در زمـان داریـوش بـزرگ، وسـعت سـرزمین ایـران بـا فتح هند و بخش‌هایی از شمال یونان در اروپا به بالاتریـن حـد خـود رسـید. روشـن است اگر تدبیر و اصلاحات داریوش نبود، امپراتوری نوپای هخامنشی نمی‌توانست سالیان دراز و با اقتدار تمام بر این سرزمین‌ها حکومت کند.



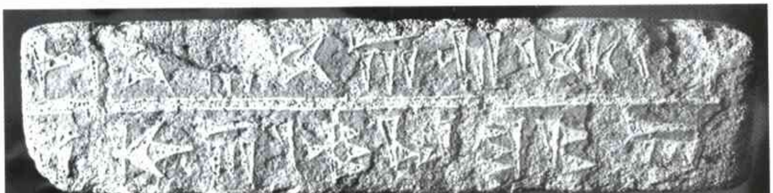
امپراتوری ایران در زمان پادشاهی داریوش بزرگ



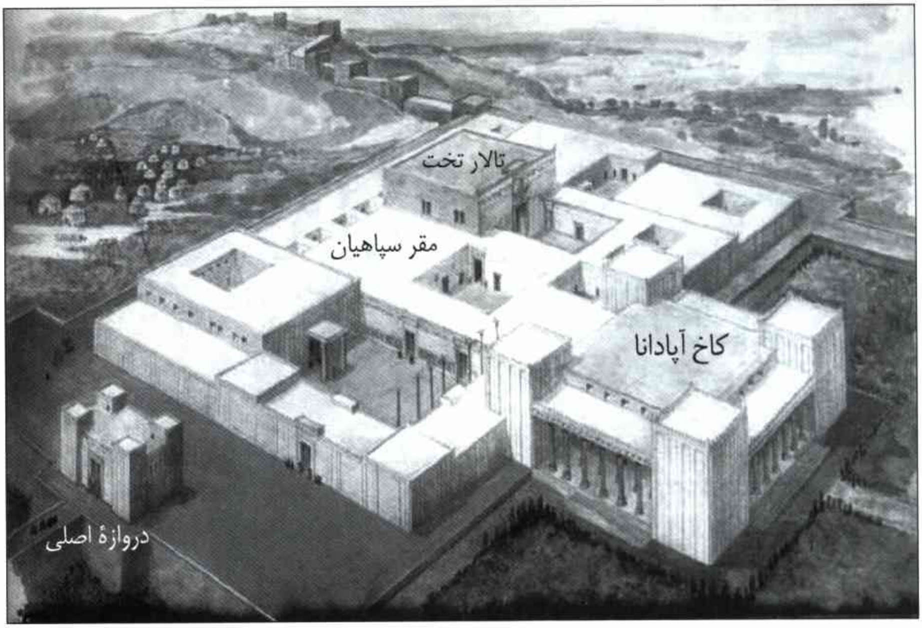
کتیبهٔ داریوش بزرگ دربارهٔ نحوهٔ ساخت کاخ آپادانای شوش
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن
قدمت: ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح

داریوش در همان نخستین سال‌های به حکومت‌رسیدنش، دستور داد بر روی خرابه‌های شهر ویران‌شدهٔ شوش، کاخی زیبا و باشکوه، فراخور امپراتوری عظیم پارس بسازند. این کاخ که آپادانا نام داشت، با ستون‌های سنگ‌مرمر و آجرهای لعاب‌دار رنگی چنان تزئین شده بود که زیباترین کاخ جهان نامیده می‌شد.

در حفاری‌های انجام‌شده در این کاخ، کتیبه‌ای کشف شد که در آن از زبان داریوش مراحل ساخت کاخ آپادانا توضیح داده شده است. در بندهایی از این کتیبه آمده است: *خدای بزرگی است اهورامزدا، او که آسمان را آفرید، که این زمین را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد... منم داریوش شاه، شاه شاهان، شاه این سرزمین، پسر ویشتاسب هخامنشی... این کاخی است که من در شوش ساختم... به دستور من آشوریان چوب درخت سدر را از کوه‌هایی در لبنان به بابل آوردند و از آنجا یونانی‌ها به شوش حمل کردند... طلایی که در اینجا به کار رفت از سارد و سنگ‌های گرانبهای لاجورد و عقیق از خوارزم و بلخ آورده شد... نقره و آبنوس را از مصر، و عاج را از حبشه و هند آوردند و سنگِ ستون‌ها را از تپه‌هایی در پارس... سپس طلاکاران از مصر و ماد، نجاران از لودیه، آجرسازان از بابل و تزئین‌کاران از مصر و ماد آمدند و کاخ شوش را چنان زیبا و باشکوه ساختند که خواست من بود...گوید داریوش شاه، اهورامزدا مرا و پدرم ویشتاسپ را و سرزمین پارس را بپاید.*



داریوش به کاخ آپادانای شوش بسیار علاقه داشت و کتیبه‌های بسیاری نیز در ستایش این کاخ به یادگار گذاشته است. بر روی یکی از آجرهای کشف شده از کاخ آپادانا چنین آمده است: *گوید داریوش شاه، به لطف اهورامزدا، من در شوش کاخی بسیار زیبا بنا نهادم. کاخی که به دیدهٔ همگان عالی است.*

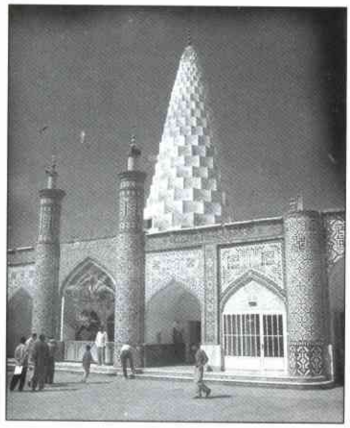


کاخ آپادانای شوش ؛ زیباترین کاخ جهان باستان که به دستور داریوش بزرگ ساخته شد.

چنین به نظر می‌رسد که کاخ آپادانای شوش چند سال پس از مرگ داریوش و در زمان پادشاهی نوهٔ او (اردشیر اول) آتش گرفت و بعدها نواده‌اش اردشیر دوم آن را از نو ساخت. جالب اینکه حادثهٔ آتش‌سوزی و تعمیر آن به دستور پادشاه به شکل کتیبهٔ زیبایی روی یکی از ستون‌های کاخ حک شده بود. نکتهٔ جالب دیگر این است که در این کتیبه نام کاخ آپادانا و دو فرشتهٔ آناهیتا و میترا به‌روشنی بیان شده است. به همین دلیل در این بخش برای آشنایی خوانندگام محترم، متن کامل کتیبهٔ اردشیر دوم را با تلفظ پارسی باستان و ترجمهٔ آن به فارسی امروزی قرار داده‌ایم :

" ثاتی اَرتَخشَچا خش، خش وَزَرک، خش خشیانام، خش دهیونام، دارَیَوَیوش‌هیا خشیا پوچا، دارَیَویوش اَرتَخشَچاهیا خشیا پوچا، اَرتَخشَچا خشایاَرشاهیا خشیا پوچا، خشایارشا دارَیَویوش‌هیا خشیا پوچا.
ایمام اپادانا دارَیَوَیوش اَپَ نیاکَمَ اَکونَش اَبیَپَرَ یوپا اَرتَخشَچامَ نیاکَمَ. وَشنا اهورمزدا، اناهیتا یوتا میترا ایمام اپادانا اَدَم اَکونام. "

"گوید اردشیر شاه(دوم)، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه دنیاها، پسر داریوش شاه(دوم)، داریوش(دوم) پسر اردشیر شاه(اول)، اردشیر(اول) پسر خشایارشا شاه، خشایارشا پسر داریوش شاه(اول).
آپادانا را نیای بزرگ من داریوش(اول) ساخت اما در زمان سلطنت پدربزرگم اردشیر(اول) آتش گرفت.
پس من به لطف اهورامزدا، آناهیتا و میترا دوباره آپادانا را برپا داشتم."



مقبرهٔ دانیال نبی(ع) در شهر شوش

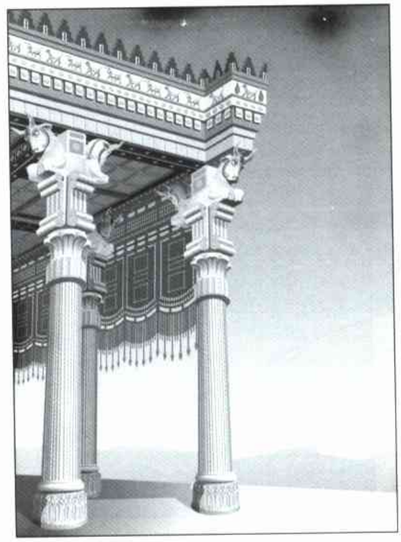


حضرت دانیال(ع) در چاه شیران

در کتاب *تورات* (*عهد عتیق*)، داستان‌های بسیاری از وقایع دوران حکومت پادشاهان هخامنشی روایت شده است. آزادسازی یهودیان اسیر به دست کوروش کبیر، توطئهٔ درباریان داریوش علیه دانیال‌نبی(ع) و نجات معجزه‌آسای او از چاه شیران، جشن خشایارشا در کاخ آپادانای شوش و انتخاب دخترک زیباروی یهودی به نام اِستِر(ستاره) به عنوان ملکهٔ ایران، توطئهٔ هامان‌وزیر علیه یهودیان، ممانعت اردشیر اول از ساخت معبد مقدس و جستجوی داریوش دوم در کتابخانهٔ سلطنتی اکباتان برای یافتن دستور کوروش کبیر از جملهٔ این داستان‌ها است.



روایتی از کتاب *تورات*: هامان وزیر در کاخ آپادانای شوش از ملکه اِستِر طلب عفو دارد.



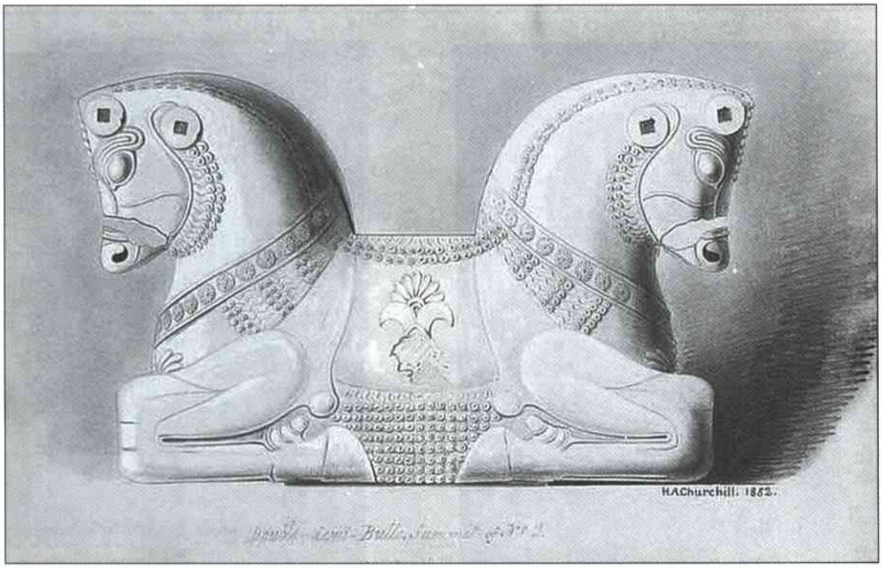
تصویری خیالی از تزئینات کاخ آپادانای شوش؛ برگرفته از توصیفات کتاب مقدس *تورات*



خشایارشا؛ پسر و جانشین داریوش بزرگ

در لابلای داستان‌های *تورات* که بیشتر وقایع ذکر شده دربارهٔ شاهان هخامنشی در کاخ آپادانای شوش رخ داده است، به توصیف زیبایی‌های این کاخ برمی‌خوریم. برای مثال در ابتدای فصل اِستِر از *تورات* چنین آمده است : *هنگامی که خشویروش(خشایارشا) بر کرسی سلطنت خویش در کاخ شوشان(شوش) نشست، در سال سوم پادشاهی جشنی بزرگ برپا نمود و بزرگان پارس و ماد و ولایت‌های دیگر را به حضور طلبید تا جلال و شکوه سلطنتش را به آنان بنمایاند. ضیافت پادشاه، هفت روز برپا بود. در عمارت شاهی، پرده‌هایی از کتان سفید و لاجورد با ریسمان‌های سفید و ارغوانی، در حلقه‌های نقره بر ستون‌های مرمر آویخته بود و تخت‌های طلا و نقره بر سنگفرشی از سنگ سماق و مرمر قرار داشت. ظرف‌ها همه از طلا و در شکل‌های گوناگون بودند و از لطف و کَرَم پادشاه، آشامیدنی‌ها فراوان بود.*

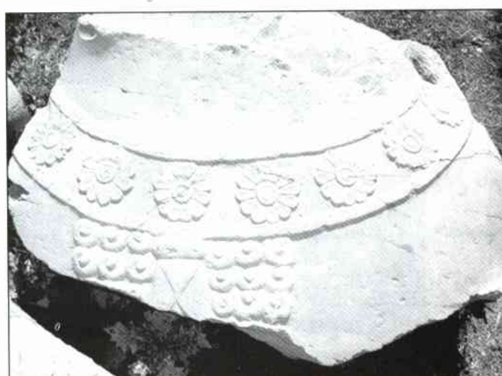
صدها سال پس از حملهٔ اسکندر مقدونی و به آتش‌کشیدن کاخ آپادانای شوش، درحالی که همگان نام و خاطرهٔ آن کاخ زیبا و باشکوه را فراموش کرده بودند، یک خاخام یهودی که برای زیارت قبر حضرت دانیال‌نبی(ع) به شوش سفر کرده بود، متوجه تکه سنگ‌های عظیمی شد که در آن نزدیکی بر زمین افتاده بود. او پس از تحقیق فراوان دریافت که این سنگ‌ها ویرانه‌های همان کاخ شوشان است که توصیف آن در *تورات* آمده است.



نقاشی قدیمی یک جهانگرد اروپایی از سرستون سالم کاخ آپادانای شوش

گنجینه‌های باارزش شوش هزاران سال در زیر بهترین امانتدار تاریخ یعنی خاک، مدفون بود تا اینکه در اوایل قرن نوزدهم میلادی، شاهان بی‌لیاقت قاجار برای تأمین مخارج عیاشی و سفرهای پرهزینهٔ خود به فرنگ، امتیاز حفاری‌های باستانی شوش را به بهای بسیار اندک به فرانسوی‌ها فروختند.

در سال ۱۸۸۰ میلادی هنگامی که یک گروه از باستان‌شناسان فرانسوی به سرپرستی مارسل‌دیولافوا در خرابه‌های شوش مشغول کاوش بودند، به کاخ آپادانای داریوش رسیدند. آنها ستون‌ها و سرستون‌های سالم را با ارّه‌های مخصوص بریدند، صدها جعبهٔ بزرگ را پر از آجرهای لعابدار رنگی کردند و به‌سرعت همهٔ آثار بی‌نظیر و ارزشمند کشورمان را به ساحل خلیج فارس رساندند و سوار بر یک کشتی جنگی با خود به فرانسه بردند.



این باستان‌شناسان به اصطلاح متمدّن غربی به غارت اکتفا نکردند و از روی غرض هر آنچه را که توان حملش را نداشتند، خرد و نابود کردند. امروز اگر به شهر شوش بروید، از آن همه شکوه و جلال کاخ آپادانای داریوش، فقط تعدادی ستون و مجسمهٔ خردشده می‌بینید و دیگر هیچ!



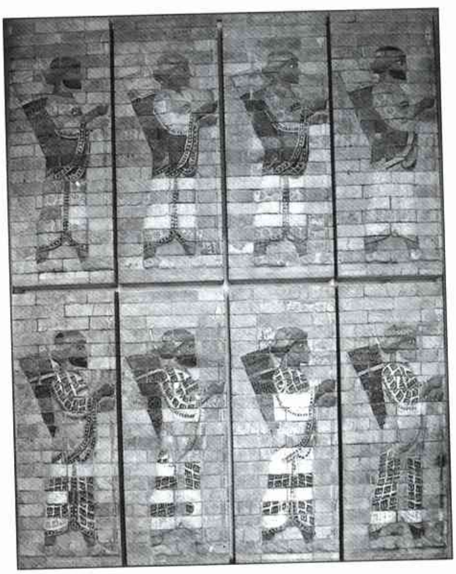


تەستون‌ها و مجسمه‌های خرد شده تنها یادگارهای بجامانده
از کاخ آپادانای شوش در ایران

و حال مجبوریم برای دیدن میراث نیاکانمان راه دور و درازی طی کنیم، تا موزه لوور فرانسه !



نقش برجستهٔ گاو و شیر بالدار از تزئینات کاخ آپادانای شوش



کمانداران سپاه‌جاویدان از تزئینات کاخ آپادانای شوش

قدمت آثار : ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح
محل نگهداری فعلی : فرانسه - موزهٔ لوور پاریس



در سال ۱۳۵۱ شمسی و در آخرین حفاری انجام‌شده، مجسمه‌ای بدون سر از داریوش بزرگ در نزدیکی دروازهٔ ورودی کاخ آپادانای شوش پیدا شد که هم اکنون در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود.

روی این مجسمه به سه خط میخی پارسی، عیلامی و بابلی و همچنین خط هیروگلیف مصری چنین حک شده است:

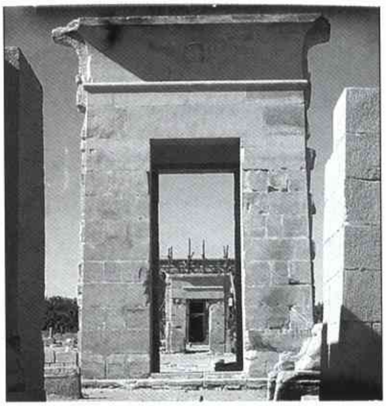
خدای بزرگی است اهورامزدا او که زمین را آفرید، که آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید و داریوش را شاه کرد. منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه این سرزمین پهناور، پسر ویشتاسب هخامنشی. این تندیس سنگی به دستور داریوش شاه در مصر ساخته شد تا هر که در آینده این را ببیند، بداند که مرد پارسی بر مصر فرمان می‌راند.

روی کمربند این مجسمه نام داریوش به خط هیروگلیف و عنوان فرعون بزرگ مصر نوشته شده است. بر پایهٔ آن نیز تصویری از خدایان مصری در حال گره زدن گل‌های لوتوس و پاپیروس (با نماد اتحاد دو سرزمین مصر علیا و سفلی) حک شده است. همچنین در دو طرف پایه، تصویر و نام نمایندگان ۲۴ کشور تابع امپراتوری ایران نقش بسته است.

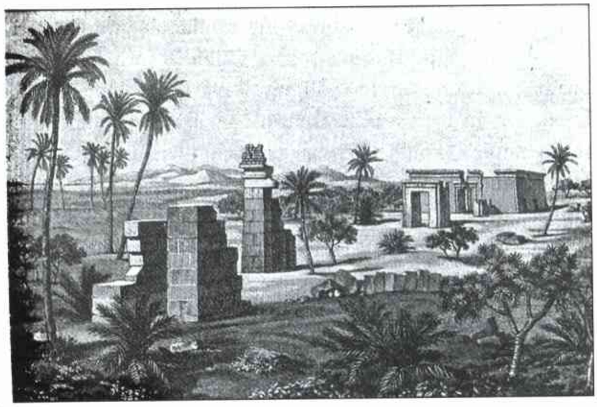
در زمان داریوش بزرگ، مصر یکی از استان‌های امپراتوری ایران محسوب می‌شد و در کتیبه‌ها نیز با عنوان ساتراپ ششم از آن یاد شده است. داریوش در سفری که به مصر کرد، اقدامات مفید بسیاری برای ساکنان آنجا صورت داد که یکی از مهم‌ترین آنها، ساخت و تکمیل کانال سوئز بود. پس از تکمیل کانال، داریوش دستور داد برای ثبت این کار عظیم، لوح سنگی بزرگی در ورودی آن نصب کنند.

این کتیبهٔ مشهور در سال ۱۸۶۹ توسط مهندسینی که برای لایروبی کانال سوئز فعالیت می‌کردند، به‌طور اتفاقی کشف شد و پس از انتقال به فرانسه به موزهٔ لوور پاریس اهدا شد.

روی این لوح به خط هیروگلیف مصری و میخی پارسی نوشته شده است: *خدای بزرگی است اهورامزدا، او که این زمین را آفرید. آسمان را آفرید، مردم را آفرید و شادی را برای مردم آفرید. هم او بود که داریوش را شاه کرد و پادشاهی بر سرزمین‌های پهناور به همراه مردان و اسبان خوب به او عطا کرد.*



دروازهٔ معبد هیبیس شبیه دروازهٔ کاخ تچر



نقاشی گردشگران غربی از معبد هیبیس مصر

گوید داریوش شاه، من پارسی هستم که مصر را تسخیر کردم و فرمان دادم تا این آبراه را حفر کنند، از رود نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌آید[1]. این کانال حفر شد، چنانکه من دستور دادم و کشتی‌ها روان شدند، چنانکه اراده من بود.

با اینکه داریوش خود یکتاپرست بود اما به خاطر احترام به عقاید و رسوم مصریان باستان، معبد بزرگ و باشکوهی را برای پرستش خدایان مصری ساخت. کاهنان مصری هم برای قدردانی از داریوش به او لقب *"پسر رع (خدای آفتاب) و فرعون بزرگ"* اعطا کردند.



یکی از آثار کشف شده از معبد هیبیس مصر، آویز سنگی کوچکی است که هم اکنون در موزهٔ لوور پاریس نگهداری می‌شود. روی این آویز، نشانه‌هایی به خط هیروگلیف مصری وجود دارد و نام داریوش بزرگ، داخل قاب بیضی شکلی که مخصوص فراعنهٔ مصر است، نوشته شده است.
ترجمهٔ متن این لوح (از بالا به پایین) به شکل زیر است :

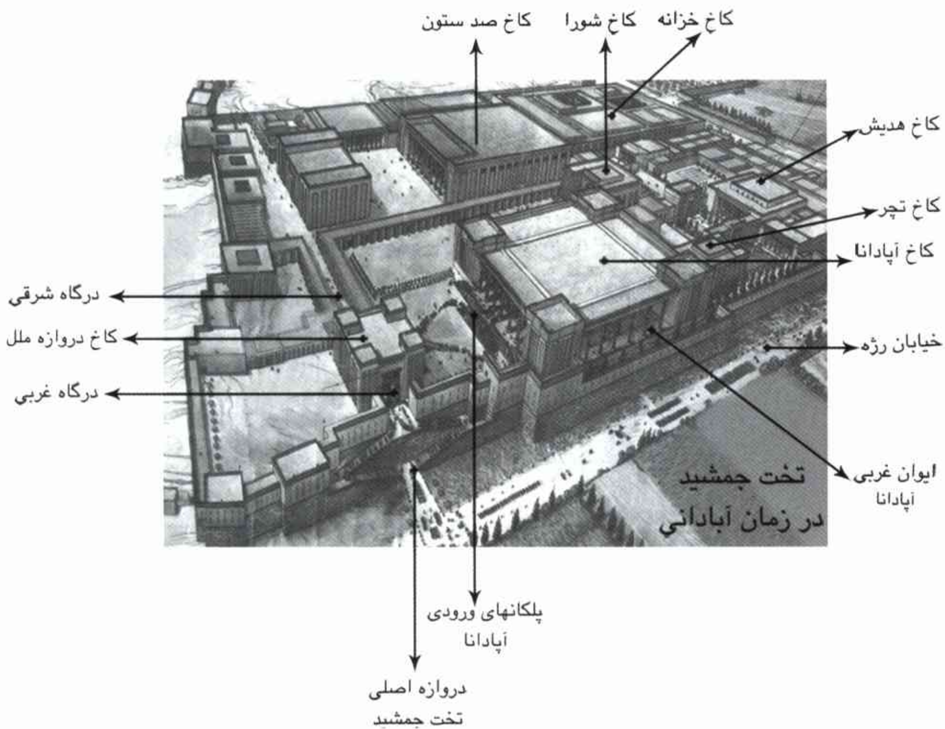
"خداوندگار اعظم
فرمانروای دو سرزمین مصر علیا و سفلی
فرعون بزرگ، داریوش
او که قدرتی لایتناهی و نامی جاودانه دارد."

۱- این کتیبه، قدیمی‌ترین سند تاریخی دربارهٔ نام خلیج همیشه فارس است.

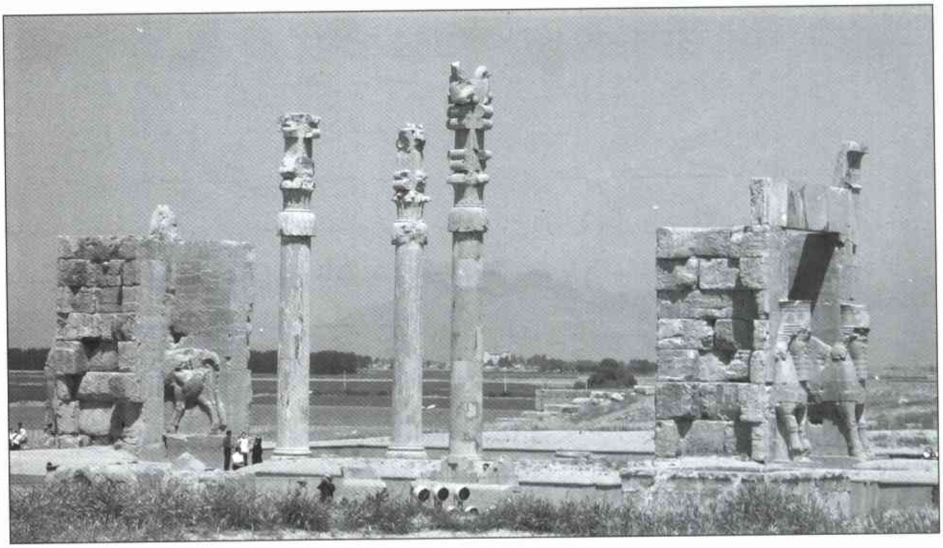
مجموعه کاخ‌های پارسه (تخت جمشید- پرسه‌پولیس)

داریـوش بزرگ پس از ساختن کاخ آپادانای شوش، دستور داد برای پذیرایی از میهمانان و نمایندگان کشورهای تابعهٔ امپراتوری ایران در زمان جشن‌های آغاز سال نو(نوروز)، مجموعه کاخ‌های شاهانهٔ عظیم و باشکوه پارسه(تخت‌جمشید)[1] را در دامنهٔ کوه رحمت پارس بسازند.

از بررسی کتیبه‌های بجامانده در این کاخ‌ها چنین برمی‌آید که در زمان داریوش، کار ساخت کاخ‌های آپادانـا و تَچَـر آغـاز شـده اسـت. پس از داریوش هم پسرش خشایارشا علاوه بر تکمیل آپادانا، کاخ‌های دروازهٔ ملل، صدستون، هدیش و کاخ ملکه را به این مجموعه اضافه کرده و پس از او هم اردشیراول کار ساخت کاخ سه‌دروازه (شورا) و ساختمان بایگانی اسناد را به پایان رسانده است.



۱- در *شاهنامهٔ* فردوسی آمده است: *جمشید پادشاهی عادل و زیبارو بودکه نوروز را برپاداشت و هفتصد سال بر ایران پادشاهی کرد. اورنگ (تخت) شاهی او چنان بزرگ بود که دیوان به دوش می‌کشیدند.* صدها سال پس از حملهٔ اسکندر و اعراب و در زمانی که یاد و خاطرهٔ پادشـاهان بـزرگ هخامنشی فـراموش شـده بـود، مردمی که از نزدیکی خرابه‌های پارسه عبور می‌کردند، تصاویر حکاکی شدهٔ تخت شـاهی را مـی‌دیدند که روی دست مردم بلند شده است و از آنجا که نمی‌توانستند خط میخی کتیبه‌های حک‌شده روی سنگ‌ها را بخوانـند، مـی‌پنداشتند که این همان اورنگ جمشید است که فردوسی در *شاهنامهٔ* خود از آن یاد کرده است. به همین خاطر نام این مکـان را تخـت‌جمشید گذاشتند. بعدها که باستان‌شناسان توانستند خط میخی کتیبه‌ها را ترجمه کنند، متوجه شدند که نام اصلی آن پارسه بوده است. همچنین یونانیان باستان در کتاب‌های خود از این مجموعه با نام پرسه‌پولیس(به‌معنی شهر پارس‌ها) یاد کرده‌اند.



مجسمهٔ موجودات افسانه‌ای و گاوهای غول‌پیکر بر درگاه‌های شرقی و غربی کاخ دروازهٔ‌ملل

کاخ دروازهٔ ملل (کاخ انتظار)

در ورودی تخت‌جمشید، کاخ کوچکی وجود دارد که از یک تالار و سه درگاه (ورودی) تشکیل شده است. دلیل نامگذاری این کاخ به دروازهٔ ملل، کتیبه‌ای است که به دستور خشایارشا (پسر داریوش بزرگ) بر بالای یکی از درگاه‌ها حک شده است. در بخشی از این سنگ‌نوشته چنین آمده است: *گوید خشایارشا، به یاری اهورامزدا من این دروازه را برای تمام ملل ساختم. بسیار بناهای زیبای دیگر در این پارسه (تخت‌جمشید) که من ساختم و پدرم داریوش ساخت.*

بر درگاه غربی کاخ دروازهٔ ملل، دو مجسمهٔ غول پیکر از گاو و بر درگاه شرقی نیز مجسمه‌هایی از موجودات افسانه‌ای قرار داشت که امروزه بخش‌هایی از آن تخریب شده است.



شبیه‌سازی موجودات افسانه‌ای بر درگاه شرقی دروازهٔ ملل



شبیه‌سازی گاوهای نر بر درگاه غربی دروازهٔ ملل

ایـن موجـودات غـول‌پیکر، نماد قدرت و ثروت امپراتوری پارس محسوب می‌شدند و هدف از ساخت آنهـا نمـایش شکوه و اقتدار پادشاهان هخامنشی به نمایندگان و مهمانانی بوده که در مراسم نوروز برای دیدار پادشاه و تقدیم هدایا به تخت جمشید می‌آمدند.

هنگامـی کـه نمایـندگان کشورهای مختلف از پله‌های اصلی تخت‌جمشید بالا رفته می رفتند و وارد محوطـهٔ کوشک شاهی می‌شدند، ابتدا از درگاه غربی کاخ دروازهٔ ملل وارد تالار چهار ستونی آن می‌شدند و سپس روی سکّوهای سنگی دور تالار به انتظار می‌نشستند تا وزیر تشریفات دربار، اجازهٔ ورود آنان را به تختگاه پادشاه (بار عام کاخ آپادانا) صادر کند.

زمانی که پادشاه اجازهٔ شرفیابی می‌داد، مهمانان در یک صف مرتب و پشت سر راهنما از دروازهٔ سوم خـارج و بـه سوی کاخ آپادانا حرکت می‌کردند. این مهمانان با گذشتن از پله‌ها و ایوان زیبای آپادانا، وارد تالار بارعام و تختگاه شاه می‌شدند تا هدایای خود را تقدیم پادشاه کنند.

پـس از پایـان این مراسم، بزرگان کشورها تخت (اورنگ) پادشاه را روی دستان خود بلند می‌کردند و بـه ایـوان غربـی کـاخ آپادانـا می‌بردند تا پادشاه از سپاهیان امپراتوری سان ببیند. پس از پایان‌یافتن رژهٔ سربازان و به دستور پادشاه، مراسم و جشن باشکوه نوروزی در تخت جمشید برپا می‌شد.



تاکنون ۴ نوع سرستون(**با طرح‌های گاو، شیر، عقاب و همچنین موجود افسانه‌ای با صورت انسان و بدن گاو**) در تخت‌جمشید شناسایی شده است. عکس بالا تصویر شبیه‌سازی‌شدهٔ ستون و سرستون گاو دوسری است که در بیشتر تالارهای کاخ تخت‌جمشید به‌کار رفته است. برای پی‌بردن به ارتفاع تقریبی ستون‌ها به قد سرباز هخامنشی توجه کنید!



سر ستون با نقش پرندهٔ هما ؛ محل **نگهداری**: حیاط **شرقی** کاخ دروازهٔ ملل در **تخت‌جمشید**(پارسه)



نیمی از سرستون با صورت انسان و بدن گاو
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان

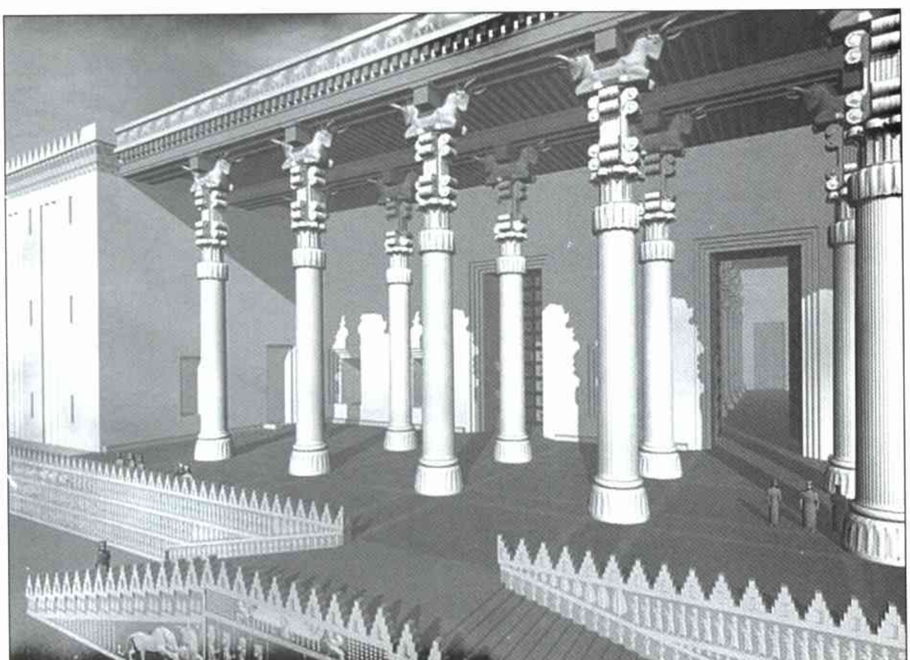


سرستون با نقش شیر دو سر
محل نگهداری: ایوان شرقی کاخ آپادانای تخت‌جمشید

کاخ آپادانا (کاخ بار عام)

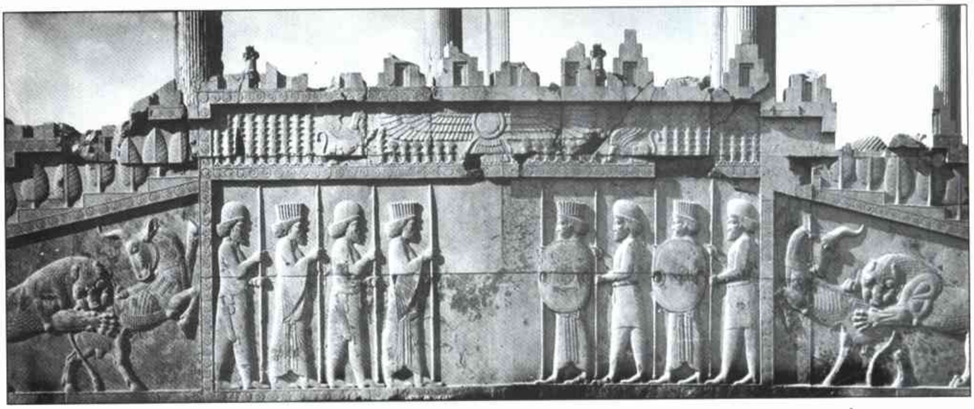
کاخ ایوان‌دار یا همان آپادانا، نخستین کاخ از مجموعهٔ کاخ‌های پارسه بود که به دستور داریوش بزرگ ساخته شد. این کاخ با مساحت ۳۶۰۰ متر مربع، گنجایش بیش از ۱۰ هزار مهمان را داشت. ۳۶ ستون شگفت‌انگیز تالار مرکزی این کاخ که هر یک ارتفاعی در حدود ۲۰ داشتند، سقف عظیم چوبی را حفظ می‌کردند. دیوارهای این تالار باشکوه، با کاشی‌های رنگی و نقوش گل و بوته و کف آن با فرش‌های اعلا تزئین شده بود. زیباترین قسمت آپادانا و شاید همهٔ تخت‌جمشید، نقش برجسته‌هایی است که بر دو ایوان شمالی و شرقی کاخ حک شده‌اند. با آنکه ایوان شمالی و تالار مرکزی آپادانا در زمان داریوش ساخته شده است، به نظر می‌رسد بنای ایوان شرقی در زمان پادشاهی خشایارشا به سرانجام رسیده است.

نقش برجسته‌های ایوان کاخ آپادانا از سه بخش تشکیل شده است؛ جبههٔ مرکزی با نقش برجستهٔ سربازان به‌همراه شیرهای گاوشکن، جبههٔ شمالی با نقش برجستهٔ خدمهٔ شاهی، بزرگان و نیزه‌داران، و جبههٔ جنوبی با نقش ۲۳ گروه هدیه‌آور[1] که با زیبایی و هنرمندی هرچه تمام بر آن حک شده است.

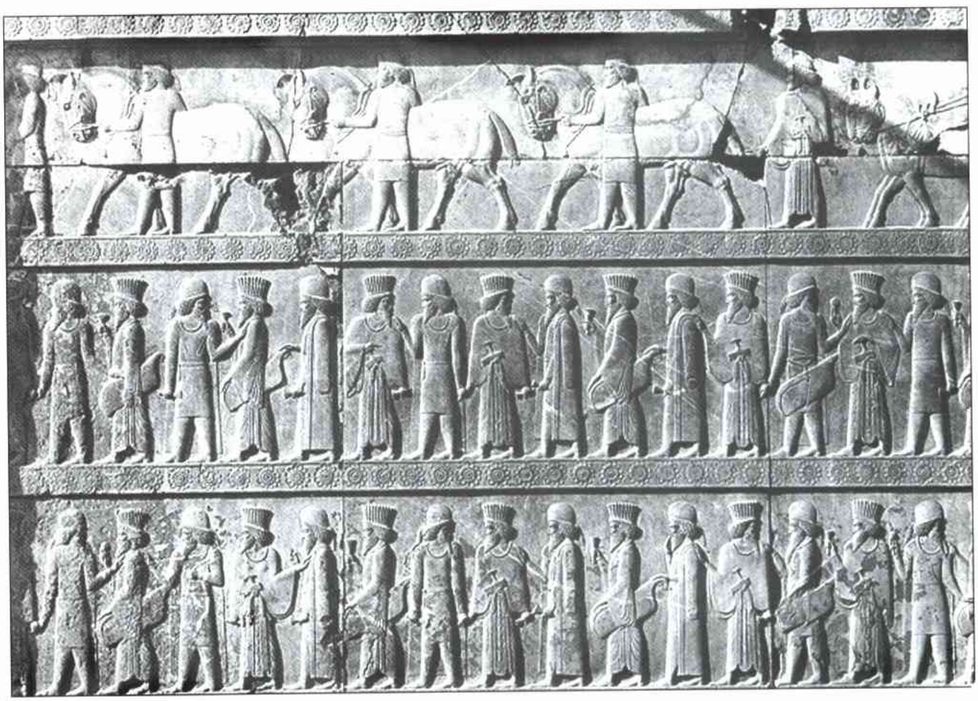


شبیه‌سازی پلکان و ستون‌های ایوان باشکوه کاخ آپادانای تخت‌جمشید

۱- همان‌طورکه گفته شد، تخت‌جمشید محل برگزاری جشن‌های سال نو بوده و طبق مراسم آن روزگار، بزرگان و نمایندگان کشورهای تابع امپراتوری پارس برای تبریک سال نو و تقدیم هدایای گوناگون به حضور پادشاه ایران می‌آمدند.

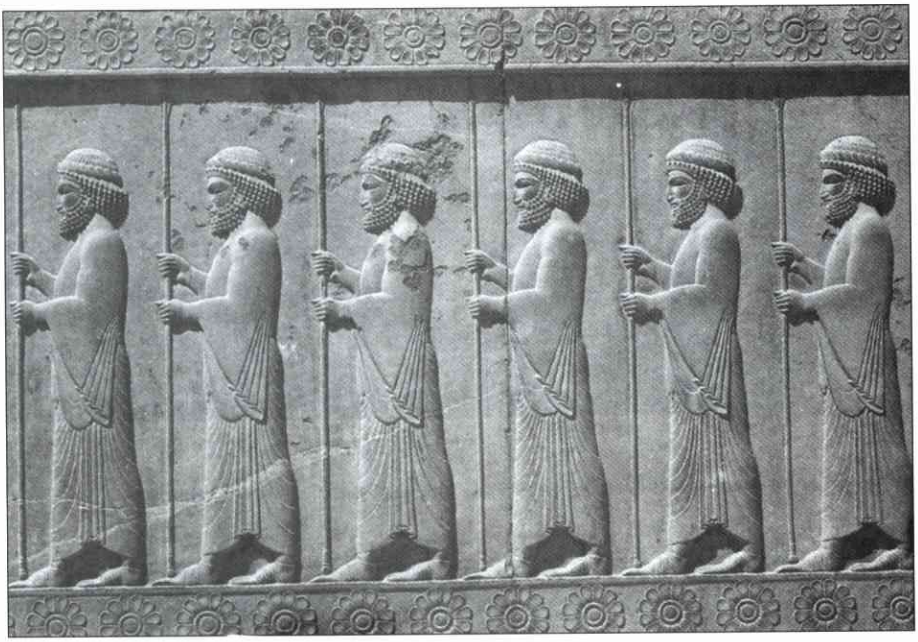


نقش برجسته‌های جبههٔ مرکزی ایوان شرقی کاخ آپادانای تخت‌جمشید
نیزه‌داران پارسی و مادی که در زیر سایهٔ حلقهٔ بالدار و دو ابوالهول آن ایستاده‌اند و شیرهای گاوشکنی که در دو سوی آنها قرار دارند.



بخشی از نقش برجسته‌های جبهه شمالی ایوان شرقی کاخ آپادانای تخت‌جمشید
خدمهٔ پادشاه[1] (ردیف بالایی) و گروه بزرگان پارسی و مادی (دو ردیف پایینی) به سوی بارعام شاهی حرکت می‌کنند.

۱- تصویر شیرهای بالدار و نقش این خدمه که به شکل پیاده در کنار اسب‌ها در حال حرکت هستند، دقیقاً همان نقوشی است که بر حاشیهٔ فرش معروف پازیریک بافته شده است.

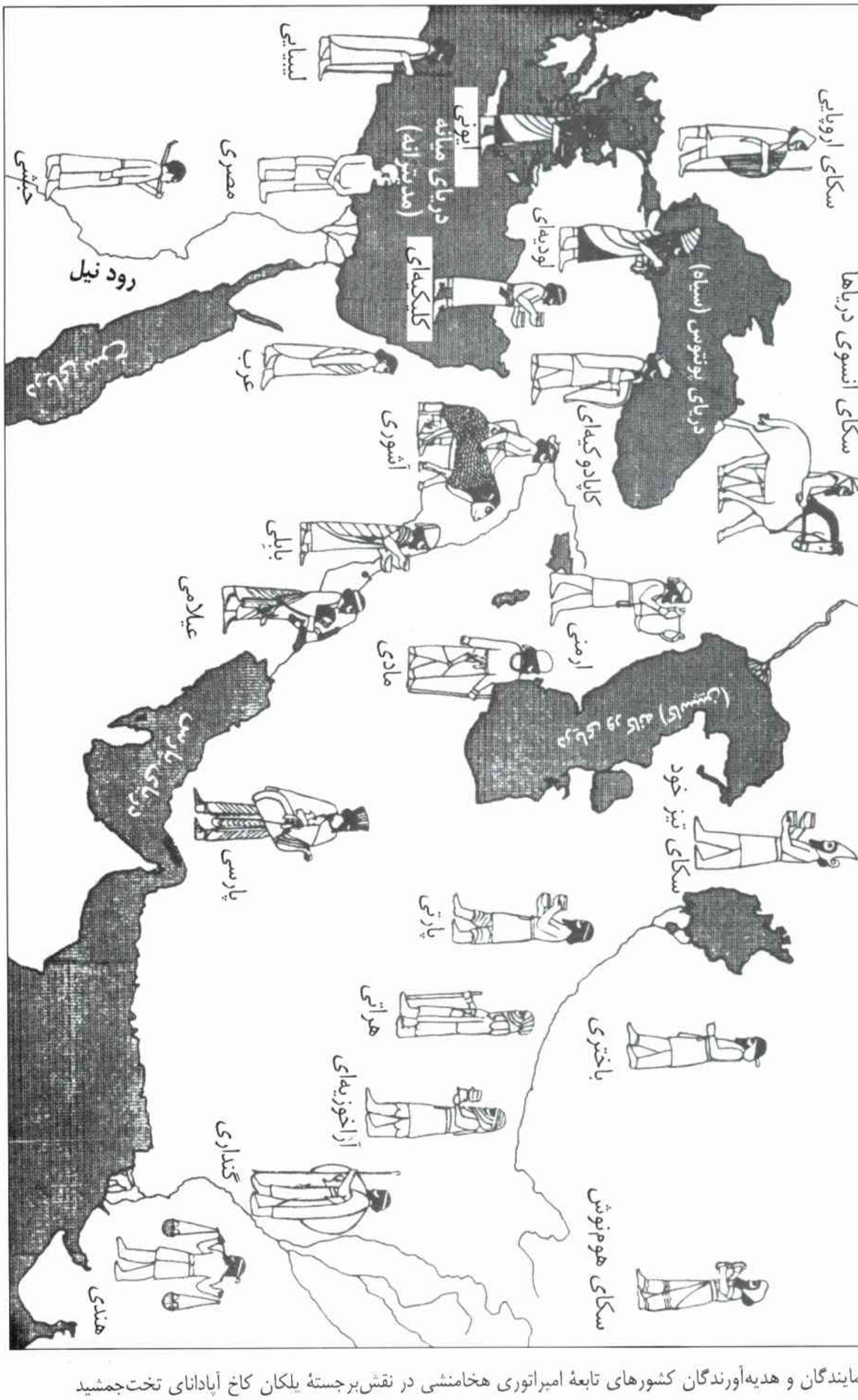


نقش برجستهٔ نیزه‌داران عیلامی بر جبههٔ شمالی ایوان کاخ آپادانای تخت‌جمشید[۱]

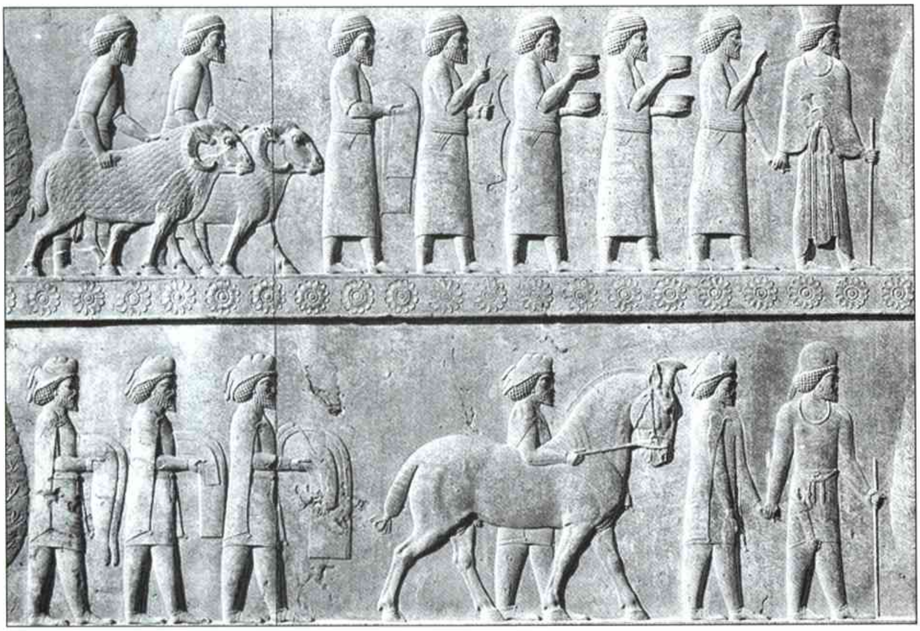


بزرگان پارس (با کلاه استوانه‌های تَرَک‌دار) و بزرگان ماد (با کلاه گرد نَمَدی) درحالیکه هر یک، گل یا هدیه‌ای در دست دارند و با محبت با یکدیگر صحبت می‌کنند، به سوی تالار مرکزی آپادانا و شرکت در مجلس بارعام پادشاه می‌روند.

۱- چهره و لباس این نیزه‌داران شبیه کمانداران سپاه جاویدانی است که روی آجرهای لعابدار کاخ آپادانای شوش نقش بسته‌اند.



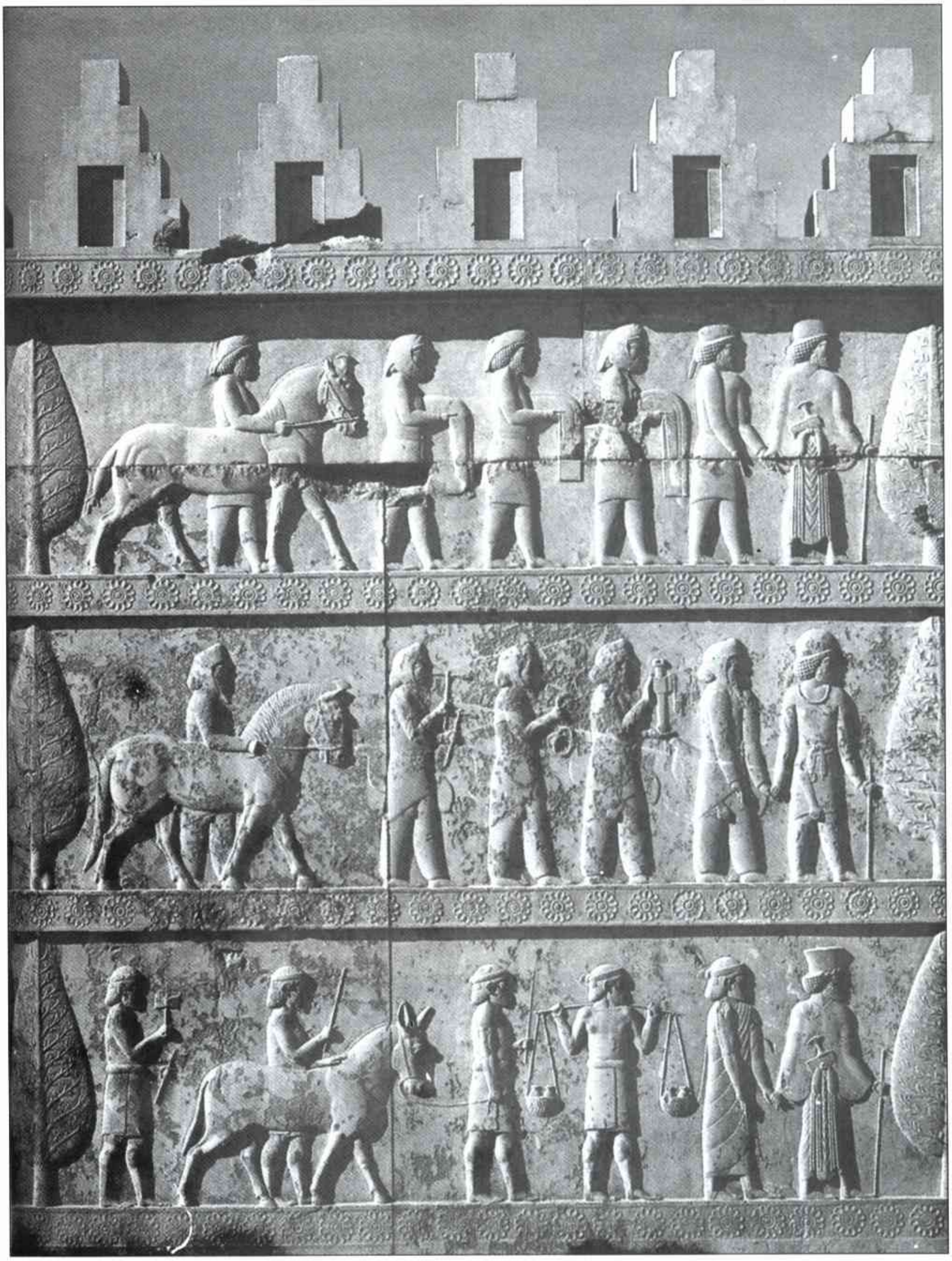
نمایندگان و هدیه‌آورندگان کشورهای تابعهٔ امپراتوری هخامنشی در نقش‌برجستهٔ پلکان کاخ آپادانای تخت‌جمشید



ردیف بالایی : هدیه آورندگان آشوری (شمال عراق امروزی) با هدایایی از جمله جام‌های طلایی، چرم پوست برّه، جبّهٔ عبا و ۲ قوچ پشت سَرِ راهنمای پارسی حرکت می‌کنند.
ردیف پایینی : هدیه آورندگان کاپادوکیه‌ای (شرق ترکیه کنونی) با هدایایی از جمله اسب، قبا و شلوار پشتِ سرِ راهنمای مادی برای حضور در مجلس بارعام شاهی در تالار مرکزی کاخ آپادانا می‌روند.



هدیه‌آورندگان ایونی (یونانی‌نشین‌های جزایر غرب ترکیه امروزی) با هدایایی چون جام‌های طلایی، پارچه‌ها و کلاف‌های پشمی گرانقیمت پشت سر راهنمای پارسی حرکت می‌کنند.



بخشی از نقش برجستهٔ هدیه آورندگان بر جبههٔ جنوبی پلکان کاخ آپادانا

از بالا به پایین : گروه هدیه‌آور ساگارتی(شرق ایران) با هدایای قبا، شلوار و اسب ؛ گروه هدیه‌آور سکاهای هوم‌نوش (ترکمنستان و جنوب سیبری امروزی) با خنجر، بازوبند، تبرزین و اسب و گروه هدیه‌آور هندی با کیسه‌هایی حاوی زر، قاطر و تبرزین طلایی



گروه هدیه‌آور خوزی (عیلامی خوزستانی) با هدایای نوروزی شامل کمان، خنجر پارسی و چند ماده شیر ایرانی



گروه هدیه‌آور لودیه‌ای (از غرب ترکیه) با هدایای گلدان، جام و بازوبند طلایی و گردونه‌ای که توسط دو اسب کشیده می‌شود.



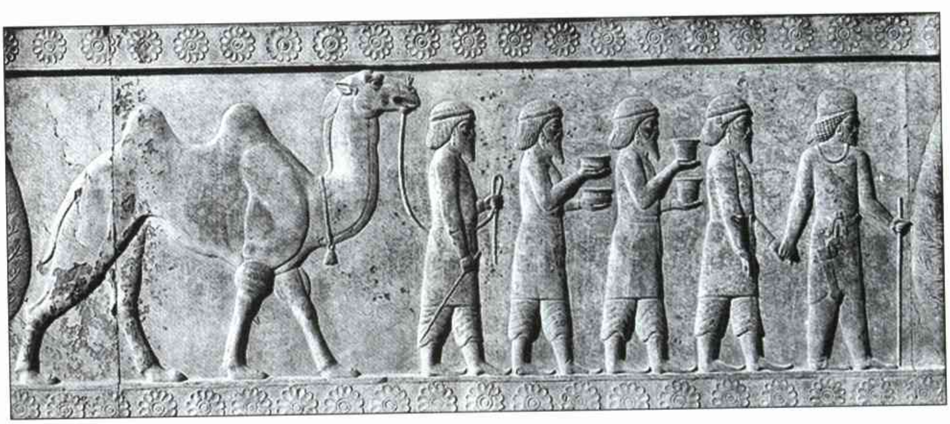
گروه سه نفرهٔ ارمنی با هدایایی شامل یک اسب و جام طلایی



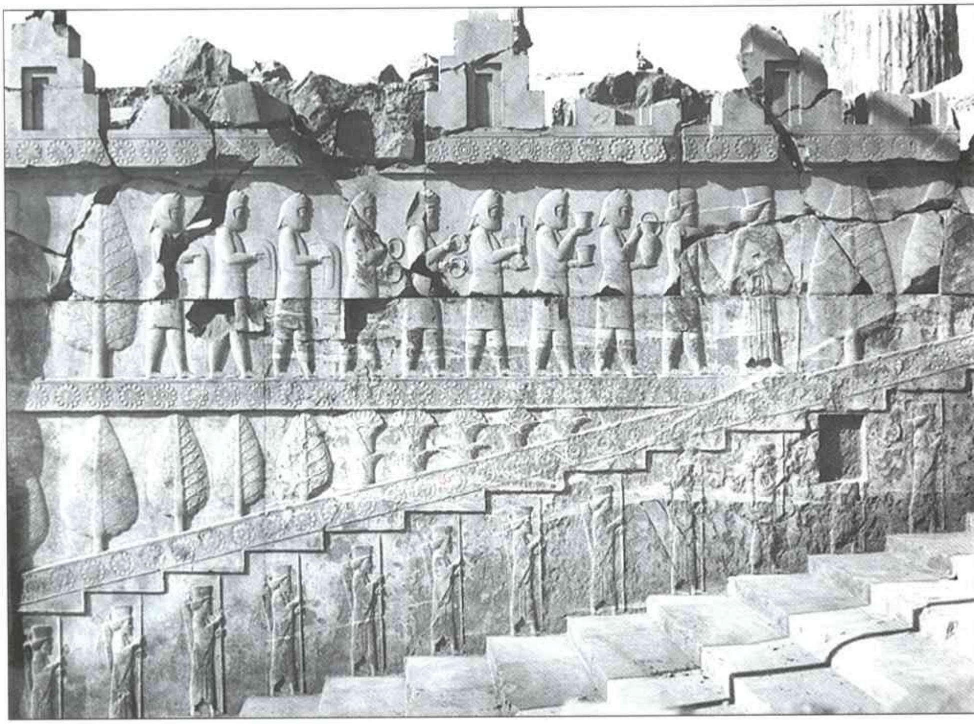
گروه هدیه‌آور سکائیان اروپایی با هدایای اسب، بازوبند و چند عبای سلطنتی



گروه هدیه‌آور بابِلی (جنوب عراق امروزی) با جام‌های طلایی، قالیچه و گاوکوهان‌دار



گروه هدیه‌آور افغانی با جام‌های طلایی و شتر دوکاهانه



گروه هدیه‌آورندگان مادی با هدایایی بسیار شامل کوزه، کاسه، خنجر و دستبندهای طلایی، قبا و شلوار در ردیف‌های پایینی هم نقش سربازان پارسی به همراه گل‌های نیلوفر و درخت سرو دیده می‌شود.



حاکم مادی



سرباز پارسی



هدیه‌آور ارمنی



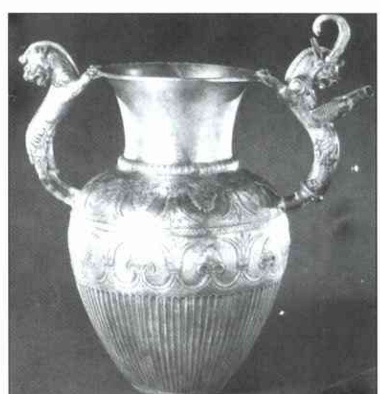
هدیه‌آور لودیه‌ای



جام طلایی ؛ از هدایای نمایندهٔ ارمنی

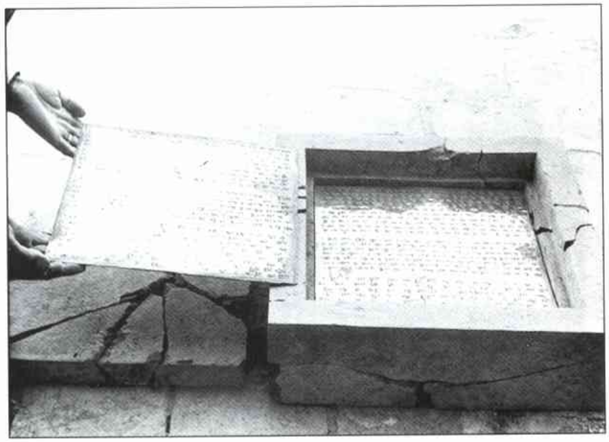


بازوبندی با نقش پرندهٔ هما ؛ از هدایای نمایندهٔ لودیه‌ای





جام و بازوبند طلایی ؛ نمونه‌ای از صدها اثر کشف شدهٔ دوران هخامنشی مشابه نقش برجسته‌های تخت‌جمشید



الواح سیمین و زرّین داریوش بزرگ
محل کشف: کاخ آپادانای تخت‌جمشید
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان

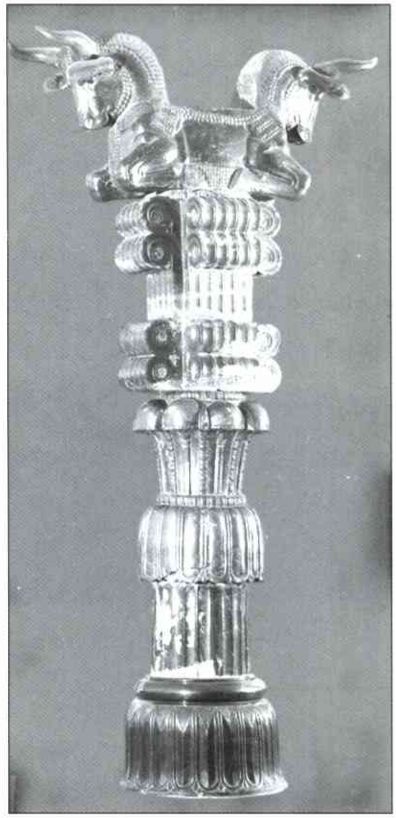
با شروع کار ساخت کاخ آپادانا، داریوش بزرگ فرمان داد نام او و عظمت امپراتوری ایران را روی چهار لوح زرّین و سیمین حک و آنها را در چهارگوشهٔ تالار و زیر پی دیوارها دفن کنند[1].

در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی، هنگامی که باستان‌شناسان مشغول حفاری در تخت‌جمشید بودند، به‌طور اتفاقی دو لوح داریوش بزرگ را درون یک جعبهٔ سنگی کشف کردند. این الواح به‌همراه اشیای باارزش دیگری که از این کاخ کشف شده بود، به موزهٔ ایران باستان در تهران منتقل شد و هم‌اکنون در انبار این موزه نگهداری می‌شود.



کتیبهٔ خشایارشا بر آجرهای لعابداری که در حفاری کاخ آپادانای تخت‌جمشید کشف شده و هم اکنون در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود. در این کتیبه چنین آمده است :
گوید خشایارشا، شاه بزرگ، به خواست اهورامزدا و به دستور پدرم داریوش، بناهای زیبای بسیاری ساخته شد. پس من به یاری اهورامزدا، آنها را تکمیل کردمه و بناهای عالی دیگری به آن افزودم. اهورامزدا و خدایان(سرزمین‌های دیگر) مرا و سلطنت مرا حفظ کنند.

۱- روی این لوح‌ها به سه زبان پارسی باستان، عیلامی و بابلی حک شده است : *منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، پسر ویشتاسب هخامنشی. گوید داریوش شاه : این است کشوری که من دارم، از سرزمین سکاها آن‌سوی سغد تا کوشان و از هند تا اسپارت که اهورامزدا، بزرگ‌ترین خدایان به من ارزانی داشته است. اهورامزدا مرا و سلطنت مرا بپاید."*

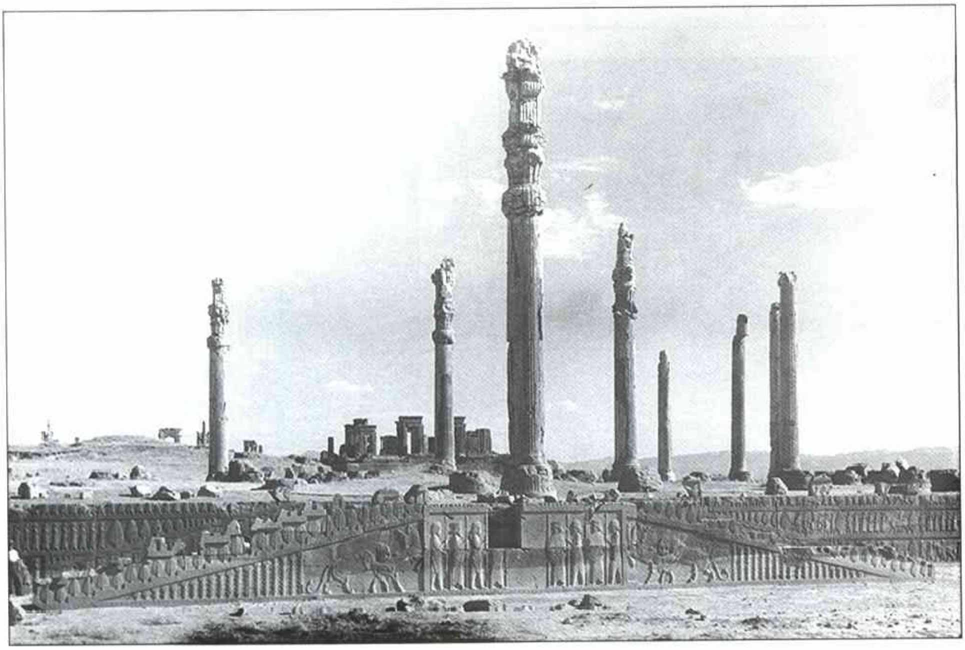




سرستون گاو دوسر و مجسمهٔ سگ نشسته از سنگ سیاه
محل کشف: کاخ آپادانای تخت‌جمشید



صحنهٔ بار عام داریوش بزرگ : داریوش بر تخت شاهی نشسته و بوته گلی به نشانه نوروز در دست دارد. پشت سر او پسرش خشایارشا و کمانداران و نیزه‌داران شاهی ایستاده‌اند. روبروی پادشاه هم رئیس تشریفات پس از سلام شاهی، در حال ارائهٔ گزارش جشن نوروز است.
محل نگهداری آثار : تهران- موزهٔ ایران باستان



پلکان‌ها و نقش‌برجسته‌های ایوان شمالی و ستون‌های تالار مرکزی کاخ آپادانای تخت‌جمشید



پلکان ورودی و درگاه‌های تالار کاخ تَچَر

کاخ اختصاصی داریوش بزرگ (تَچَر)

کاخ تچر از نخستین کاخ‌هایی بود که به دستور داریوش بزرگ در تخت‌جمشید ساخته شد. دلیل نامگذاری این کاخ به تَچَر، کتیبه‌ای است که از زبان داریوش بزرگ بر درگاه جنوبی آن حک شده است[۱].

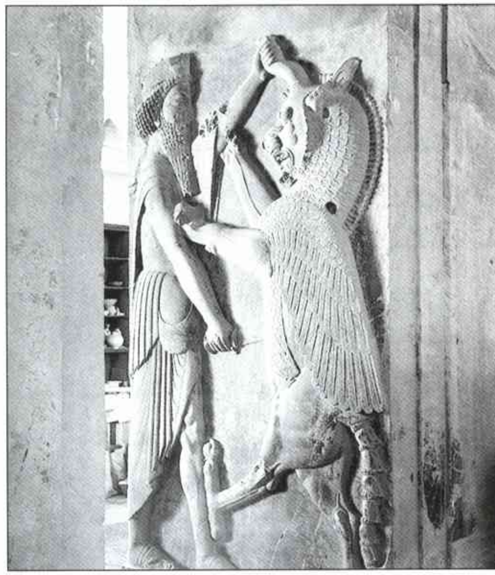
روایت کرده‌اند که سنگ‌های این کاخ چنان صیقلی بوده است که تصویر شخص در آن منعکس می‌شده و به همین دلیل آن را تالار آینه هم نام نهاده بودند. این کاخ بر روی سکویی بنا شده که حدود ۳ متر از کف آپادانا و حیاط مجاورش بلندتر است و یک تالار مرکزی و ۲ اتاق اختصاصی دارد.

همچنین در ضلع غربی این کاخ یک ایوان وجود دارد که بر بدنهٔ آن نقش برجسته‌هایی از هدیه‌آورندگان و خدمتگزاران حک شده است. همچنین نقش‌های بسیار زیبایی از نبرد داریوش با موجودات افسانه‌ای بر درگاه‌های تالار مرکزی کاخ حک شده است. این نقوش احتمالاً نماد قدرت و جدیّت پادشاه در حفظ و پاسداری از دروازه‌های امپراتوری در برابر تهاجم بیگانگان بوده است.



نقش برجستهٔ نبرد داریوش بزرگ با موجودات افسانه‌ای بر درگاه‌های ایوان غربی کاخ تَچَر

۱- در متن اصلی این کتیبه آمده است : *دارَیَوَیوش، خشایَثیَ وَزَرَک، خشایَثیَ خشایَثیانام، خشایَثیَ دهیونام، ویشتاسپ پوچا هَخامنشیا هیا. ایمَم تَچَرَم آکوناش*؛ که به این معنی است: *داریوش، پادشاه بزرگ، پادشاه پادشاهان، پادشاه دنیاها، پسر ویشتاسب هخامنشی، من این (کاخ) تچر را ساختم.*



زورآزمایی پادشاه با موجود افسانه‌ای شیر بالدار
از نقش برجسته‌های کاخ تَچَر

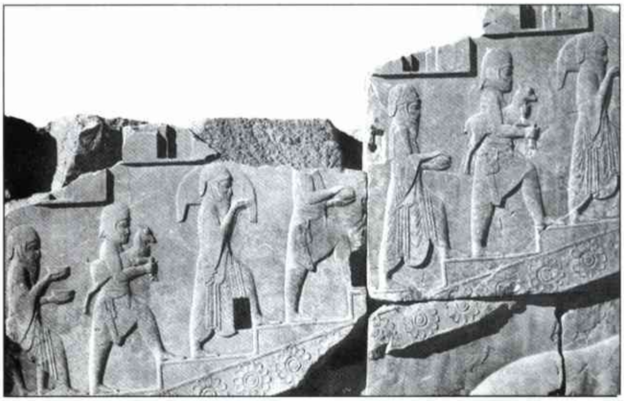


نبرد شیر و پهلوان؛ از نقش برجسته‌های کاخ تَچَر
محل نگهداری فعلی : تهران- موزهٔ ایران باستان

بر دیوارهای این کاخ علاوه بر کتیبهٔ داریوش، سنگ‌نوشته‌هایی نیز از خشایارشا و اردشیر سوم هخامنشی برجای مانده است. در بخشی از کتیبهٔ خشایارشا که بر ایوان جنوبی کاخ حک شده، چنین آمده است : *به خواست اهورامزدا، این کاخ را پدرم داریوش شاه ساخت. باشد که اهورامزدا، مرا و آنچه را که من ساخته‌ام و آنچه را که پدرم ساخته، بپایاد.*



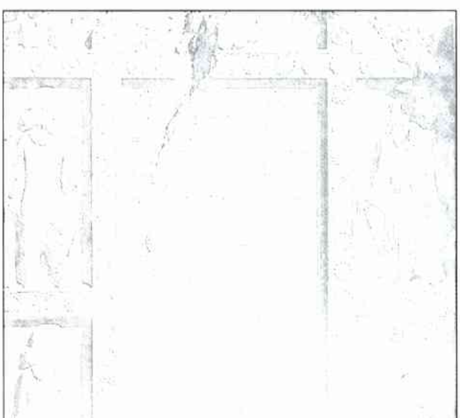
نقش برجستهٔ بسیار زیبایی از ابوالهول (نگهبان فر شاهی و گنجینهٔ سلطنتی) از تزئینات داخلی کاخ تَچَر
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان





نقش هدیه‌آورندگان بر دیوار جنوبی کاخ تَچَر

در کاخ تَچَر، علاوه بر کتیبه‌های هخامنشی، یادگارهایی نیز از دورهٔ ساسانی و اسلامی وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتیبهٔ شاپور دوم ساسانی اشاره کرد. در این کتیبه که به خط پهلوی ساسانی حک شده، از تخت‌جمشید با نام صدستون[۱] یاد شده است. در بخش‌هایی از این کتیبه آمده است: *در ماه اسفند از دومین سال سلطنت خدایگان شاپور، شاه شاهان، شاهنشاه ایران و انیران(غیر ایران) ... هنگامی که شاپور شاه از درگاه همایونی استخر به‌سوی سیستان روانه شد، در میانهٔ راه به نیکویی در این صدستون فرود آمد. او در این مکان بزمی بزرگ برپا نمود و آیین‌های دینی به‌جای آورد. سپس فرمان داد تا برای شادی روان خود و نیاکانش و کسانی که این بنا را ساخته‌اند، قربانی دهند.*



بخش‌هایی از کتیبهٔ میخی اردشیر سوم هخامنشی که بر ایوان غربی کاخ تچر حک شده است:

خدای بزرگی است اهورامزدا. او که زمین را آفرید، که آسمان را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید، که اردشیر را شاه کرد، شاهی از میان بسیاران ...

گوید اردشیر شاه، منم اردشیر (سوم) پسر اردشیر(دوم)، اردشیر(دوم) پسر داریوش(دوم). داریوش(دوم) پسر اردشیر(اول). اردشیر(اول) پسر خشایارشا. خشایارشا پسر داریوش(بزرگ). داریوش(بزرگ) پسر ویشتاسب و ویشتاسب پسر آرشام هخامنشی.

گوید اردشیر شاه، این پلکان سنگی در زمان سلطنت من ساخته شد ... باشد که اهورامزدا و میترا، مرا و سرزمین مرا و هر آنچه را که من ساخته‌ام ، محافظت فرمایند.

۱- این نکته بیانگر آن است که حتی در دورهٔ ساسانی نیز کسی نام اصلی تخت‌جمشید یعنی پارسه را نمی‌دانسته است.





نقش برجستهٔ شیر و گل لوتوس از تزئینات کاخ تچر
محل نگهداری : آمریکا - موزهٔ شرق‌شناسی شیکاگو

پشت پلکان جنوبی کاخ تچر، حیاط بزرگی وجود دارد که دیوارهای آن با نقوش بسیار زیبایی از گروه خدمه و سربازان پارسی، نشان‌های سلطنتی و نیز ابوالهول‌های نگهبان تزئین شده است. آن سوی حیاط نیز کاخ کوچک و نیمه‌ویرانی وجود دارد که ساخت آن را به اردشیر اول نسبت می‌دهند. از مشخصه‌های بارز این کاخ، کنگره‌های کله‌گاوی شکل است که بر فراز دیوار صفهٔ تخت‌جمشید قرار دارد و احتمالاً به‌عنوان جان‌پناه نگهبانان استفاده می‌شده است.



دستگیرهٔ در از **سنگ فیروزه** که از خرابه‌های کاخ تچر کشف شده و هم اکنون در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود.
روی این دستگیره کتیبه‌ای به سه خط میخی پارسی، عیلامی و بابلی حک شده که مضمون آن چنین است: *این دستگیرهٔ در از **سنگ گرانبها**، برای کاخ داریوش شاه ساخته شد.*



سرستون گاو دوسر
محل نگهداری: آمریکا - موزهٔ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو



کاخ سه‌دروازه(شورا)

در مرکز کوشک شاهی تخت‌جمشید، کاخی با سه دروازهٔ ورودی قرار دارد که از طریق چند راهرو به کاخ‌های دیگر متصل است.

بر پلکان‌های ورودی این کاخ، تصویر بزرگان و نجبای کشور به گونه‌ای نقش بسته است که گویی برای دیدار خصوصی و غیررسمی نزد فرمانروا می‌روند، به همین دلیل برخی نام *"کاخ شورا"* را بر آن نهاده‌اند. بر درگاه‌های تالار مرکزی این کاخ نیز تصاویری از پادشاه (احتمالاً اردشیر یکم) و ولیعهدش، سوار بر اورنگ شاهی حک شده است.

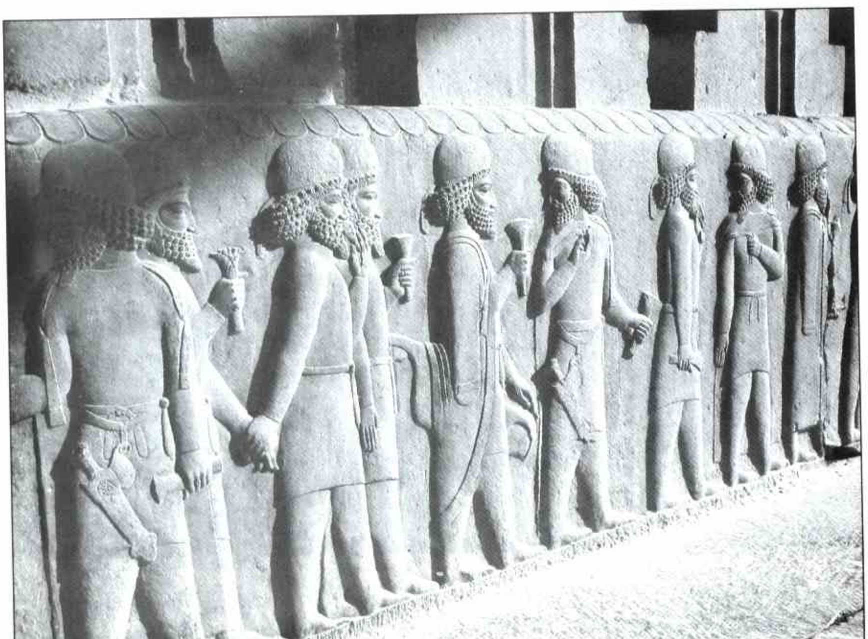


نقش زیبای شیرِ گاوشکن بر دیوارهای پلکان ورودی کاخ سه‌دروازه (کاخ‌شورا) و کاخ آپادانای تخت جُمشید.

به عقیدهٔ بسیاری از پژوهشگران، نقش پیروزی شیر بر گاو، واقعهٔ نجومی گذر آخرین ماه فصل سرما (یعنی ماه ثور یا گاو) و فرارسیدن گرم‌ترین ماه سال (یعنی ماه اسد یا شیر) را بیان می‌کند. به عبارتی دیگر، این نقش، نمادی از آغاز فصل بهار و فرارسیدن جشن‌های باستانی نوروز بوده که اوج این جشن‌ها با شکوه و جلال فراوان در تخت‌جمشید برگزار می‌شده است.



بزرگان پارس درحالیکه به گرمی مشغول صحبت با یکدیگر هستند، برای دیدار پادشاه می‌روند.



بزرگان و نجبای ماد نیز در حالیکه هر یک گل نیلوفری به نشانهٔ تبریک سال نو به پادشاه در دست دارند،
از سوی دیگر ایوان وارد تالار کاخ می‌شوند.



سربازان پارسی و مادی با نیزه، تیردان و شمشیر کوتاه در حال نگهبانی از ضلع شمالی کاخ سه‌دروازه





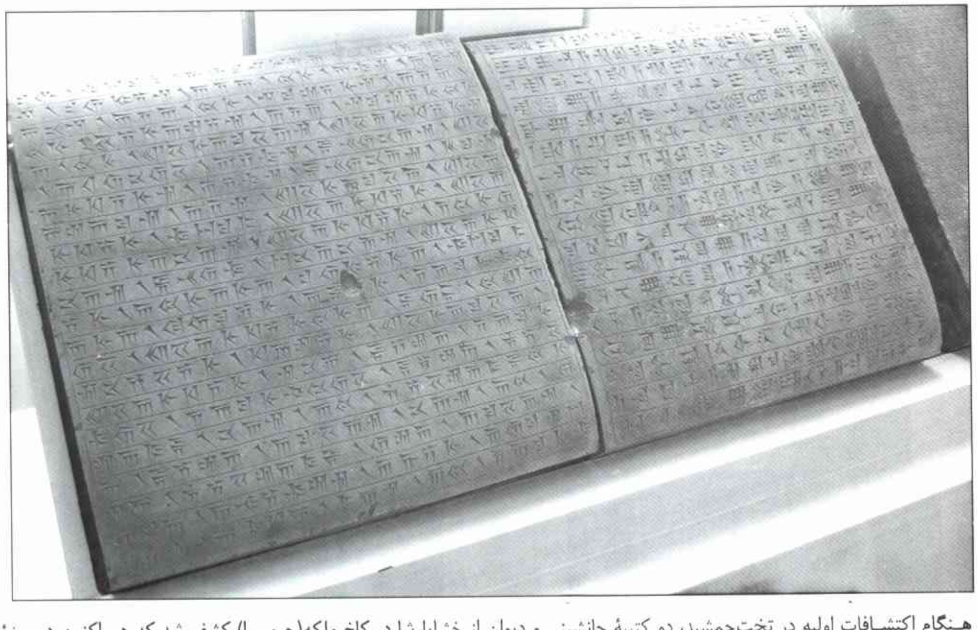
تزئینات هنرمندانه بر غلاف شمشیرهای نگهبانان کاخ شاهی

کاخ اختصاصی خشایارشا(هَدیش) و کاخ ملکه(حرمسرا)

در جنوب کاخ سه‌دروازه، آثار کاخ باشکوه دیگری دیده می‌شود که به گواهی کتیبه‌ای که در آنجا یافت شده است، هَدیش[1] نامیده می‌شود.

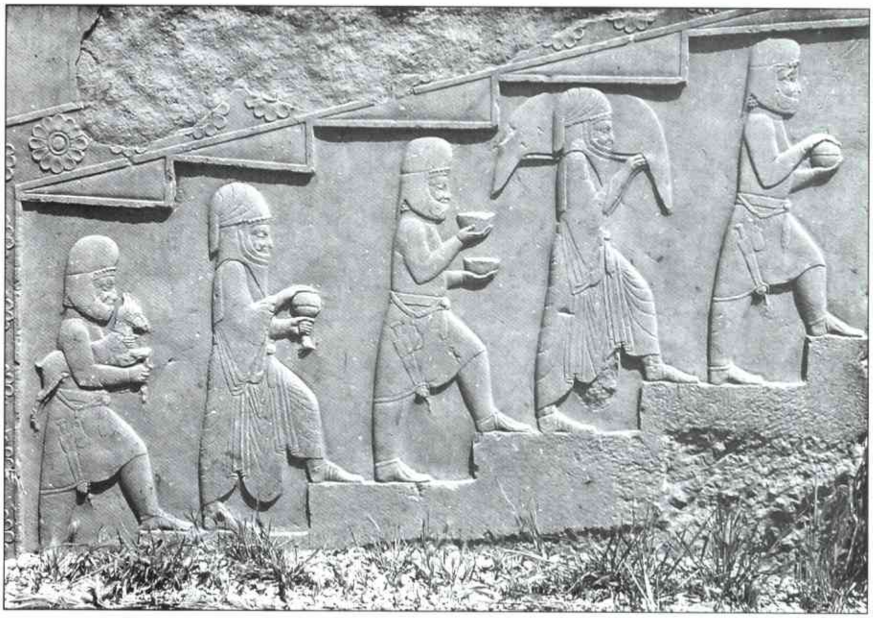
کاخ هدیش که بخش اعظم آن بر اثر آتشی که اسکندر مقدونی به پا کرد، ویران شده، از یک تالار بزرگ و چند ساختمان نگهبانی تشکیل شده است. این کاخ از راه پلکان‌های جنوبی به کاخ دیگری راه دارد که به دلیل وجود اتاق‌ها و حیاط اختصاصی، کاخ ملکه یا حرمسرای پادشاه نام گرفته است.

بر درگاه‌های کاخ ملکه که هم‌اکنون با بازسازی ستون‌ها و سقف چوبی آن به موزهٔ تخت‌جمشید تبدیل شده، نقش‌هایی از ورود پادشاه به همراه خدمهٔ خواجه به تالارمرکزی و نیز صحنهٔ نبرد پادشاه با هیولایی افسانه‌ای(موجودی با شاخ کرگدن، سر و تنهٔ شیر، بال عقاب و دم عقرب) حک شده است.

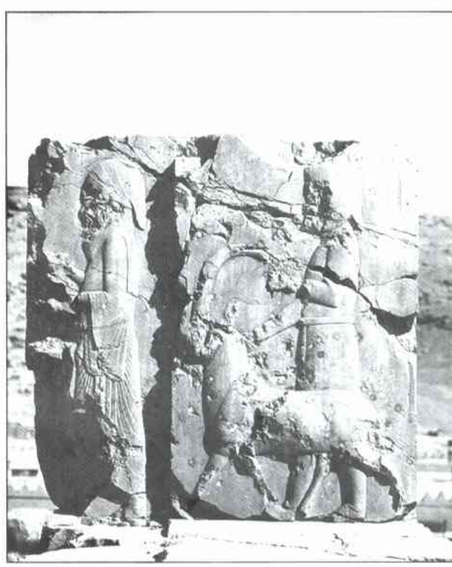


هنگام اکتشافات اولیه در تخت‌جمشید، دو کتیبهٔ جانشینی و دیوان از خشایارشا در کاخ ملکه(حرمسرا) کشف شد که هم اکنون در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود. خشایارشا در بخشی از کتیبهٔ جانشینی خود چنین عنوان کرده است. *گوید خشایارشا، پدرم داریوش، پسران دیگری هم داشت اما ارادهٔ اهورامزدا بر این بود که پدرم، مرا بعد از خود به جانشینی برگزیند.* او همچنین در بخشی از کتیبهٔ معروف به دیوان، کارهایی را که پس از جلوس بر تخت سلطنت انجام داده، توضیح می‌دهد: *گوید خشایارشا، هنگامی که من شاه شدم یکی از کشورهای خراجگزار شورش کرد. پس من به یاری اهورامزدا شورش را در جای خود نشاندم. در میان این کشورها جایی بود که دیوها (خدایان دروغین) پرستش می‌شدند، پس من به خواست اهورامزدا آن معبد را ویران کردم و اعلان کردم که دیگر دیوها پرستش نخواهند شد.*

۱- دلیل نامگذاری این کاخ به هدیش کتیبه‌ای است که از زبان خشایارشا چنین عنوان می‌کند: *گوید خشایارشا، به یاری اهورامزدا من این هدیش را ساختم. اهورامزدا مرا و هر آنچه را که ساخته‌ام، بپاید.*



نقش هدیه‌آورندگان بر ویرانه‌های کاخ هدیش (کاخ اختصاصی خشایارشا)



نقش هدیه آورندگان در ورودی تالار کاخ هدیش



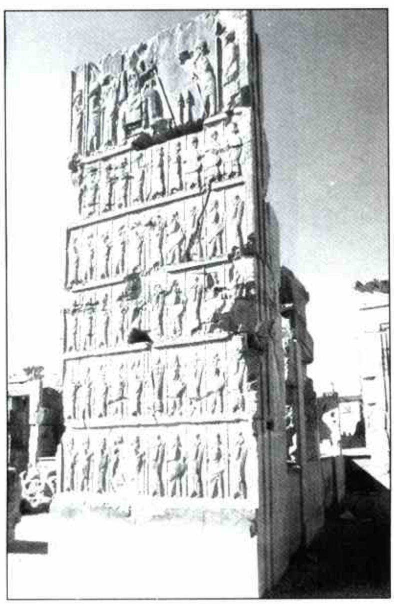
خشایارشا به همراه خدمه، وارد تالار کاخ هدیش می‌شود.

کاخ صدستون(تالار تخت)

کاخ صدستون یا تالار تخت پس از آپادانا، دومین کاخ بزرگ مجموعهٔ تخت‌جمشید است. قسمت اصلی این کاخ، تالار مرکزی آن است که از صدستون(ده ردیف ستون ده ردیفه) ساخته شده و وسعتی در حدود ۴۶۰۰ مترمربع دارد. بر اساس کتیبه‌ای که در گوشه‌ای از تالار اصلی صدستون کشف شده است، آغاز ساخت این کاخ به خشایارشا و تکمیل آن به پسرش اردشیر نسبت داده می‌شود. در بخشی از این کتیبه که به خط میخی بابِلی روی یک تخته‌سنگ حک شده، چنین آمده است: *گوید اردشیر شاه، پدرم خشایارشا بنیان این کاخ را بنا نهاد و من به یاری اهورامزدا آن را به پایان بردم.*

در ورودی کاخ صدستون دو مجسمهٔ عظیم از گاو ساخته شده بود که امروزه تنها بخشی از یک مجسمهٔ آن سالم مانده است. همچنین بر درگاه‌های تالار مرکزی، چهار صحنه از مراسم بارعام شاهی، اورنگ‌بران و نبرد شاه با شیر و هیولا نقش بسته است.

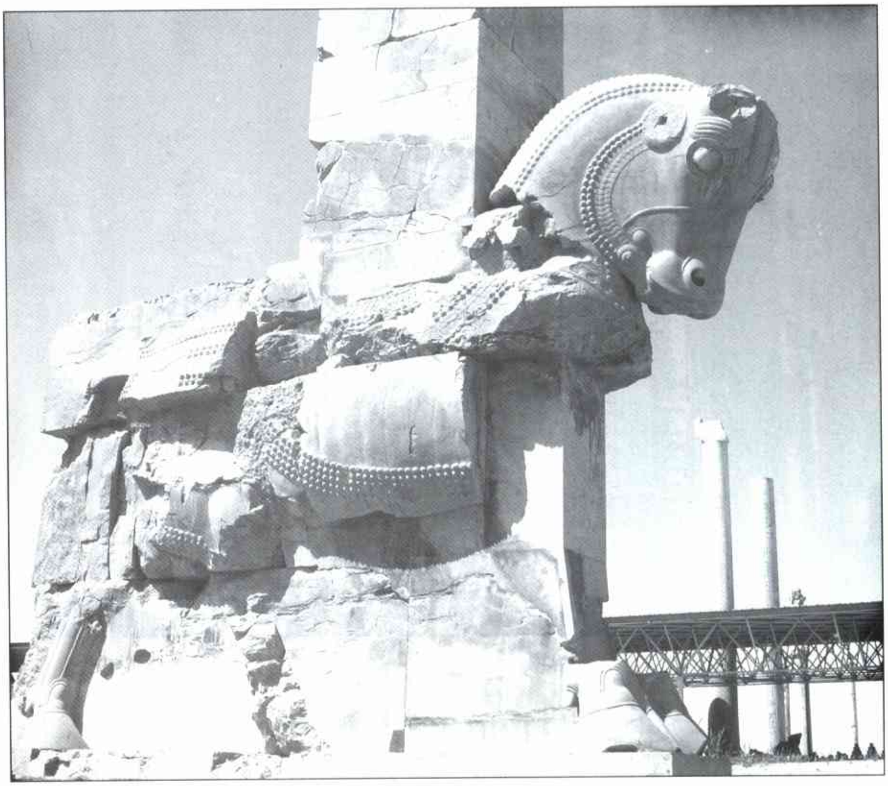
از زیباترین و هنرمندانه‌ترین نقش‌های کاخ صدستون می‌توان به نقش‌برجستهٔ سربازانی اشاره کرد که در دوسوی درگاه‌های ورودی تالار قرار دارند. این نقش‌ها چنان هنرمندانه طراحی شده‌اند که اگر شخصی در وسط درگاه قرار گیرد، می‌تواند سمت راست و چپ سربازان را به قرینه در سمت دیگر درگاه ببیند. بررسی نقش‌های کاخ صدستون نشان می‌دهد که تالار مرکزی محل تجمع فرماندهان و سربازان گارد ویژهٔ امپراتوری بوده است. همچنین حیاط شمالی این کاخ ازطریق خیابانی معروف به خیابان سپاهیان، به کاخ کوچکی راه دارد که به خاطر کامل نشدن بنای آن، دروازهٔ نیمه تمام نام گرفته است.



نقش برجسته‌های درگاه شمالی تالار صدستون

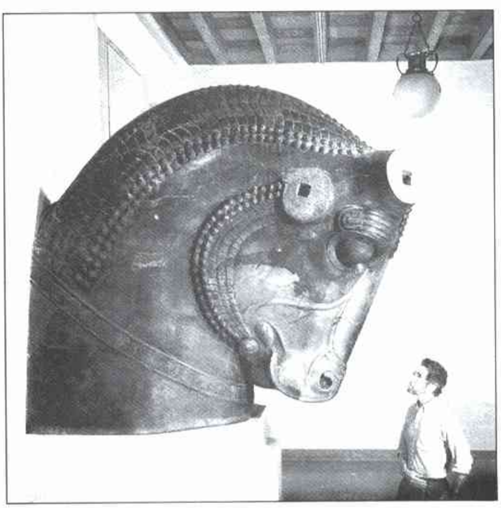


سرستونی از گاو دوسر ؛ محل نگهداری: موزهٔ شیکاگوی آمریکا

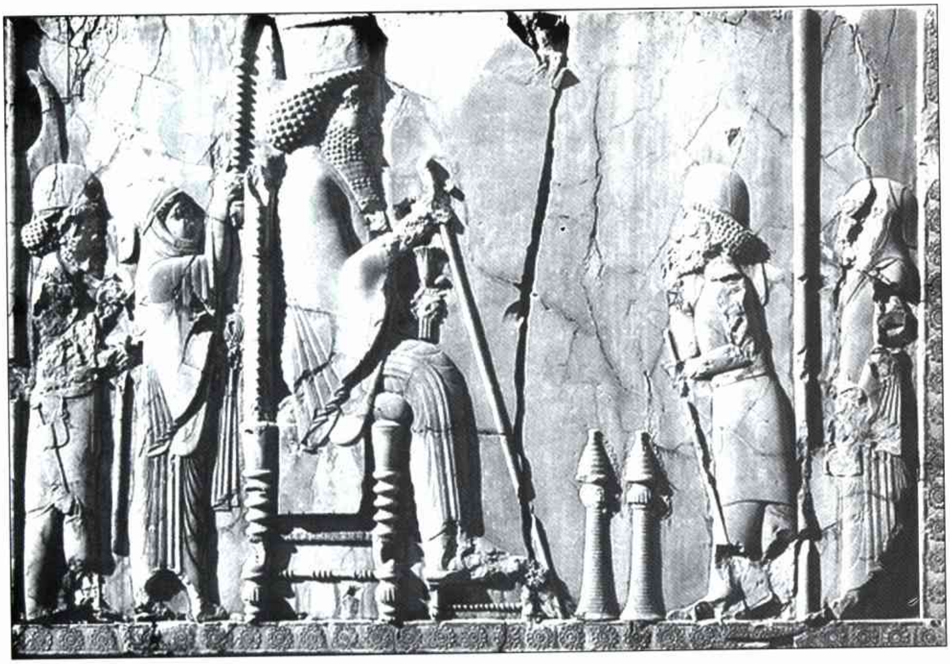


مجسمهٔ عظیم گاو بر درگاه شمالی کاخ صدستون

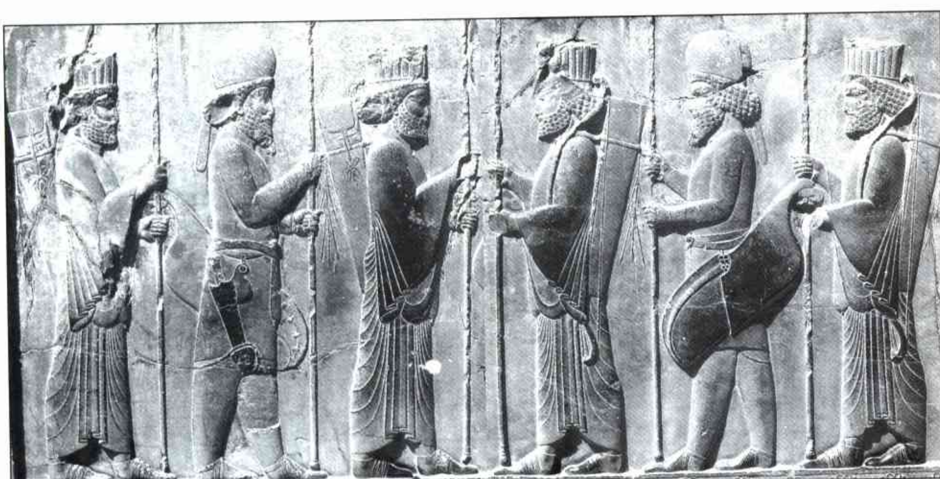




نیمهٔ سرستونی از موجودی افسانه‌ای (با سر انسان و بدن گاو) و مجسمهٔ عظیم سرِ گاو که از خرابه‌های کاخ صدستون کشف شده‌اند.
محل نگهداری آثار : امریکا - موزهٔ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو



صحنهٔ بارعام شاهی از نقش برجسته‌های درگاه تالار کاخ صدستون



ردیف سربازان پارسی و مادی که به قرینهٔ یکدیگر زیر صحنهٔ بارعام شاهی در درگاه‌های شمالی کاخ صدستون نقش بسته‌اند.



نقش اورنگ‌بران پادشاه بر درگاه جنوبی کاخ صدستون و نمایی از مقبرهٔ اردشیردوم بر کوه رحمت

خزانهٔ تخت‌جمشید

در شرق کاخ حرمسرا بقایای ساختمان بزرگی قرار دارد که با دیواری ضخیم احاطه شده است. این آثار، باقیماندهٔ گنجینهٔ بزرگ تخت‌جمشید است که اسکندر مقدونی آن را به تاراج برد. این ساختمان از چند اتاقک نگهبانی و چند تالار بزرگ برای نگهداری از گنجینهٔ شاهی ساخته شده بود.

از آثار کشف‌شده در حفاری‌های خزانهٔ تخت جمشید می‌توان به دو نقش برجستهٔ بزرگ از صحنهٔ بارعام شاهی اشاره کرد که نمونهٔ سالم آن به موزهٔ ایران باستان منتقل شده است و نقش آسیب‌دیده همچنان در گوشه‌ای از کاخ خزانه نگهداری می‌شود.



نقش برجستهٔ مجلس بار عام پادشاه (نقش آسیب‌دیده) ؛ محل کشف و نگهداری: کاخ خزانهٔ تخت‌جمشید



از مهم‌ترین کشفیات خزانهٔ تخت‌جمشید، هزاران لوح سفالی کوچک[۱](به اندازهٔ کف دست) است که طی هزاران سال، به‌طور معجزه‌آسایی سالم مانده‌اند. روی این الواح مطالبی به خط عیلامی دربارهٔ کارگران و مقدار دستمزد آنها حک شده است[۲]. پژوهشگران با بررسی و ترجمهٔ این الواح، به رازهای بزرگی پی برده‌اند از جمله اینکه هیچ‌کس در ساخت تخت‌جمشید به بیگاری گرفته نمی‌شد و تمامی افرادی که از ملیت‌های مختلف در آنجا کار می‌کردند، علاوه بر حقوق عادلانه‌ای که دریافت می‌کردند، به نوعی بیمه هم بودند.

در ضمن زنان هم پا به پای مَردان برای ساخت تخت‌جمشید تلاش می‌کردند و کارهایی مثل صیقل‌دادن نقش برجسته‌ها و دوختن لباس سربازان را برعهده می‌گرفتند. همچنین به دستور پادشاه به هر زنی که کودکی به‌دنیا می‌آورد، علاوه بر حقوق و مرخصی زایمان، مبلغی به‌عنوان پاداش اهدا می‌شد. از دیگر آثار کشف‌شده در خزانهٔ شاهی می‌توان به ده‌ها مُهر سلطنتی اشاره کرد که روی آنها نقوش بسیار زیبایی از زورآزمایی پادشاه با موجودات افسانه‌ای حک شده است.



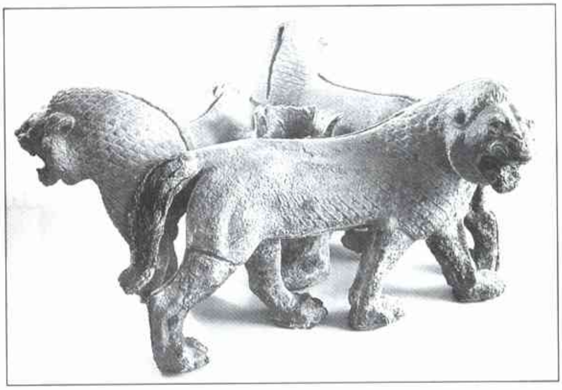
یکی از هزاران لوح گِلی کشف‌شده از خزانهٔ تخت‌جمشید
محل نگهداری: امریکا- موزهٔ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو



مُهر سلطنتی کشف‌شده از خزانهٔ تخت‌جمشید
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان

۱- دلیل سالم‌ماندن این لوحه‌های گِلی تا امروز، این است که وقتی اسکندر مقدونی تخت‌جمشید را به آتش کشید، خشت‌های خام که در انبار خزانه قرار داشتند، بر اثر حرارت آتش پخته شده و به صورت خشت سفالی درآمدند.

۲- مثلاً در یکی از این الواح چنین آمده است: *به هردکامهٔ نجار که سرکردهٔ ۱۰۰ کارگر مصری است که در پارسه کار می‌کنند، سه کَرشه و دو نیم شِکِل نقره داده شد ... این مبلغ دستمزد کار برای مدت ۵ ماه است از سال سی و دوم پادشاهی داریوش.*







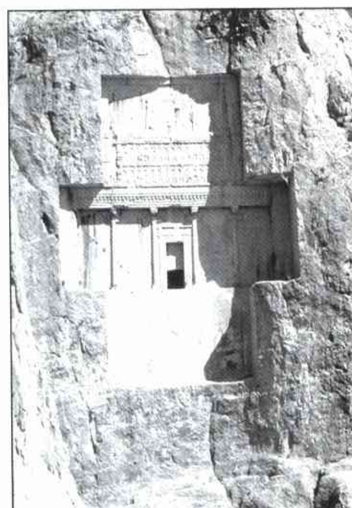
سینی و ظرف سنگی با طرح سرقو، مجسمه‌های شیر و ظرف با سه پایه‌ای به شکل پنجهٔ شیر از آثار کشف شده در خزانهٔ تخت‌جمشید
محل نگهدای آثار : تهران - موزهٔ ایران باستان



آرامگاه‌های شاهی در تخت‌جمشید و نقش رستم

ایرانیان باستان سه عنصر آفریدهٔ اهورامزدا یعنی آب، خاک و آتش را مقدس می‌شمردند. و آلوده‌کردن آن را گـناه بزرگـی مـی‌دانسـتند. آنان همچنین معتقد بودند وقتی فردی از دنیا می‌رود و روح اهورایی از بدنش خارج می‌شود، اهریمن بر کالبد سرد او وارد می‌شد و آن را پلید می‌کند. به همین دلیل وقتی کسی از دنـیا مـی‌رفـت، از شیوه‌هایی چون دفن‌کردن جسد در زیر خاک، آتش‌زدن یا انداختن آن در آب پرهیز مـی‌کـردند و بـه ناچـار راه دیگـری به کار می‌بردند. به این صورت که ابتدا جسد مرده را در جای بلندی می‌گذاشتند تا حیوانات و پرندگان، گوشت مرده را پاک کنند. آنگاه استخوان‌های باقیمانده را جمع کرده و در دخمه‌ای که در کوه حفر می‌کردند و به آن استخوان‌دان یا استودان[۱] می‌گفتند، قرار می‌دادند.

آرامگـاه بسـیاری از پادشـاهان هخامنشـی[۲] بـه شـکل اسـتودانی اسـت که در مرکز بنایی به شکل چلیـپا(صـلیب) بـر سـینهٔ کـوه کنده شده است. در شاخهٔ بالایی این بنا، نقش پادشاه درحالی‌که کمانی بر دست چپ گرفته و دست راست خود را به نشانهٔ نیایش و احترام بسوی آتشدان و فرشتهٔ فَروَهر بلند کرده اسـت، بر روی تختی دیده می‌شود که نمایندگان ملل مختلف آن را بر دوش گرفته‌اند و گویی قصد دارند با عزت و احترام، پادشاه را به‌سوی منزلگاه ابدیش همراهی کنند.



آرامگاه چلیپا شکل شاهان هخامنشی



استودان‌های بزرگان هخامنشی بر صخره‌های نزدیک تخت‌جمشید

۱- تعداد زیادی از این استودان‌ها را در دامنهٔ کوه‌های نزدیک تخت‌جمشید باقی مانده‌اند.

۲- آرامگاه نخستین پادشاه هخامنشی یعنی کوروش، به شکل صندوق سنگی بزرگی ساخته شده است؛ اما بعدها داریوش و جانشینان وی تصمیم گرفتند ارامگاه‌های خود را به شکل دخمهٔ سنگی در سینهٔ کوه بسازند.

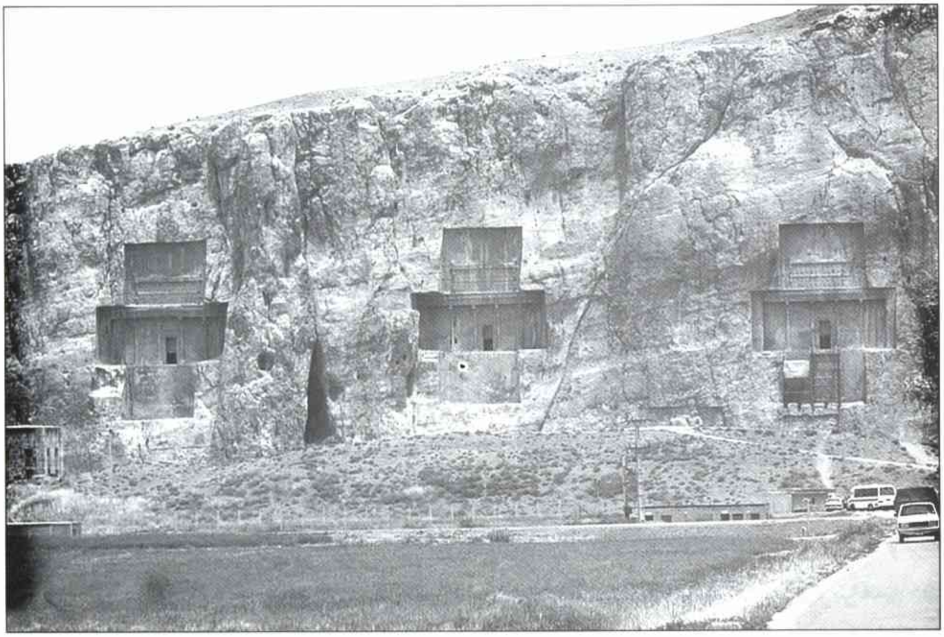


در ۶ کیلومتری شمال غربی تخت‌جمشید و بر سینهٔ صخره‌ای بلند، مقبرهٔ ۴ تن از پادشاهان هخامنشی چون داریوش بزرگ، خشایارشا، اردشیراول و داریوش دوم و همچنین تصاویری از نبرد پادشاهان بزرگ ساسانی حک شده است.

در آرامگاه داریوش بزرگ، کتیبه‌ای به خط میخی وجود دارد که حاوی اندرزهای نیکویی است که از این پادشاه بزرگ ایران زمین به یادگار مانده است. در بخش‌هایی از این کتیبه، چنین آمده است :

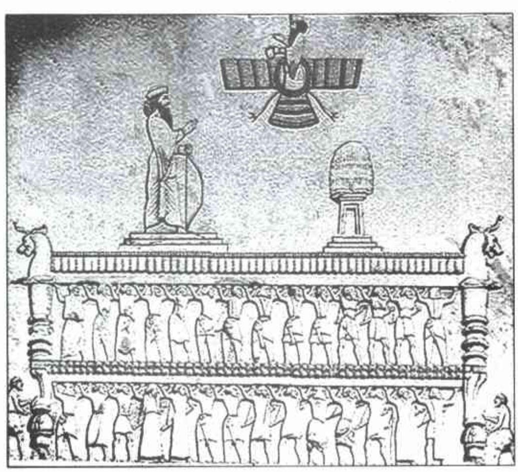
گوید داریوش شاه، به خواست اهورامزدا، من چنینم که راستی را دوست دارم و از دروغ روی‌گردانم. خواست من این نیست که توانایی بر ناتوانی ستم کند. آنچه راست است، خواسته من است. من دوست و بردهٔ دروغ نیستم. من بد خشم نیستم. حتی اگر کسی خشم مرا برانگیزاند، آن را فرو می‌نشانم و بر نفس خود سخت فرمانروا هستم... اهورامزدا چون این سرزمین را آشفته دید، آن را به من ارزانی نمود و مرا شاه کرد. پس من به خواست او، دشمنان این سرزمین را در جای خود نشاندم و آنچه را که گفتم، همان کردند... و تو ای مرد اگر می‌خواهی بدانی که داریوش چند کشور داشت به پیکرهایی که تخت مرا می‌برند، نگاه کن. آنگاه برایت آشکار خواهد شد که نیزه‌های مرد پارسی به آن دورها رفته است... گوید داریوش شاه، من در میدان نبرد، رزم‌آرایی چیره‌دست بودم و در حالیکه با دست‌هایم می‌جنگیدم، چشم و هوشم نیز به کار بود و آنانی را که فرمان می‌بردند و آنانی را که خلاف می‌کردند، کارشان بر من پوشیده نبود. در میدان نبرد به چالاکی می‌جنگیدم. سوارکاری ورزیده بودم و نیزه‌پرانی چیره‌دست و این همه را اهوارامزدا بر من بخشیده بود...

ای مرد، نیک آگاه باش که داریوش چگونه شاهی بود. پس در این سرزمین هر که مردی وفادار بود، نیک پاداش دادم و آنکه دشمن بود، به سختی کیفر رساندم. به خواست اهورامزدا، این کشورها قانون مرا اجرا کردند و هر آنچه به ایشان گفتم، عمل کردند... و تو که بعد از من شاه خواهی شد، از دروغ سخت بپرهیز و دروغگویان را سخت کیفر ده تا کشورم در امان بماند... پس از آن روی، اهورامزدا مرا یاری رساند چون نه من و نه دودمانم هیچیک دروغگو و خطاکار نبودیم... و تو ای مرد که این نوشته‌ها را پس از من خواهی خواند، این نگاره را ویران مکن و تا جایی که می‌توانی آن را پاس بدار. ای مرد، دستور اهورامزدا را ناپسند ندان. راه راست را ترک نکن و بر آن شورش مکن. هر آنکه اهورامزدا را بپرستد، هم در زندگی و هم پس از مرگ بخشش از آن او خواهد بود... باشد که اهورامزدا، خاندان من و سرزمین پارس را از زیان دور دارد.

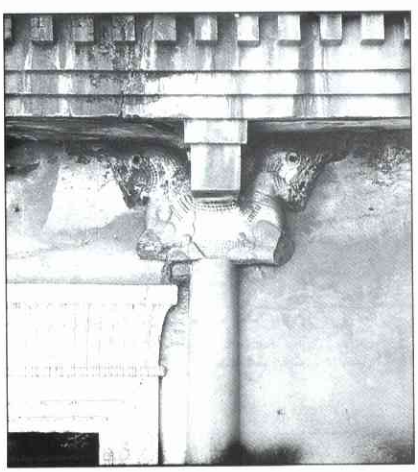


آرامگاه‌های داریوش بزرگ، خشایارشا و اردشیراول هخامنشی در نقش‌رستم

در قسمت میانی آرامگاه‌ها، درِ سنگی بزرگی دیده می‌شود که احتمالاً نمادی از ورود روح مرده از این جهان به دنیای آخرت است. در دو سوی این در، چهار ستون با سرستون‌هایی از گاو دوسَر دیده می‌شود که سقفی از شاه‌تیرها و شیران غرّان را بر دوش گرفته‌اند. داخل دخمه(استودان) نیز صندوق‌هایی به شکل مکعب مستطیل، برای گذاشتن استخوان‌های مرده درون آن قرار دارد.



نقش پادشاه و اورنگ‌بران بر آرامگاه پادشاه هخامنشی



نقش سرستون گاو دوسر بر دیوار آرامگاه اردشیر دوم

دوران پرآشوب ایران از زمان مرگ داریوش بزرگ تا حملهٔ اسکندر مقدونی

داریـوش پـس از غلبه بر شورش‌های محلی، در لشکرکشی برای سرکوب قوم وحشی سکاها، موفق شـد بخـش‌هایی از سرزمین اروپا را ضمیمهٔ خاک ایران کند. اما ورود ایرانیان به اروپا باعث شد یونانی‌ها احساس خطر کنند و به ایجاد ناآرامی و شورش در سرزمین‌های تحت نفوذ ایران بپردازند.

هنگامـی کـه داریـوش از این موضوع آگاه شد، سپاهی را برای سرکوبی شورش‌ها به مرزهای غربی ایـران فرسـتاد. با اینکه فرماندهان ایرانی موفق شدند شورش یونانی‌نشین‌ها را سرکوب کنند، در حمله به شهر آتن ناموفق بودند و در نبردی که در دامنهٔ کوه ماراتون رخ داد، نتوانستند به پیروزی برسند.

بـا مرگ داریوش بزرگ در سال ۴۸۶ پیش از میلاد، پسر بزرگش خشایارشا بر تخت سلطنت نشست. بـا ایـنکه او چـندان تمایلـی به جنگ‌های بی‌حاصل نداشت، به تحریک اطرافیان و برای جبران شکست ماراتون، به یونان حمله کرد و پس از پیروزی در نبرد گردنهٔ ترموپیل، وارد شهر آتن شد و دژ آکروپولیس و معابد شهر را به آتش کشید. پس از آن ایرانیان در تعقیب آتنی‌ها به‌سوی جنوب یونان حرکت کردند اما با مغلوب شدن در نبرد دریایی که نزدیک جزیرهٔ سالامیس رخ داد، نتوانستند به پیشروی خود ادامه دهند و به‌ناچار بازگشتند[۱].



مهر هخامنشی با نقش نبرد پادشاه ایرانی و سرباز یونانی



بشقاب یونانی با نقاشی نبرد سرباز ایرانی و یونانی

۱- از آنجـا کـه پادشـاهان هخامنشـی وقـایع مهـم زمان خود را روی کتیبه‌های سنگی حک می‌کردند، دربارهٔ جنگ با یونان و حتی به آتـش‌کشیدن شهر آتن به دست خشایارشا، هیچ کتیبه‌ای نوشته نشده است؛ شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که این جنگ‌ها در حکم یـک ناآرامی در گوشه‌ای از امپراتوری پهناور ایران بوده و اهمیت چندانی برای ایرانیان نداشته است ولی برای کشور کوچکی چون یونـان مهم تلقی می‌شد. درضمن چون تقریباً تمامی اسناد بجامانده از جنگ‌های ایران و یونان متعلق به مورخان یونانی است، بعید نیسـت که آنها به‌خاطر حس میهن‌پرستی، در مورد شکست ایرانیان اغراق کرده و مطالب زیادی را به دروغ و گزافه نوشته باشند. با همـهٔ ایـن اوصاف، ما بخشی از تاریخ و اطلاعاتی که دربارهٔ گذشتهٔ سرزمین خود در دست داریم، مدیون تاریخ‌نویسان بزرگ یونانی چون هردوت و گزنفون هستیم.

در سال ۴۶۵ پیش از میلاد، خشایارشا و پسر بزرگش بر اثر توطئهٔ یکی از فرماندهان گارد شاهی به نام آرتابان، به قتل رسیدند تا اینکه جوان‌ترین پسر خشایارشا به‌نام اردشیر اول تاجگذاری کرد. آرتابان قصد داشت اردشیر را نیز به قتل رسانده و خود تخت و تاج را غصب کند اما مکابیز، فرماندهٔ ارتش ایران از دسیسهٔ او مطلع شد و توانست جان پادشاه جوان را نجات دهد.

اردشیر اول تا حدودی توانست بر ناآرامی‌ها غلبه کند و اوضاع مملکت را سر و سامان دهد اما با مرگ او، کشمکش میان شاهزادگان و درباریان برای کسب قدرت آغاز شد به‌طوری‌که دو پسر بزرگ پادشاه یعنی خشایارشای دوم و سغدیان، تنها چند ماه پس از تاجگذاری به قتل رسیدند.

با مرگ سغدیان، تنها بازماندهٔ خاندان سلطنتی یعنی داریوش دوم بر تخت سلطنت نشست. سال‌های پادشاهی داریوش دوم، دوران پرآشوبی بود و شورش‌های بسیاری به‌وقوع پیوست. در یکی از این قیام‌ها، کشور مصر از زیر سلطهٔ امپراتوری ایران خارج شد و به استقلال رسید.

در سال ۴۰۴ پیش از میلاد، اردشیر دوم به پادشاهی رسید. در آغاز سلطنت او، یکی از برادران ناتنی‌اش به نام کوروش تلاش کرد به کمک مزدوران یونانی، حکومت را غصب کند، اما موفق نشد. با مرگ اردشیر دوم در سال ۳۵۹ پیش از میلاد، پسرش اردشیر سوم بر تخت سلطنت نشست. او بسیار تلاش کرد تا قدرت و شکوه ازدست‌رفتهٔ امپراتوری هخامنشی را بازگرداند. به همین دلیل با ارتشی بزرگ به مصر حمله کرد و موفق شد آنجا را دوباره ضمیمهٔ خاک ایران کند.

اما با مرگ اردشیر سوم، درباریان توطئهٔ دیگری به راه انداختند و با کشتن جانشین و پسران پادشاه، یکی از شاهزادگان بی‌لیاقت به‌نام داریوش سوم را به پادشاهی گماردند.

در این دوران که کشور دچار هرج و مرج شده بود، یک سردار یونانی به نام اسکندر مقدونی با لشکر بزرگی به ایران حمله کرد. در نبردی که در سال ۳۳۰ پیش از میلاد بین دو سپاه درگرفت، ایرانیان شکست خوردند و چندی بعد داریوش سوم هم که از جبههٔ جنگ فرار کرده بود، به‌دست فرماندهان جنگ کشته شد. به این ترتیب و با انقراض سلسلهٔ هخامنشی، ایران برای مدتی به‌دست یونانی‌ها افتاد.



نبرد اسکندر و داریوش سوم؛ از نقاشی‌های دیواری شهر پمپهٔ روم - قدمت: قرن اول پیش از میلاد



مجسمهٔ برنزی توخالی از سر یک بُز کوهی[1] ؛ ارتفاع : **۳۴ سانتیمتر**
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک

۱- تمامی آثاری که از دورهٔ هخامنشی در این کتاب دیده می‌شوند، قدمتی حدود ۵۵۰ تا ۳۳۰ سال پیش از میلاد دارند.



پلاک زرّین سلطنتی با نقش نبرد پهلوان و شیر



پلاکی از سنگ **لاجورد** با نقش برجستهٔ بسیار زیبای **گاو** بالدار





بازوبند و دستبند طلایی با طرح سر قوچ و شیر







پلاک‌های تزئینی به شکل بز و **قوچ** کوهی

محل نگهداری آثار : تهران - موزهٔ رضا عباسی



وزنه هخامنشی (معادل ۳۱ کیلوگرم) به شکل شیر خفتهٔ دسته‌دار ؛ محل کشف : غرب ترکیه (ساتراپ لودیه)
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



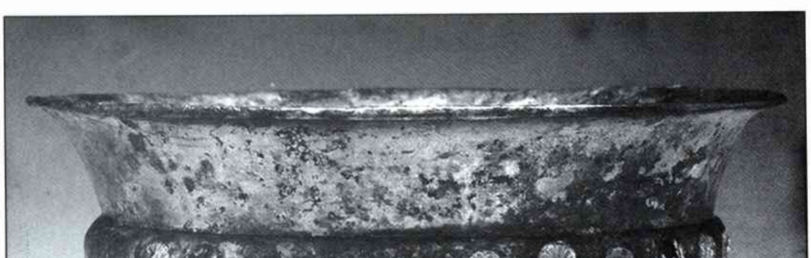
نشان سلطنتی زرّین شیر بالدار
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو



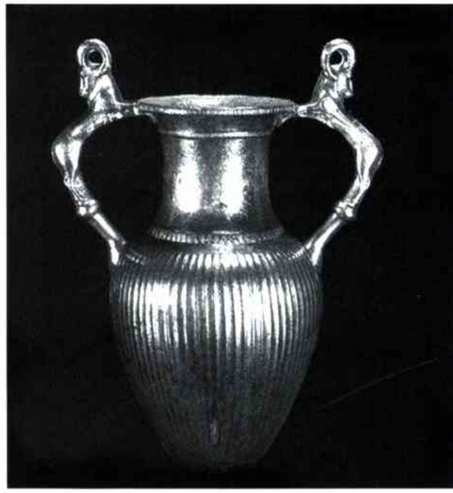
نشان سلطنتی زرّین شیرغرّان
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ هنرهای زیبای بوستون



بشقاب سیمین با ردیفی از نقش قلمزنی شدهٔ بسیار زیبای گل نخل و بلوط
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ هنرهای زیبای شهر بوستون



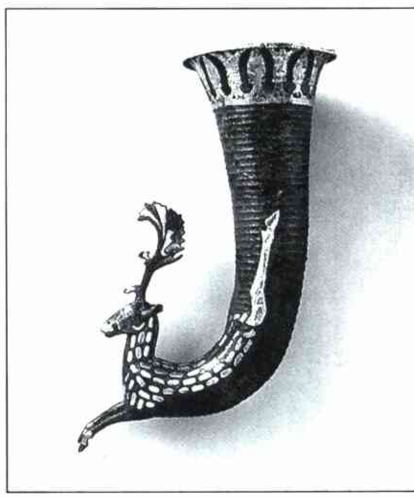
ظرف سیمین مزیّن به نقش قلمزنی شدهٔ نبرد پهلوان و شیر ؛ محل نگهداری: ژاپن- موزهٔ میهو

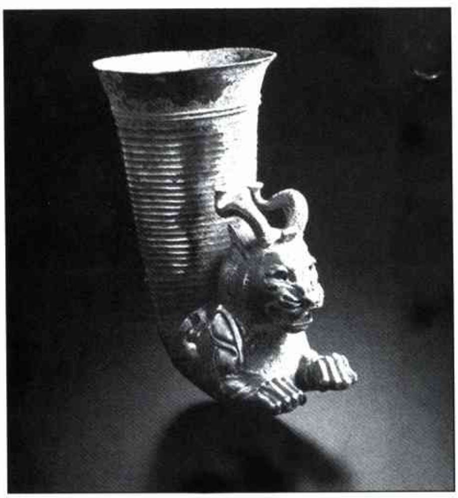


جام زرّین با دسته‌ای به شکل شیربالدار
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ شخصی در شهر لس‌آنجلس



جام زرّین با دسته‌ای به شکل شیربالدار
محل نگهداری: بلغارستان - موزهٔ آثار باستانی شهر صوفیا





ریتون‌های سیمین با پایه‌ای به شکل نیم **تنهٔ گوزن و شیر غرّان** ؛ **محل نگهداری** آثار: ژاپن- موزهٔ میهو



قاشق با دسته‌ای به شکل سر قو
محل کشف: نزدیک مقبرهٔ کوروش بزرگ در پاسارگاد
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان

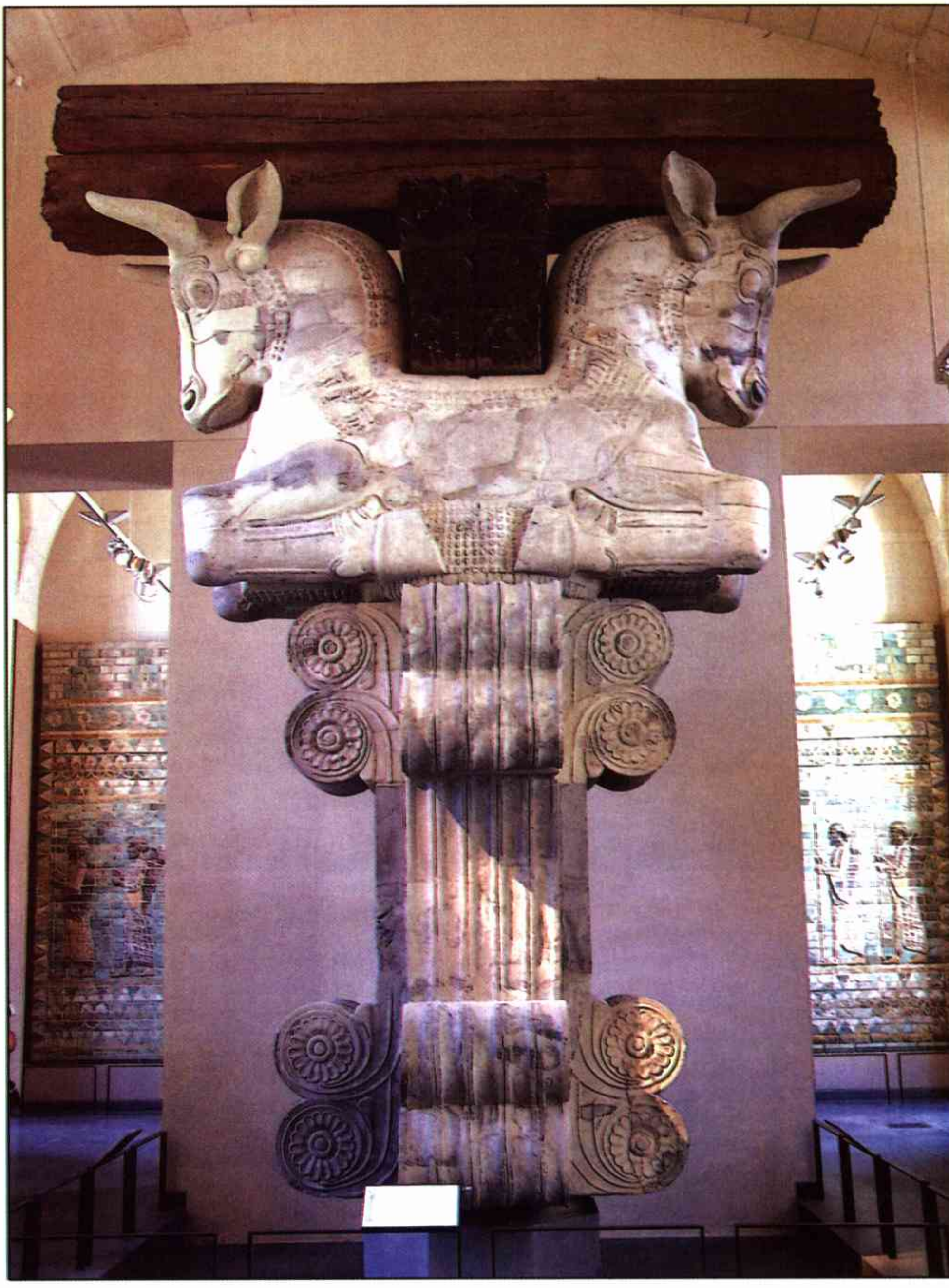


نقش برجستهٔ ابوالهول نگهبان کنجینهٔ شاهی ؛ محل کشف: کاخ اردشیراول در تخت‌جمشید



قطعه‌ای از نقش برجستهٔ هدیه‌آورندگان تخت‌جمشید

محل نگهداری آثار: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



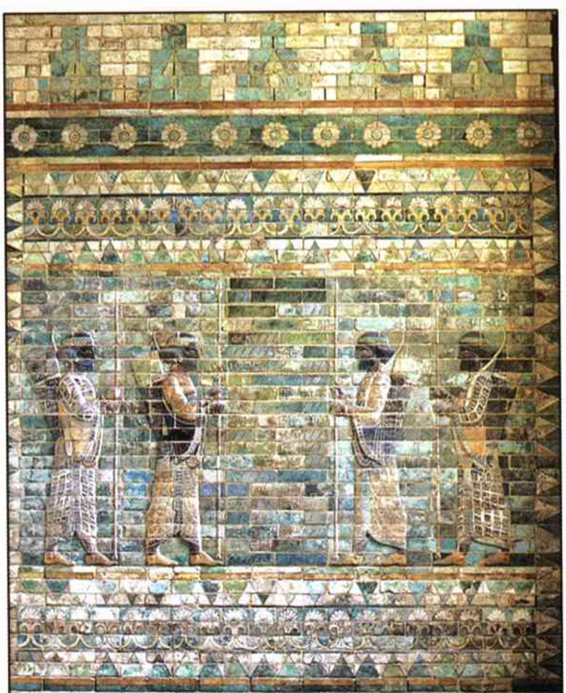
سرستون گاو دوسر از زیباترین سرستون‌های کشف شده از کاخ آپادانای شوش
محل نگهداری : فرانسه- موزهٔ لوور پاریس





تکه آجرهای رنگی لعابدار با نقش‌های شیر غرّان، گل‌های پیوستهٔ نخل و نیلوفر و طرح‌های هندسی
محل کشف : خرابه‌های کاخ آپادانای شوش
محل نگهداری آثار : فرانسه- موزهٔ لوور پاریس





آجرهای رنگی لعابدار با نقش برجستهٔ شیر و کمانداران سپاه جاویدان
محل کشف: خرابه‌های کاخ آپادانای شوش
محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



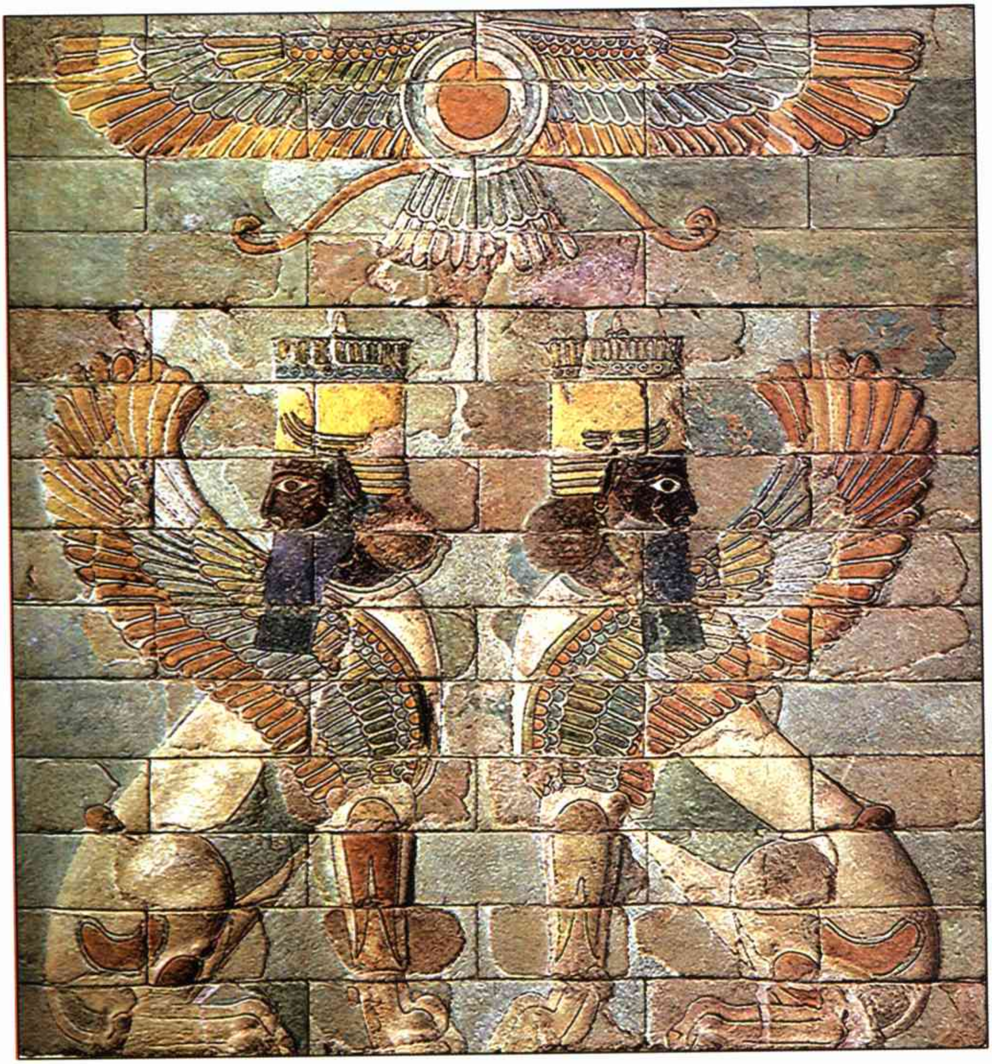
آجرهای رنگی لعابدار با نقش برجستهٔ کمانداران سپاه جاویدان
محل کشف : کاخ آپادانای شوش
محل نگهداری : آلمان- موزهٔ آثار عتیق برلین



آجرهای رنگی لعابدار با نقش برجستهٔ کمانداران سپاه جاویدان

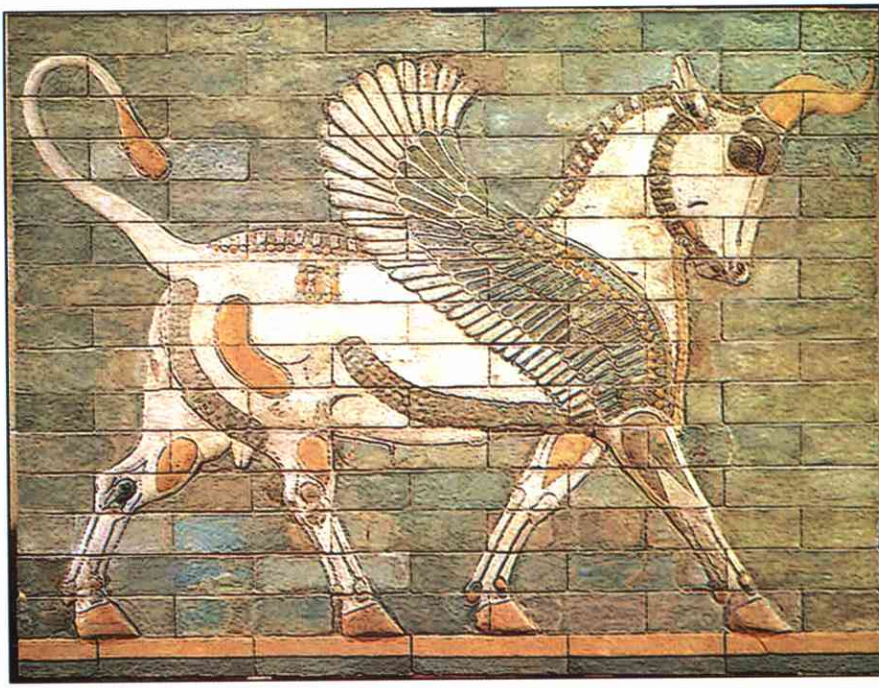
محل کشف : کاخ آپادانای شوش

محل نگهداری : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



آجرهای لعابدار رنگی با نقش برجستهٔ حلقهٔ بالدار[1] و دو موجود افسانه‌ای (با بدن شیر، بال عقاب، صورت انسان وتاج ایزدی)
محل کشف : تالار بارعام کاخ آپادانای شوش
محل نگهداری : فرانسه- موزهٔ لوور پاریس

۱- بسیاری از مردم به اشتباه، حلقهٔ بالدار را نشان اهورامزدا می‌پندارند در حالی‌که این نقش در ایران باستان، نشان سلطنتی پادشاهان (فرّشاهی) و به منزلهٔ تائید مقام شهریاری آنان از سوی خدای یگانهٔ اهورامزدا بود. به همین دلیل هنرمندان ایرانی در زیر حلقهٔ‌بالدار، نقشی از موجودات افسانه‌ای قرار می‌دادند تا آنها با قدرت فوق بشری خود، پاسدار و نگهبان دائمی نشان سلطنتی پادشاهان هخامنشی باشند.

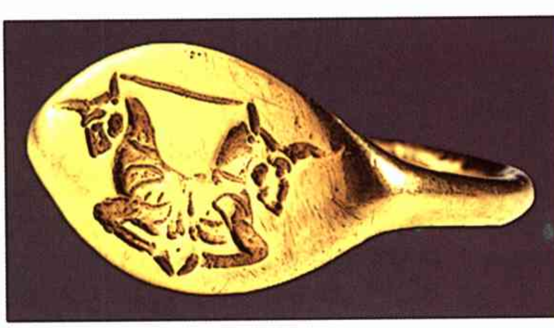




آجرهای لعابدار رنگی با نقش برجستهٔ گاو و شیر بالدار (نماد عدالت، قدرت و شکوه امپراطوری پارس)
محل کشف: خرابه‌های تالار کاخ آپادنای شوش ؛ محل نگهداری: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس



ریتون(جام) زرّین با پایه‌ای به شکل شیر بالدار ؛ محل کشف : همدان (هگمتانه ، اکباتان)
محل نگهداری : تهران- موزهٔ ایران باستان



مهر سلطنتی با نقش گاو دوسر
محل نگهداری : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



ریتون (جام) زرّین با پایه‌ای به شکل نیم تنهٔ شیر غرّان ؛ ارتفاع : ۱۷ سانتیمتر
محل نگهداری : امریکا- موزهٔ متروپولیتن نیویورک



مهر سلطنتی با نقش افسانه‌ای شیر بالدار
محل نگهداری : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



جام زرّین هخامنشی با کتیبه‌هایی به خط میخی پارسی ، بابلی و عیلامی ؛ محل نگهداری: امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک
متن کتیبهٔ پارسی (حروف خط میخی زیر از چپ به راست خوانده شوند) : دارَیوَیوش، خش وَزرَک (یعنی : داریوش، شاه بزرگ)

𐎭	𐎠	𐎼	𐎹	𐎺	𐎢	𐏁	𐏐	𐏇	𐎺	𐏀	𐎼	𐎣
دَ	ا	رَ	یَ	وَ	یو	ش		خش	وَ	زَ	رَ	کَ



پلاک زرّین هخامنشی به شکل دو شیر بالدار
ارتفاع : ۱۶ سانتیمتر
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک



جام زرّین با کتیبه‌هایی به خط میخی پارسی، بابلی و عیلامی ؛ محل نگهداری: تهران – موزهٔ ایران باستان

متن کتیبهٔ پارسی (حروف خط میخی زیر از چپ به راست خوانده شوند) : خَشیارشا. خش وَزَرَک (یعنی: خشایارشا، شاه بزرگ)

𐎧	𐏁	𐎹	𐎠	𐎼	𐏁	𐎠	𐏐	𐏋	𐎺	𐏀	𐎼	𐎣
خَ	ش	ی	ا	رَ	ش	ا		خش	وَ	زَ	رَ	کَ



عـصای سلطنتی با نقش دو شیر غرّان از جنس سنگ لاجورد که روی دستهٔ طلایی مزّین به گل‌های ۱۲ پر نیلوفر قرار دارد.
محل نگهداری : فرانسه– موزهٔ لوور پاریس



ریتون سیمین با پایه‌ای به شکل نیم‌تنهٔ موجودی افسانه‌ای (با بدن و پنجهٔ شیر، سر عقاب و شاخ بزکوهی)





بشقاب سیمین با نقش شیرهای ایستادهٔ بالدار و ریتون سیمین با پایه‌ای به شکل نیم تنهٔ گاو

محل نگهداری آثار : انگلیس - بریتیش میوزیوم لندن



بشقاب سیمین منسوب به اردشیر اول هخامنشی با کتیبه‌ای به خط میخی پارسی ؛ محل نگهداری:تهران- موزهٔ ایران باستان

متن کامل این کتیبه به همراه تلفظ و ترجمهٔ آن در زیر آمده است (حروف خط میخی پارسی از چپ به راست خوانده می‌شوند) :

𐎠	𐎼	𐎫	𐎧	𐏁	𐏂	𐎠	𐏐	𐏋	𐏐	𐎺	𐏀	𐎼
𐎣	𐏐	𐏋	𐏐	𐏋	𐎹	𐎠	𐎴	𐎠	𐎶	𐏐	𐏋	𐏐
𐎭	𐏃	𐎢	𐎴	𐎠	𐎶	𐏐	𐎧	𐏁	𐎹	𐎠	𐎼	𐏁
𐎠	𐏃	𐎡	𐎠	𐏐	𐏋	𐎹	𐎠	𐏐	𐎱	𐎢	𐏂	𐎠

تلفظ : اَرتَخشَچا ، خش وَزرَک ، خش خشیانام ، خش دهیونام ، خَشیارَشاهیا خشهیا پوچا.

ترجمه : اردشیر ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه دنیاها ، پسر خشایارشا شاه.

𐎧	𐏁	𐎹	𐎠	𐎼	𐏁	𐎠	𐏐	𐎭	𐎠	𐎼	𐎹	𐎺
𐎢	𐏁	𐏃	𐎡	𐎠	𐏐	𐏋	𐏃	𐎹	𐎠	𐏐	𐎱	𐎢
𐏂	𐎠	𐏐	𐏃	𐎧	𐎠	𐎶	𐎴	𐎡	𐏁	𐎡	𐎹	

تلفظ : خَشیارَشا ، دارَیَوَیوش‌هیا خشهیا پوچا هَخامَنیشیَ.

ترجمه : خشایارشا ، پسر داریوش شاهِ هخامنشی.

𐎡	𐎶	𐎶	𐏐	𐎲	𐎠	𐎬	𐎢	𐎥	𐎼	𐏐	𐎿	𐎡
𐎹	𐎶	𐎶	𐏐	𐎻	𐎡	𐎰	𐎡	𐎹	𐎠	𐎣	𐎼	𐎫

تلفظ : ایمَم باتیوگَر سیمَم ویثیا کَرت.

ترجمه : این بشقاب سیمین ساخته شد برای کاخش.



بازوبند طلایی با طرح شیر و گل‌های پیوستهٔ لوتوس
محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



پلاک زرّین با نقش شیر بالدار
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



گوشوارهٔ طلایی با تزئیناتی از سنگ‌های گرانبها و نقش پادشاه
محل نگهداری: امریکا - موزهٔ هنرهای زیبای شهر بوستون



بازوبند طلایی با طرح شیر دال از مجموعه آثار گنجینهٔ جیحون
محل نگهداری: انگلیس - بریتیش میوزیوم لندن



بازوبند طلایی با طرح سر قو



دستبند طلایی مزین به مجسمهٔ دو پرندهٔ شاهین

محل نگهداری آثار: ژاپن - موزهٔ میهو



ریتون طلایی به شکل سَرِ بزکوهی
محل نگهداری: تهران- موزه ایران باستان



ریتون طلایی به شکل سَرِ قوچ و مزیّن به طرح گل‌های نخل و لوتوس
محل نگهداری: تهران - موزهٔ رضا عباسی



خنجر طلایی با دسته‌ای به شکل سر دو شیر
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان



غلاف طلایی با نقش برجستهٔ شکار شیر
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



تندیس طلایی با طرح شکار بز کوهی توسط عقاب
محل نگهداری: روسیه - موزهٔ آرمیتاژ شهر سن‌پترزبورگ



تندیس زرّین از یک شیر دال
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



دهنی لگام اسب از جنس نقره با نقش‌های بسیار زیبای زراندود شده با صحنهٔ شکار قوچ، گوزن و خرگوش
محل نگهداری: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



کاسهٔ سیمین با چند ردیف نقش‌های زراندود از شیر و بزکوهی بالدار و ردیفی از گل‌های پیوستهٔ نیلوفر و نخل
محل نگهداری: ژاپن - موزهٔ میهو



دسته‌های جام از جنس نقرهٔ زراندود شده با طرح‌های بسیار زیبا از بزکوهی و قوچ
محل نگهداری آثار: فرانسه - موزهٔ لوور پاریس





ریتون سیمین با پایه‌ای به شکل گوزن و ظرف طلایی با دو دسته به شکل بزکوهی
محل نگهداری آثار: امریکا- موزهٔ شخصی در شهر لس‌انجلس



پایهٔ برنزی بسیار زیبا با طرح پنجهٔ شیر[1]

محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس

۱- این پایه احتمالا بخشی از پایهٔ تخت (اورنگ) پادشاه بوده که طرح آن در نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید دیده می‌شود.



سینی سنگی با دسته‌ای به شکل سر و گردن قو



جام برنزی با یک ردیف نقش برجستهٔ شیر بالدار

محل کشف : همدان



کوزهٔ مرمری با کتیبه‌ای به خط هیروگلیف مصری

متن کتیبه : *"خشایارشا ، فرعون بزرگ"*

محل نگهداری آثار: تهران- موزهٔ ایران باستان



جام زرّین هخامنشی با یک ردیف نقش قلم‌زنی برجستهٔ گاو ؛ ارتفاع: ۱۲ سانتیمتر



ریتون زرّین با پایه‌ای به شکل نیم‌تنهٔ قوچ ؛ ارتفاع : ۱۳ سانتیمتر
محل نگهداری: تهران - موزهٔ رضا عباسی



بشقاب طلایی با نقش برجستهٔ قلم‌زنی شده از دو بز کوهی





بشقاب‌های زرّین با نقش قلم‌زنی شدهٔ شیرهای غرّان

محل نگهداری آثار: تهران - موزهٔ رضا عباسی



بشقاب سفالی یونانی با نقش بسیار زیبا از یک کماندار پارسی ؛ محل نگهداری: انگلیس - بریتیش میوزیوم لندن



نقش مهر هخامنشی
پادشاه سوار بر گردونهٔ سلطنتی در حال شکار موجود افسانه‌ای(با سر و بدن شیر، بال عقاب و شاخ بز کوهی) است. نقش فرّ کیانی(حلقهٔ بالدار) نیز در بالای این نقش دیده می‌شود.
محل نگهداری: امریکا- موزهٔ هنرهای زیبای بوستون



تندیس کوچک شاهزادهٔ پارسی از سنگ فیروزه



پلاک سنگی کوچک با نقش عقابی گشوده بال که یک حلقه به نشانهٔ فرمانروایی بر سر دارد و دو حلقه به چنگال گرفته است.
این پلاک در اصل، نشانه و پرچم سربازان ایرانی بوده و به وسیلهٔ دو سوراخی که در بالا و پایهٔ آن تعبیه شده بر سر نیزه‌ها بسته می‌شد.
محل نگهداری آثار: تهران- موزهٔ ایران باستان



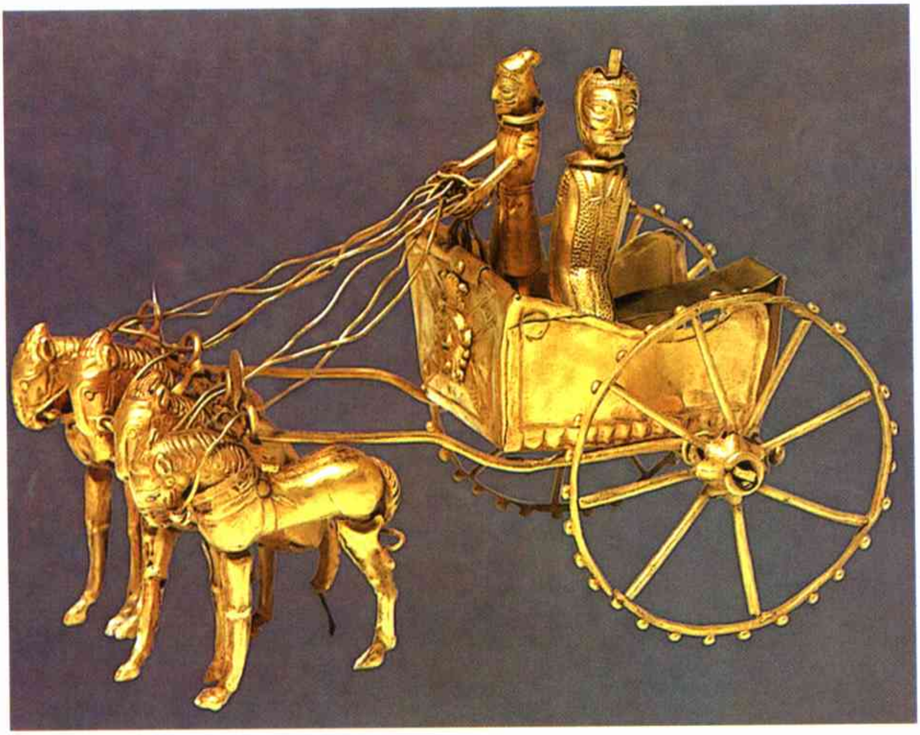
بخشی از قالی معروف پازیریک که به طور معجزه‌آسایی در کوه‌های جنوب سیبری کشف شده است. باستان‌شناسان قدمت این قالی را به ۵۰۰ سال پیش از میلاد یعنی هم زمان با حکومت امپراطوری پارس در آن منطقه نسبت می‌دهند. نقش گوزن، شیر بالدار، سواران و اسب‌ها که بر حاشیهٔ فرش بافته شده دقیقا همان طرح‌هایی هستند که در نقش برجسته‌های کاخ آپادانای تخت‌جمشید دیده می‌شوند.
محل نگهداری: روسیه - موزهٔ آرمیتاژ شهر سن‌پترزبورگ



گردنبند طلایی با نقش انسان بالدار و صحنهٔ شکار از سنگهای گرانبهای فیروزه و عقیق



یک جفت النگوی طلایی با نقش سر شیر از آثار دورهٔ هخامنشی
محل نگهداری آثار: ژاپن - موزهٔ میهو



مدل زرّین از یک ارابهٔ سلطنتی چهار اسبه که دو نفر با لباس هخامنشی‌ها بر آن سوار هستند.



کاسهٔ سیمین با نقش زراندود شاهزادهٔ پارسی



پارچ زرّین با دسته‌ای به شکل سَر شیر

از آثار گنجینهٔ جیحون در بریتیش میوزیوم لندن[1]

۱- در سال ۱۸۸۰ میلادی ، گنجینهٔ عظیمی از جواهرات سلطنتی دورهٔ هخامنشی در نزدیکی رود جیحون کشف شد که هم اکنون بیش از ۱۷۰ قطعه از آن در موزهٔ انگلیس نگهداری می‌شود.





پلاک و تندیس زرین از موبدان(کاهنان) زرتشتی هخامنشی : محل نگهداری آثار: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



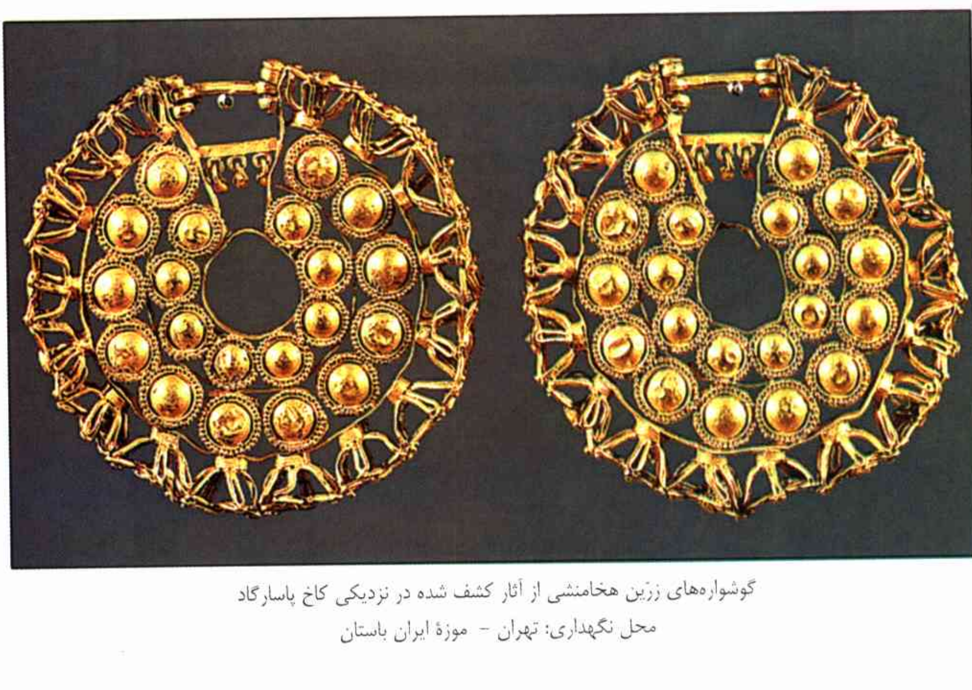


تندیس‌های سیمین از شاهزاده‌های پارسی : محل نگهداری آثار: انگلیس - بریتیش میوزیوم لندن



پلاک و انگشتر با نقش ملکهٔ پارسی ، النگو با طرح بز و قو و گوشواره‌هایی از آثار گنجینهٔ جیحون در بریتیش میوزیوم لندن





گوشواره‌های زرّین هخامنشی از آثار کشف شده در نزدیکی کاخ پاسارگاد
محل نگهداری: تهران - موزهٔ ایران باستان



مهر استوانه‌ای با نقش نبرد پادشاه و پهلوان پارسی با شیر و گاونر ؛ محل کشف: جنوب بین‌النهرین عراق



مهر استوانه‌ای داریوش بزرگ با کتیبه‌ای به سه خط میخی پارسی، بابلی و عیلامی ؛ محل کشف: معبد آمون در مصر



مهر استوانه‌ای با نقش شاهین و چشم هوروس (از نمادهای مصر باستان) و عودسوز و گاو بالدار (از نمادهای هخامنشی)
محل نگهداری آثار: انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن

فصل چهارم

امپراتوری اشکانی

دورهٔ کوتاه‌مدت حکومت یونانی‌ها بر ایران

بـا مرگ نابهنگام اسکندر مقدونی، نزاع سختی میان سرداران جاه‌طلب او بر سر جانشینی او درگرفت. عاقبـت پس از چند سال زد و خورد، امپراتوری وسیعی که اسکندر طی سال‌ها جنگ و خونریزی به‌دست آورده بود، از هم پاشید و یونان به چند کشور کوچک تقسیم شد.

در این میان سرداری به نام سلوکوس با تصرف ایران، پادشاهی مستقلی به وجود آورد که به نام خود او، دولت سلوکی نام گرفت. سلوکوس سپس در نبرد با سرداران دیگر موفق شد سوریه و قلمرو وسیعی از آسیای صغیر(ترکیهٔ کنونی) را ضمیمهٔ خاک کشور خود کند.



سکهٔ یونانی با نقش اسکندر مقدونی ؛ (تصویر پشت سکه : الههٔ اتنا با لباس رزم روی چهار پایه‌ای نشسته و فرشتهٔ پیروزی را در دست دارد.) پشت سکه نیز به خط یونانی نوشته شده است : *باسیلیوس الکساندروی* (یعنی : *'اسکندر بزرگ*)



سکهٔ سلوکی با نقش سلوکوس اول (تصویر پشت سکه: پادشاه در حال دریافت تاج از الههٔ پیروزی) ؛ محل ضرب سکه: شوش

سلوکیان که به‌خاطر وسیع بودن قلمرو کشورهای تصرف شده و نیز نداشتن پایگاه مردمی، ادامهٔ حکومت خود را دشوار می‌دیدند، سعی کردند با احداث شهرها و مهاجرنشین‌های جدید، آداب و رسوم یونانی را در این سرزمین‌ها اشاعه دهند و با فعالیت‌های فرهنگی، مردم را با خود همراه سازند.

از مهم‌ترین شهرهای سلوکی می‌توان به سلوکیه و انطاکیه اشاره کرد که اولی به دستور سلوکوس اول، بر کنار رود دجله و دومی به دستور آنتیوخوس اول(پسر و جانشین سلوکوس) در شمال سوریه احداث شد. در ایران نیز شهرهای بسیاری با نام‌های یونانی ساخته شد. یکی از این شهرها که در نزدیکی نهاوند امروزی قرار داشت، به افتخار خواهر آنتیوخوس سوم، لائودیکیه نامیده شد. احداث این شهرها که با ایجاد پایگاه‌های نظامی نیز همراه بود، برای مقابله با شورش‌های محلی و ضد سلوکی بسیار مفید بود. با اینکه ادارهٔ این شهرها به شهربانان محلی سپرده شده بود، پادشاه بر تمامی امور نظارت کامل داشت و نمایندگان او هر از چندگاهی به‌صورت یک اردوی متحرک نظامی، برای سرکشی به شهرهای مختلف سفر می‌کردند.



سکهٔ سلوکی با نقش آنتیوخوس اول (تصویر پشت سکه : خدای آپولو، با کمانی در دست، روی سنگ معبد دلفی نشسته است)
پشت سکه به خط یونانی نوشته شده است : *باسیلیوس آنتیوخوی* (یعنی : *آنتیوخوس بزرگ*) ؛ محل ضرب سکه : سلوکیه



سکه‌ای با نقش باگداتس (شهربان ساتراپ خودمختار پارس در دورهٔ سلوکی‌ها)
پشت سکه، تصویر حاکم در حال نیایش در برابر معبد زرتشتی و نیز پرچمی شبیه پرچم هخامنشی‌ها دیده می‌شود.

امـا با درگیری‌هایی که جانشینان بعد از سلوکوس در آسیای صغیر پیدا کردند، نظارت و سرکشی آنها به ولایات شرقی کاهش یافت و همین عامل باعث بروز شورش‌هایی در نواحی مختلف ایران شد.

در ایـن دوران کـه اعتراض مردم علیه دولت بیگانهٔ سلوکی شدت گرفته بود، یکی از سرکردگان قوم ایرانی پارت به نام اشک(ارشک) علیه دولت سلوکی قیام کرد و سلسلهٔ جدیدی به‌نام اشکانی(پارتی) را در شـرق ایران تأسیس کرد. جانشینان اشک، طی جنگ‌های بسیار، موفق شدند اشغالگران یونانی را به‌سوی مرزهای غربی عقب برانند. عاقبت در سال ۱۲۹ پیش از میلاد و با شکست آنتیوخوس هفتم از فرهاد دوم اشـکانی، دوران حکومت ۷۰ سالهٔ سلوکی‌ها بر ایران خاتمه یافت و مدت کوتاهی بعد، امپراتوری در حال انحطاط آنها به‌دست دولت توسعه‌طلب روم منقرض شد.



معبد آناهیتا با ستون‌هایی به سبک دوریک یونانی در کنگاور: از معدود آثار دورهٔ سلوکی[1]- اشکانی در ایران

۱- از دیگر آثار دورهٔ سلوکی می‌توان به مجسمهٔ هرکول بر دامنهٔ کوه بیستون کرمانشاه اشاره کرد.

اشک اول، بنیانگذار امپراتوری اشکانی

اشـک اول یکـی از بـزرگان خـاندان اِپارتـی[۱] بـود که توانست با متحدکردن سران قبایل دیگر علیه مـتجاوزان یونانـی قـیام کـند. وی و در سـال ۲۵۰ پیش از میلاد، سلسلهٔ پارت را در شمال شرقی ایران تأسـیس کـرد. پـس از اشـک، بـرادرش تـیرداد کـه بـه احـترام بـرادرش خود را اشک دوم می‌نامید، از درگـیری‌های داخلی سلوکیان استفاده کرد و بخش‌های مهمی از ایران از جمله خراسان، گرگان و سمنان را از دست سلوکی‌ها آزاد کرد و چندی بعد پایتخت سلسلهٔ اشکانی را از شهر نیسا[۲] به شهر صددروازه (در نزدیکـی دامغـان امـروزی) منـتقل کـرد. اردوان اول (اشک سوم) که پس از تیرداد به پادشاهی رسید، از گرفـتاری آنتـیوخوس سـوم در آسـیای صغیر استفاده کرد و شهرهای ری و اکباتان (همدان فعلی) را نیز تصـرف کـرد؛ امـا چـندی بعـد پادشـاه سـلوکی بـا لشکر بزرگی به ایران بازگشت و علاوه بر شهرهای ازدسـت‌رفـته، پایتخـت اشـکانیان را نیز تصرف کرد. آنتیوخوس سپس به گرگان حمله کرد اما در آنجا با مقاومـت شـدید سواره نظام اشکانی مواجه شد. دوران پادشاهی فریاپت و فرهاد اول تقریباً بدون درگیری بـا سـلوکیان گذشت تا اینکه مهرداد اول (اشک ششم) موفق شد طی نبردهای طولانی، شهرهای مهمی چـون آذربایجـان، فـارس، خوزستان، سلوکیه و بابل را فتح کند. مهرداد اول که از باتدبیرترین پادشاهان اشکانی بود، برای ادارهٔ بهتر امور مملکت، تشکیلات دولتی و کشوری جدیدی برقرار کرد.



سکهٔ اشکانی با تصویر اشک اول[۳] ؛ قدمت: سال ۲۴۰ پیش از میلاد ؛ محل ضرب سکه: شهر نیسا

۱- قوم اِپارتی یا پارت یکی از سه قوم بزرگ آریایی بودند که هم‌زمان با ورود مادها و پارس‌ها از مرزهای شرقی وارد ایران شده بودند.

۲- خرابه‌های این شهر باستانی اشکانیان در نزدیکی عشق‌آباد، پایتخت کشور ترکمنستان قرار دارد.

۳- در قـرن سـوم پـیش از مـیلاد کـه فرهـنگ هلنـی- یونانـی در سراسـر ایران رواج یافته بود، سکه‌های اشکانی نیز به خط و تاریخ سـلوکیان ضرب می‌شد. روی بیشتر سکه‌ها، صورت پادشاه و پشت آن، تصویر نشسته‌ای از او (درحالی‌که کمان کشیده‌ای در دست داشـت)، نقش می‌بست. نفوذ فرهنگ یونانی در اوایل این دوره تا آنجا پیش رفته بود که روی سکه‌های اشکانی جملهٔ *"باسیلیوس مگـالوی آرسـاکوی فـیل هلنوس"* (به معنی : *"پادشاه بزرگ اشکانی، دوستدار یونان"*) ضرب می‌شد؛ اما از اواخر قرن اول پس از میلاد که سلوکیان به طور کامل از ایران اخراج شده بودند، بیشتر سکه‌ها به زبان پهلوی اشکانی و خط آرامی ضرب می‌شدند.



سکهٔ اشکانی با نقش مهرداد دوم (اشک نهم) - قدمت : سال ۸۰ پیش از میلاد ؛ محل ضرب سکه: شهر سلوکیه

یکی از اقدامات مهم او تشکیل یک مجلس مشورتی از شاهزادگان و خانوادهٔ سلطنتی و مجلس دیگری متشکل از اشراف و روحانیون بود. طبق آنچه در منابع تاریخی آمده است، هرگاه این دو مجلس با هم برقرار می‌شد، مهستان نام می‌گرفت. وظیفهٔ مجلس مهستان، انتخاب پادشاه یا خلع او از مقام سلطنت بود. با مرگ مهرداد اول، پسرش فرهاد دوم (اشک هفتم) بر تخت سلطنت نشست. او طی نبرد بزرگی با سلوکی‌ها، بر آنان پیروز شد و با کشتن آنتیوخوس هفتم، سلوکی‌ها را برای همیشه از ایران فراری داد. پس از فرهاد نیز مهرداد دوم (اشک نهم) به پادشاهی رسید. در نخستین سال‌های حکومت این پادشاه، قبایل وحشی از شرق به ایران حمله کردند. مهرداد پس از شکست‌دادن آنها، به هند و ارمنستان لشکر کشید و آن سرزمین‌ها را نیز ضمیمهٔ خاک ایران کرد.



از زمان اشک اول تا مهرداد دوم و با توسعهٔ امپراتوری اشکانی (پارتی) به غرب، به‌تدریج پایتخت نیز از نیسا به سلوکیه منتقل شد.

نبرد حرّان(کارّه)، نخستین پیروزی ایران بر روم

پس از اخراج سلوکیان از خاک ایران، دولت اشکانی که در پی توسعهٔ امپراتوری تازه تأسیس خود به سمت غرب بود، با دولت روم که در حال توسعهٔ قلمرو خود به جانب شرق بود، در منطقهٔ ارمنستان و سوریه روبه‌رو شد.

اولین برخورد ایران و روم در زمان فرهاد سوم (اشک یازدهم) رخ داد. در آن زمان پومپئوس، سردار معروف رومی که برای سرکوب کردن شورش میتراداتس (پادشاه کشور کوچک پنتوس در آسیای صغیر) به ارمنستان لشکر کشیده بود، با اعتراض رسمی پادشاه ایران مواجه شد. اما نبرد واقعی میان ایران و روم زمانی روی داد که کراسوس[۱]، دیگر سردار رومی به خاک ایران تجاوز کرد. در آن زمان پادشاه ایران، اُرُد اول بود که پس از مطلع‌شدن از نقشهٔ کراسوس یکی از سرداران بزرگ ایرانی به نام سورِنا را مأمور حفاظت از مرزهای کشور کرد.

در نبردی که میان ارتش ۴۲ هزار نفری روم با سپاه کوچک ۱۰ هزار نفری ایرانی در مرز حرّان[۲] رخ داد، سورنا با توسل به یک حیلهٔ جنگی مؤثّر[۳] موفق شد علاوه بر کشتن کراسوس و ۲۰ هزار لژیونر رومی، حدود ۱۰ هزار تن از سربازان دشمن را نیز به اسارت بگیرد. مرگ کراسوس و شکست سنگین ارتش مجهز روم، ضربهٔ جبران‌ناپذیری به امپراتوری مقتدر روم وارد ساخت؛ به‌طوری‌که مورخان بزرگ یونانی و رومی آن زمان، نبرد حرّان را بزرگ‌ترین پیروزی امپراتوری شرق بر غرب لقب دادند.



سکهٔ اشکانی با نقش اُرُد اول(اشک سیزدهم) ؛ قدمت: سال ۵۷ پیش از میلاد ؛ محل ضرب سکه: شهر اکباتان (همدان فعلی)

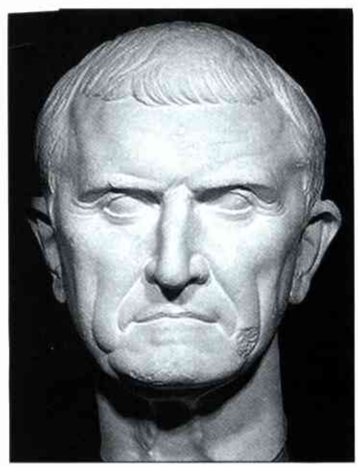
۱- کراسوس، همان سرداری بود که قیام معروف بردگان فراری به رهبری اسپارتاکوس را با کشتن هزاران نفر انسان بیگناه به‌طرز فجیعی سرکوب کرده بود. پس از آن کراسوس در رقابت با دو سردار دیگر روم یعنی پومپیوس و ژولیوس‌سزار تصمیم گرفت سرزمین ایران را تصرف کند اما سرنوشت او چنین مقرر شده بود که به طمع این افتخار، جان خود را از دست بدهد.

۲- حرّان(کارّه) شهری است در جنوب ترکیهٔ امروزی که آن زمان، مرز غربی امپراتوری اشکانی محسوب می‌شد.

۳- در این نبرد، اشکانیان با فریب‌دادن دشمن و کشاندن آنان به محوطهٔ خودی، آنها را در محاصرهٔ خود گرفتند و با حملات برق‌آسای کمانداران، شکست دادند. این شیوهٔ جنگ و گریز در تاریخ به جنگ پارتیزانی مشهور شده که برگرفته از نام کمانداران پارتی است.



نیزه‌دار، کماندار[۱] **و پرچمدار اشکانی ؛ نوع زره و پوشش این سربازان برگرفته از منابع تاریخی چون کتاب مورخین یونانی رومی است.**



مجسمهٔ کراسوس، سردار رومی
محل نگهداری: ایتالیا - موزهٔ آثار باستانی شهر رم



تندیس برنزی بزرگ‌زادهٔ اشکانی
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان

۱- پلوتارک مورخ نامدار رومی در بخشی از کتاب سرنوشت بزرگان خود، دربارهٔ نبرد معروف حرّان نوشته است : *در خلال نبرد، ناگهان کمانداران پارتی ظاهر شدند. آنها در حالیکه روی اسب نشسته و با سرعت از کنار لژیونرها رد می‌شدند، در همان حال برمی‌گشتند و چنان با مهارت، تیر را به پاشنهٔ پای سربازان ما می‌زدند که پایشان به زمین دوخته می‌شد !*



سکهٔ اشکانی با نقش فرهاد چهارم (اشک چهاردهم)؛ قدمت. سال ۳۷ پیش از میلاد؛ محل ضرب سکه: شهر ری

در حدود سال ۳۷ پیش از میلاد و در زمان پادشاهی فرهاد چهارم، یکی دیگر از سرداران رومی به‌نام مارک آنتونی[۱] برای کسب افتخار و جبران شکست کراسوس با ۸۰ هزار لژیونر محهز رومی به ایران حمله کرد اما با مقاومت دلیرانهٔ سربازان اشکانی مواجه شد و عاقبت پس از تحمل شکستی خفت‌بار، مجبور به عقب‌نشینی شد.

با مرگ آنتونی، نخستین امپراتور روم به نام آگوستوس‌سزار به قدرت رسید. امپراتور جدید که نبرد با ایرانیان را بی‌حاصل می‌دید، تصمیم گرفت با اشکانیان صلح کند. فرهاد چهارم نیز به احترام پیمان صلح، پرچم‌هایی را که ایرانیان در زمان جنگ حرّان به غنیمت گرفته بودند، به دربار روم بازگرداند.



روی این سکهٔ رومی که به مناسبت جشن بازگشت پرچم‌های ارتش روم در سال ۲۰ پیش از میلاد ضرب شده، تصویر امپراتور آگوستوس‌سزار و پشت آن، نقش سفیر اشکانی در حال اهدای پرچم به امپراتور روم حک شده است.

۱- در این دوران، اوضاع روم بسیار آشفته بود. ژولیوس‌سزار که پس از مرگ کراسوس و پومپئوس به قدرت رسیده بود، به‌دست تعدادی از سناتورها در مجلس سنای روم کشته شد. به‌دنبال آن، دو سردار دیگر به نام‌های اکتاویوس و مارک‌آنتونی قدرت را در دست گرفتند اما رقابت برای کسب قدرت میان این دو ادامه داشت تا اینکه مارک‌آنتونی به مصر سفر کرد و به تحریک ملکهٔ زیباروی مصری (کلئوپاترا)، تصمیم گرفت به ایران حمله کند.



سکهٔ اشکانی با نقش فرهاد پنجم(اشک پانزدهم) و مادرش ملکه موزا ؛ قدمت: سال ۱۰ پیش از میلاد ؛ محل ضرب سکه: شوش

امپراتور روم در جواب محبت پادشاه ایران در بازپس‌دادن پرچم‌های روم، دختر زیبارویی به‌نام موزا را به دربار ایران فرستاد. با مرگ فرهاد چهارم، فرزندی که از موزا به‌دنیا آمده بود، به نام فرهاد پنجم، به پادشاهی رسید اما چون مردم او را یک خارجی می‌دانستند، ادامهٔ سلطنتش چندان دوامی نیافت و عاقبت پس از دو سال با حکم مجلس مهستان از سلطنت خلع شد.

پس از برکناری فرهاد پنجم، دوران افول امپراتوری اشکانی آغاز شد. بیشتر پادشاهانی که پس از او به سلطنت رسیدند، فقط در پی حفظ تاج و تخت خود بودند. در زمان پادشاهی بلاش اول (اشک بیست‌وسوم)، یکی از امپراتوران روم به نام تراژان که از ضعف دولت مرکزی ایران باخبر شده بود، به ارمنستان لشکر کشید و آنجا را تصرف کرد. بلاش و جانشینان وی برای بازپس‌گیری ارمنستان تلاش بسیاری کردند اما موفق نشدند. عاقبت در سال ۲۶۷ پس از میلاد و زمانی که نارضایتی مردم از پادشاهان اشکانی به اوج خود رسیده بود، یکی از شاهزادگان ساتراپ پارس به‌نام اردشیر بابکان، علیه اردوان پنجم (اشک بیست‌وهشتم) شورید و با کشتن او به سلطنت ۴۷۰ سالهٔ اشکانیان خاتمه داد.



سکهٔ اشکانی با نقش اردوان(اشک نوزدهم) ؛ قدمت : سال ۴۰ پس از میلاد ؛ محل ضرب سکه : شهر اکباتان (همدان امروزی)
پشت این سکه، نقش پادشاه در حال دریافت عصای سلطنتی از تیشه (الههٔ بخت و اقبال شاهی) حک شده است.

کاخ هترا؛ تنها کاخ بجامانده از دورهٔ اشکانی

مـرزهای جغرافیایی سرزمین کهن ما در طول تاریخ طولانی خود، بارها تغییر شکل داده است. گاهی پیشـروی کـرده و زمانـی پـس نشسـته و در هر عقب‌نشینی بخشی از میراث آن در سرزمین‌های دور به یادگار مانده است.

شـهر و کـاخ هـترا کـه در معمـاری آن آمـیزه‌ای از سه تمدن بزرگ ایرانی، یونانی و رومی به چشم مـی‌خورد، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی دورهٔ اشکانی است که هم‌اکنون کیلومترها دورتر از مرز ایران امروزی و در خاک کشور عراق قرار دارد. نام این شهر برای نخستین بار در سال ۱۱۵ میلادی و در گزارش لشکرکشی تراژان ثبت شده است. در آن سال، تراژان به قصد توسعهٔ مرزهای امپراتوری روم وارد مـرزهای ایـران شـد و پـس از پیشروی به شهر هترا رسید؛ اما از آنجا که استحکامات دفاعی هترا بسیار مستحکم بود، پس از مدتی محاصرهٔ بی‌حاصل، آنجا را ترک کرد.

شـواهد باستان‌شناسی و کتیبه‌های کشف‌شده نشان می‌دهد که شهر هترا در اواخر قرن دوم میلادی به دلیل قرار گرفتن در مسیر ارتباطی ایران و روم، یکی از پررونق‌ترین شهرهای دنیای باستان به حساب می‌آمده؛ اما بعدها با انقراض سلسلهٔ اشکانی و تسخیر آن به‌دست ساسانیان، برای همیشه متروک و خالی از سکنه شده است.



کاخ اشکانی هترا (*Hatra Palace*) ؛ در نزدیکی شهر موصل عراق



نقش برجستهٔ شیرهای بالدار در کنار **گلدانی** از گل زیبای نیلوفر
محل کشف : سَر دَر ورودی کاخ هترا در عراق
محل نگهداری فعلی: امریکا – موزهٔ متروپولیتن نیویورک



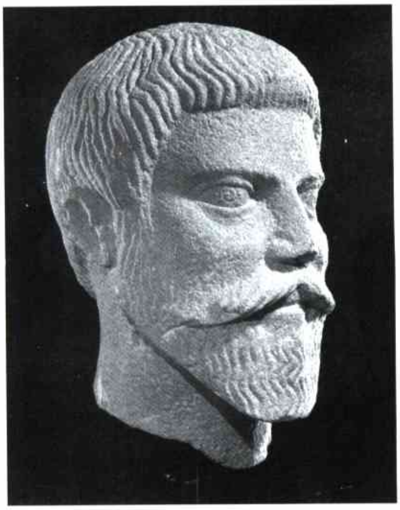
تندیس سنگی ملکهٔ اشکانی
محل نصب و نگهداری: عراق- کاخ هترا



تندیس سنگی ملکهٔ اشکانی
محل نگهداری: عراق- موزهٔ آثار باستانی شهر بغداد



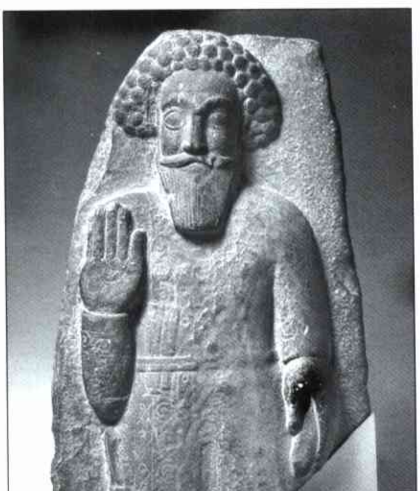
سردیس بانوی اشکانی کشف شده از شوش که بنابر روایتی متعلق به
ملکهٔ موزا، همسر رومی فرهاد چهارم است.
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان



سردیس بزرگ‌زادهٔ اشکانی
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ هنرهای زیبای بوستون



نقش برجستهٔ موبد اشکانی ؛ محل کشف : تخت‌سلیمان
محل نگهداری: فرانسه- موزهٔ لوور پاریس



نقش برجستهٔ مرد اشکانی
سحل نگهداری: امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک

قدمت آثار : بین ۲۰۰ سال پیش از میلاد تا ۲۰۰ سال پس از میلاد مسیح

فصل پنجم

امپراتوری ساسانی

اردشیر بابکان، بنیانگذار امپراتوری ساسانی



ساسان، موبد موبدان آتشکدهٔ آناهیتای استخر(شهری در نزدیکی تخت‌جمشید) بود. پس از او پسرش پاپک(بابک) جانشین پدر شد و چون لیاقت بسیار از خود نشان داد، از طرف شاه اشکانی به حکومت استان پارس برگزیده شد.

بابک دو پسر به نام‌های شاپور و اردشیر داشت و چون بابک درگذشت، میان دو برادر نزاع درگرفت. مدتی بعد، شاپور بر اثر یک اتفاق از دنیا رفت و اردشیر به جای او حاکم پارس شد.

اردشیر اول که سرداری بزرگ و باتدبیر بود و سودای احیای امپراتوری جدیدی چون هخامنشیان در سر می‌پروراند، از ضعف دولت مرکزی اشکانی استفاده کرد و با جنگ‌های متمادی توانست کرمان و خوزستان را تصرف کند.

اردوان پنجم اشکانی که از طغیانگری حاکم دست‌نشانده‌اش در پارس به خشم آمده بود، برای سرکوب کردن شورش، با سپاهیان خود به سوی پارس لشکر کشید، و عاقبت در نبرد سختی که در نزدیکی هرمزدگان روی داد، اشکانیان شکست خوردند و چندی بعد با کشته‌شدن اردوان پنجم، سلسلهٔ قدرتمند اشکانی پس از ۴۷۰ سال حکومت بر ایران، منقرض شد.



در سال ۲۲۴ میلادی یکی از شاهزادگان پارس به نام اردشیر بابکان علیه اردوان پنجم اشکانی قیام کرد و پس از شکست‌دادن او، حکومتی را در ایران پایه‌گذاری کرد که در آن سیاست و مذهب دو روی سکه شدند. همان‌طور که در تصویر بالا مشاهده می‌کنید، روی این سکه که از نخستین سکه‌های ساسانی است، نقش صورت اردشیر اول با نیم‌تاج گوی‌نشان و پشت آن نیز نماد دین زرتشتی یعنی آتشدان شعلهٔ جاویدان، حک شده است. همچنین نوشته‌هایی به خط پهلوی در رو و پشت سکه دیده می‌شود. متن نوشتهٔ روی سکه چنین است: مَزدیسَن بَگی، اَرتَشتیر، مَلکَن مَلکا ایران (یعنی : خداوندگار مزداپرست، اردشیر، شاه شاهان ایران) و در پشت سکه نوشته شده است : نوری زی اَرتَشتیر (یعنی : آتش پادشاهی اردشیر)

اردشیر اول پس از این پیروزی با حضور در آتشکدهٔ شهر استخر، خود را پادشاه جدید ایران نامید و سلسلهٔ جدید خود را به‌نام جد بزرگش، ساسانی نامید. او برای جلب اعتماد و رضایت مردم، مذهب زرتشت را دین رسمی کشور معرفی کرد و بر مقام و منزلت موبدان افزود.



سکهٔ اردشیر اول ساسانی: روی این سکه نقش پادشاه با تاج کنگره‌دار و پشت ان نیز اتشدانی با پایهٔ پنجهٔ شیر حک شده است.

۱- از آنجا که بیشتر دبیران دربار ساسانی از مردم بابِل بین‌النهرین بودند، طبق عادت یا دلیل دیگری، برخی از کلمات را به زبان آرامی بین‌النهرینی (زبانی شبیه عربی امروزی) می‌نوشتند ولی هنگام خواندن به فارسی پهلوی می‌خواندند. مثلاً عنوان پادشاه را *"مَلکَن مَلِکا"* می‌نوشتند ولی *"شاهنشاه" یا "شاه شاهان"* می‌خواندند. به این نوع نگارش و تلفظ متفاوت کلمات، هُزوارِش می‌گویند.



نقش معروف دیهیم‌ستانی اردشیر اول از اهورامزدا

صحنهٔ تاج‌ستانی اردشیر اول یکی از زیباترین نقش‌برجسته‌های ساسانی است که در نقش‌رستم[۱] شیراز حک شده است. در این نقش، پادشاه با نیم‌تاج گوی‌نشان، سوار بر اسب کوچکی، حلقهٔ روبان‌داری را به عنوان مظهر قدرت از اهورامزدا (که او نیز سوار بر اسب کوچکی است و شاخهٔ بَرسَم[۲] بر دست چپ دارد) تحویل می‌گیرد. زیر پای اسب اردشیر، نقش لگدکوب‌شدهٔ اردوان پنجم (آخرین پادشاه اشکانی) و به قرینه، زیر پای اسب اهورامزدا نیز نقش اهریمن درحالی‌که دو مار از پیشانی او بیرون آمده، دیده می‌شود. روی سینهٔ اسب اردشیر و اهورامزدا دو کتیبه به زبان‌های پهلوی اشکانی و ساسانی حک شده است. ترجمهٔ متن کتیبهٔ اسب اردشیر چنین است: *این پیکری است از خداوندگار مزداپرست، اردشیر، شاه شاهان ایران که چهر از ایزدان دارد، فرزند خدایگان پاپک شاه.* همچنین ترجمهٔ کتیبه‌ای که بر سینهٔ اسب اهورامزدا حجاری شده، چنین است: *این پیکری است از ایزد اهورامزدا.* پشت سر پادشاه نیز نقش یکی از خدمهٔ شاهی درحالی‌که مگس‌پرانی را بالای سر اردشیر گرفته، حجاری شده است.

۱- مدت کوتاهی پس از شکست ساسانیان از مسلمانان و اشغال ایران به‌دست قوم بیگانهٔ عرب، تعدادی از آزادمردان ایرانی چون بابک، مازیار و ابومسلم به مبارزه با ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های خلفای بنی‌امیه پرداختند. در کنار این مبارزهٔ نظامی، مردان بزرگ دیگری نیز به مبارزهٔ فرهنگی با زبان بیگانهٔ عربی پرداختند. برآیند این مبارزات، شاهکاری بود به نام *شاهنامه* که فردوسی بزرگ آن را خلق کرد. او در این کتاب، شخصیت‌های افسانه‌ای از شاهان و پهلوانان گذشتهٔ ایران خلق کرد تا اعتماد به نفس را دوباره به ایرانیان بازگرداند. یکی از این شخصیت‌ها، قهرمانی از سرزمین سیستان بود به‌نام رستم. در شش کیلومتری شمال تخت‌جمشید و در سینهٔ کوهی بلند، نقش‌هایی از شاهان ساسانی با اندامی درشت حک شده است. مردم عامی هم که می‌پنداشتند این شاهان همان رستم شاهنامه هستند، آنها را نقش‌رستم نام نهادند.

۲- بَرسَم، شاخهٔ سبزی از یک درخت مثل انار یا گز است که زرتشتیان باستان به نشانهٔ سپاسگزاری از طبیعت و هنگام نیایش‌های روزانه در آتشکده در دست می‌گرفتند.

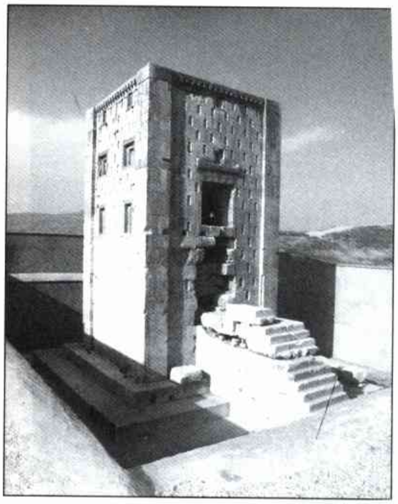
اردشـیر در مدت ۱۴ سال سلطنت خود، توانست حکومت مقتدری را بر پایهٔ فرهنگ ایرانی پایه‌گذاری کـند و سـرزمین پهناوری را که در زمان اشکانیان به‌صورت مجموعه ایالت‌های نیمه‌مستقل اداره می‌شد، تحت کنترل دولت مرکزی خود درآورد. از یادگارهای بجامانده از دورهٔ پادشاهی او می‌توان به شهر و کاخ بزرگ اردشیرخوره (افتخار اردشیر) در فیروزآباد و نقش برجسته‌های مراسم تاج‌ستانی اشاره کرد.

بـا مـرگ اردشـیر در سـال ۲۴۱ مـیلادی، پسـرش شـاپور اول بـر تخت سلطنت نشست. او در آغاز پادشـاهی خـود، شورش ارمنستان را سرکوب کرد و سال بعد شهر رومی انطاکیه (در غرب سوریهٔ کنونی) را تصرف کرد. مقارن این فتوحات، گردیانوس به امپراتوری روم رسید و بلافاصله با سپاه بزرگی به جنگ شـاپور آمـد. بـا اینکه رومیان توانستند شهر انطاکیه را از ایرانیان پس بگیرند، در نبردی که نزدیک شهر نصیبین رخ داد، شکست سختی خوردند. چنین روایت شده است که در پایان این نبرد، گردیانوس به‌دست سـربازانش کشـته شـد. پـس از آن رومیان سردار دیگری به نام فیلیپوس (معروف به فیلیپ عرب) را به امپراتوری برگزیدند. فیلیپوس که ادامهٔ جنگ با ایران را به صلاح روم نمی‌دانست، پیمان صلحی با شاپور امضا کرد و طبق آن علاوه بر پرداخت غرامت سنگین، حاکمیت دائمی ایران بر ارمنستان و بین‌النهرین را بـه رسـمیت شـناخت. امـا چـندی بعـد هنگامی که والِرین به امپراتوری رسید، برای جبران شکست‌های امـپراتوران پیشـین، بـه ایـران حمله کرد. شاپور در نبرد بزرگی که نزدیک حرّان روی داد، سپاه رومی را شکست داد و به دست خود والرین را به اسارت گرفت.

پس از آن شاپور دستور داد به افتخار این پیروزی‌ها، نقش او را زیر مقبرهٔ شاهان بزرگ هخامنشی در نقـش‌رسـتم حجـاری کـنند و شـرح دلاوری‌هایش را روی سنگ‌های ساختمانی که امروزه کعبهٔ زرتشت نامیده می‌شود، بنویسند.



روی این سکه، صورت شاپور اول با تاج کنگره‌دار گوی‌نشان به همراه آویز **گوش** و پشت سکه نیز نقش دو نگهبان در حال پاسداری از آتشـدان شعلهٔ مقدس حک شده است. همچنین در حاشیهٔ سکه، به خط پهلوی ساسانی نوشته شده است. *مزدیسن بَگی شَهپوری، مَلکَن مَلکا ایران، مینو چِتری مِن یَزتان* (یعنی : *خداوندگار مزداپرست، شاپور، شاه شاهان ایران، که چِهرِ آسمانی از یزدان دارد.*)



در بخش مهمی از متن کتیبهٔ پیروزی شاپوراول که بر سنگ‌های بنای کعبهٔ زرتشت در نقش‌رستم شیراز حک شده، چنین آمده است:

منم شاپور، خداوندگار مزداپرست، شاهنشاه ایران و انیران (غیر ایران) که چهر از ایزدان دارد، پسر خداوندگار مزداپرست اردشیر، شاهنشاه ایران که چهر از یزدان دارد و نوهٔ پاپک شاه.

من خداوندگار ایرانشهرم و این سرزمین‌ها را دارم: پارس، پارت، سوزیانا (خوزستان)، آسورستان (عراق)، سکستان (سیستان)، آتروپاتکان (آذربایجان)، ارمنستان، توران، بلاسگان (دشت‌مغان)، مکران، هورکانیا(گرگان)، کرمان، هندوستان، آریه (هرات)، مرگیانه (مرو) و ...

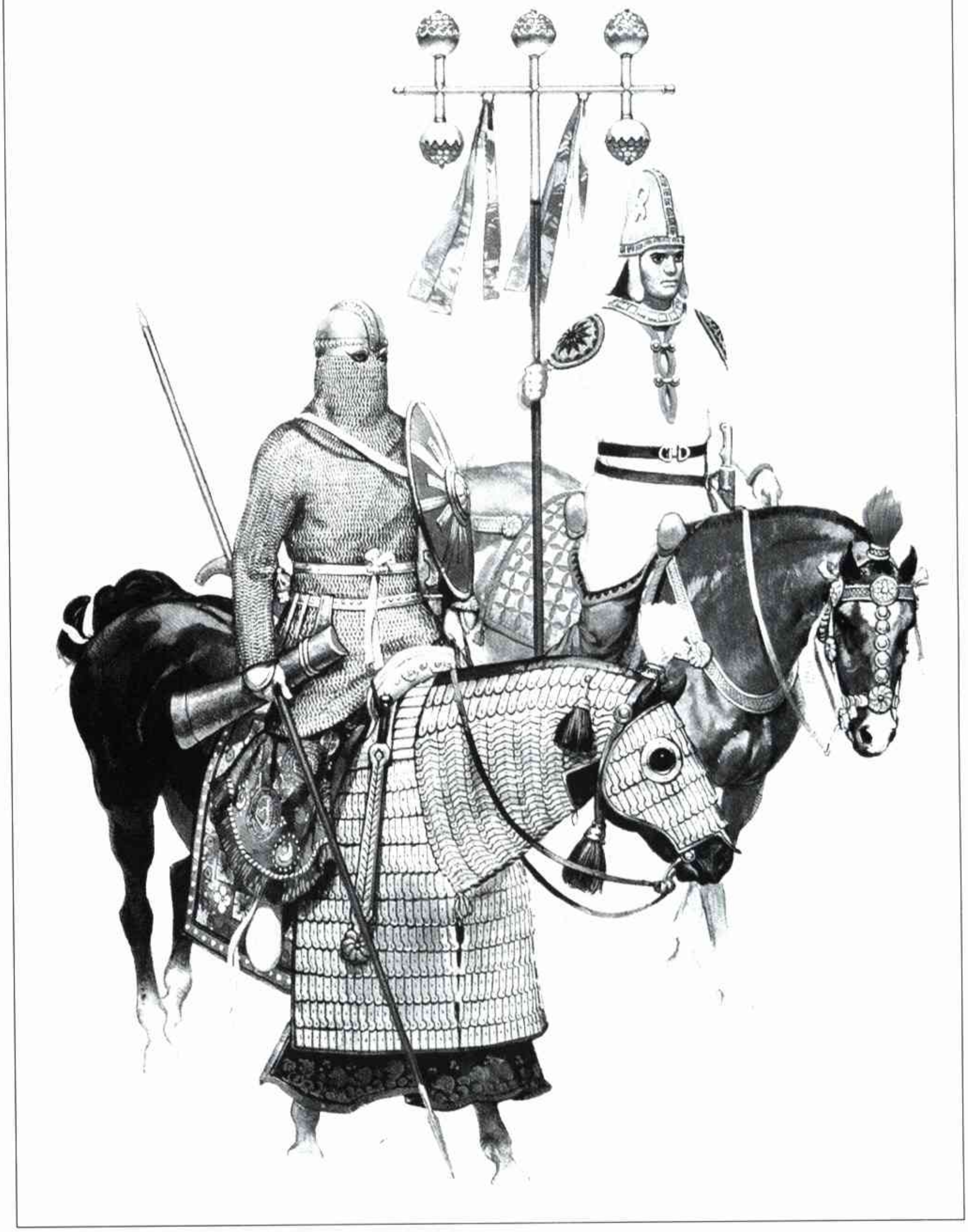
نخست هنگامی که من بر تخت سلطنت نشستم، گردیانوس، قیصر روم از تمام شهرها سپاهی گران جمع کرد و به سوی ایرانشهر ما تاخت. آنگاه در مرز آسورستان در مشبک، جنگ بزرگی درگرفت. گردیانوس کشته شد و سپاه رومیان از بین رفت... سپس رومیان فیلیپوس (فیلیپ عرب) را به مقام قیصری انتخاب کردند، پس او نزد ما به التماس آمد و غنیمتی برابر ۵۰۰ هزار دینار داد و باجگزار ما شد و ما از این روی، شهر مشبک را پیروز شاپور نام نهادیم... اما قیصر روم دوباره بر دروغ شد و در ارمنستان گناهی کرد. پس ما به کشور سوریه یورش بردیم و سپاه ۶۰ هزار نفری آنها را نابود کردیم و ۳۷ شهر را گرفتیم... سوم بار هنگامی که ما به حرّان و اودسا وارد شدیم، والریانوس قیصر جدید روم، با سپاه ۷۰ هزار نفری از سرزمین‌های بسیار به نبرد ما آمد... در آن نبرد نیز ما سپاه رومی را شکست دادیم و من به دست خود، والرین را دستگیر کردم و همهٔ فرماندهانی را که در رأس سپاه دشمن بودند، دستگیر کردیم و به پارس آوردیم... ما بسیار غنیمت گرفتیم و بسیار دلیری‌ها کردیم... پس فرمان دادم از چند کرده‌ها بنویسند تا کسان پس از ما بخوانند و این نیک‌نامی و خداوندگاری ما را بشناسند... ما در این سرزمین، ایزدان را بسیار نیایش کردیم و آتش شاپور را برای آمرزش روان خود و نیاکانمان برافروختیم. سپس آتشی برای نیک‌نامی دخترم آذر آناهید و پسرانم هرمزد اردشیر، شاپور و نرسه برافروختیم... آنچه را که بدین آذران ارزانی دادیم و آنچه از آیین‌ها که برپا داشتیم، همه را بر این سند نوشتیم و فرمان دادیم تا برای آمرزش روان ساسان خداوندگار، بابک شاه و اردشیر شاهنشاه قربانی دهند... باشد تا همان‌گونه که ما بر امور و کارهای ایزدان کوشیدیم و به یاری آنان سرزمین‌های دور را فتح کردیم، آن کسی که پس از ما خواهد آمد، بر امور و کارهای ایزدان بکوشد و ایزدان او را یاور باشند...





نقش باشکوه پیروزی شاپور اول ساسانی بر امپراتوران روم در نقش‌رستم ؛ قدمت : حدود سال ۲۶۰ پس از میلاد

در این نقش‌برجسته، شاپور سوار بر اسب زیبای خود، دست امپراتور والرین را به نشانهٔ اسارت گرفته و جلوی او فیلیپیوس(فیلیپ عرب) دیگر امپراتور رومی به نشانهٔ قبول باجگذاری و طلب عفو در برابر پادشاه ایران زانو زده است. پشت سر شاپور نقش نیم تنهٔ کرتیر (موبد موبدان زرتشتی) در حالیکه انگشت سبابهٔ خود را به نشانهٔ احترام به پادشاه بالا برده، حک شده است. زیر نقش کرتیر نیز کتیبه‌ای حاوی مضامین روحانی در توصیف به معراج رفتن او، نوشته شده است.



نیزه‌دار و پرچم‌دار ارتش ساسانی

شکل پرچم، نوع زره و سلاح ، پوشش و تزئینات سربازان و اسب‌های این تصویر همه برگرفته از اسناد تاریخی چون نوشته‌های مورخین رومی و نقش‌برجسته‌های ساسانی در نقش رستم و بیشاپور است.



سکه با نقش نیم‌تنهٔ هرمز اول (دورهٔ پادشاهی: از سال ۲۷۲ تا ۲۷۳ پس از میلاد)
پشت این سکهٔ منحصربفرد، نقش پادشاه به‌همراه الههٔ میترا در حال نیایش در برابر آتشدان شعلهٔ جاویدان حک شده است.

شاپور اول از بزرگ‌ترین پادشاهان ساسانی بود و علاوه بر پیروزی‌های چشمگیرش در میدان نبرد، تأسیس شهرهای بزرگی چون بیشاپور (در جنوب استان فارس)، نیشاپور(در استان خراسان) و دانشکدهٔ پزشکی گندی‌شاپور (در استان خوزستان) را به او نسبت می‌دهند.

با مرگ شاپور اول در سال ۲۷۲ میلادی، پسرش هرمز اول به پادشاهی رسید. او به تحریک موبدان زرتشتی، فردی به نام مانی[1] را که در زمان پدرش شاپور ادعای پیامبری کرده بود، دستگیر کرد و به قتل رساند. پس از هرمز اول، پادشاهانی به نام‌های بهرام اول، بهرام دوم، بهرام سوم و نرسی به سلطنت رسیدند. در زمان نرسی و در جنگی که میان ایران و روم درگرفت، ایرانیان شکست خوردند و طبق قرارداد صلحی، ارمنستان و بخشی از بین‌النهرین به امپراتوری روم واگذار شد.



سکه با نقش خانوادهٔ بهرام دوم ؛ پادشاه در کنار ملکه ایستاده و پسرشان به انها حلقهٔ روبان‌داری می‌دهد.

۱- تعالیم مذهبی مانی بر پایهٔ اعتقاد به دو آفرینندهٔ روشنایی و تاریکی بود. به عقیدهٔ او انسانها برای پاک‌کردن وجود خود از پلیدی‌ها و تاریکی‌ها باید از تمامی لذات دنیوی چون ازدواج و گردآوری مال چشم‌پوشی کنند. مانی برای ترویج آیین خود کتاب‌های بسیاری نیز نگاشته بود که از آن جمله می‌توان به *شاپورگان* و *ارژنگ* (کتابی با تصاویر زیبا برای آموزش بی‌سوادان) اشاره کرد.



سکه با نقش نرسی (دورهٔ پادشاهی: از سال ۲۹۳ تا ۳۰۲ پس از میلاد)

پس از نرسی، پسرش هرمز دوم بر تخت سلطنت نشست. او پادشاهی عادل و دادگستر بود و طی ۷ سال سلطنتش، مردم در رفاه و آسایش به سر بردند. هنگامی که هرمز در جنگ با اعراب کشته شد، چون فرزندی نداشت حکومت برای مدتی بدون جانشین ماند. اما از آنجا که همسر هرمز حامله بود و موبدموبدان اعلام کرده بود که از ملکه پسری به‌دنیا خواهد آمد، درباریان تاج پادشاهی را در خوابگاه ملکه آویزان کردند و به این ترتیب طفلی که هنوز به‌دنیا نیامده بود، به‌عنوان پادشاه آینده و با لقب شاپور دوم تاجگذاری کرد[1]. شاپور دوم هنگامی که ۱۶ ساله بود، زمام امور مملکت را در دست گرفت. او در نخستین سال‌های حکومتش به جنگ با اعراب رفت و جمع کثیری از آنها را اسیر کرد[2].



سکه با نقش هرمز دوم (دورهٔ پادشاهی: از سال ۳۰۲ تا ۳۰۹ پس از میلاد)

۱- شاپور دوم تنها پادشاه در جهان است که پیش از تولدش به پادشاهی رسید و بیشتر از عمر خود یعنی ۷۰ سال حکومت کرده است.

۲- روایت کرده‌اند که شاپور به انتقام کشته‌شدن پدرش به‌دست اعراب دستور داد، شانه‌های این اسیران را سوراخ کنند و از بین آن طنابی رد کنند. به همین دلیل در تاریخ شاپور دوم را ذوالاکتاف (صاحب شانه‌ها) لقب داده‌اند.



سکه با نقش شاپور دوم (دورهٔ پادشاهی: از سال ۳۰۹ تا ۳۷۹ پس از میلاد)
پشت این سکه، نیم‌تنهٔ پادشاه روی آتشدان قرار گرفته و شعله‌های آتش از دو طرف او زبانه کشیده‌اند.

پس از سرکوب یاغیان عرب، شاپور به بهانهٔ آزادسازی زرتشتیان به ارمنستان لشکر کشید و توانست سرزمین‌هایی را که در زمان نرسی به روم واگذار شده بود، دوباره تصرف کند. در سال ۳۶۳ میلادی و با تقسیم امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی، ایران با دولت روم شرقی (بیزانس) همسایه شد و تا مدت‌ها نبرد میان دولت‌های ایران و بیزانس بر سر حکومت ارمنستان ادامه داشت.

پس از شاپور دوم، به ترتیب اردشیر دوم، شاپور سوم، بهرام چهارم، یزدگرد اول و بهرام پنجم به سلطنت رسیدند. بهرام پنجم در نخستین سال‌های حکومت خود به تجاوزهای قوم وحشی هون در مرزهای شمال‌شرق ایران خاتمه داد و سپس به تحریک موبدان زرتشتی، مسیحیان را وادار کرد از ایران به روم به مهاجرت کنند. روایت شده که بهرام علاقهٔ وافری به شکار گورخر داشت و به همین دلیل او را *بهرام گور* لقب داده بودند. او سرانجام در سال ۴۳۸ میلادی و هنگام شکار گورخر، با فرورفتن در باتلاقی نزدیک کرمان از دنیا رفت.



سکه با نقش بهرام پنجم (دورهٔ پادشاهی: از سال ۴۲۰ تا ۴۳۸ پس از میلاد) ؛ محل ضرب سکه : مرو
پشت این سکه، پادشاه در نقش آتشدان قرار گرفته و شعله‌های آتش از دو شانهٔ او برافروخته‌اند.



وسعت امپراتوری ساسانی در زمان پادشاهی خسرو اول (انوشیروان)

پس از بهرام پنجم نیز پادشاهانی چون یزدگرد دوم، هرمز سوم، فیروز، بلاش و قباد اول به سلطنت رسیدند. در نخستین سال‌های حکومت قباد، فردی به‌نام مزدک ادعای پیامبری کرد و چون قباد مذهب او را پذیرفت، به حکم موبد بزرگ به زندان انداخته شد. اما مدتی بعد به‌کمک یکی از سردارانش به‌نام سیاوش از زندان گریخت و توانست به سلطنت بازگردد. پس از قباد پسر بزرگش خسرو اول معروف به انوشیروان عادل به پادشاهی رسید.



سکه با نقش خسرو انوشیروان (دورهٔ پادشاهی: از سال ۵۳۱ تا ۵۷۹ پس از میلاد) - روی این سکه نقش پادشاه با تاج کنگره‌دار و نشان هلال ماه حک شده و در حاشیهٔ آن به خط پهلوی ساسانی نوشته شده است: *"خسرو افزون"* (به‌معنی: *"خسروی کامیاب"*) پشت سکه نیز نوشته شده است: *"رام ۳۲"* (یعنی این سکه در سال ۳۲ از سلطنت پادشاه در رامهرمز خوزستان ضرب شده است.)

خسرو انوشیروان از بزرگ‌ترین پادشاهان ساسانی بود. او در ابتدای سلطنتش به نفع طبقات زحمتکش کشور، نظام مالیاتی را اصلاح کرد. سپس به تقلید از پادشاهان هخامنشی، سپاهی شبیه گارد جاویدان شاهی ایجاد کرد و دستور داد کاخ بزرگ طاق کسری (ایوان مدائن) را در نزدیکی شهر تیسفون بسازند. همچنین در زمان او یکی از ادیبان به‌نام برزویهٔ طبیب به‌کمک بزرگمهر وزیر، کتاب *کلیله و دمنه* را از هند به ایران آورد و به پهلوی ساسانی ترجمه کرد.

پس از خسرو انوشیروان، پسرش هرمز چهارم به پادشاهی رسید. در زمان او خاقان‌های ترک به خراسان حمله کردند و او سرداری به‌نام بهرام چوبین را برای مقابله با آنها فرستاد. بهرام پس از شکست‌دادن متجاوزان، به جنگ رومی‌ها رفت اما چون شکست خورد، به دستور هرمز از فرماندهی سپاه کنار گذاشته شد. همین موضوع باعث اختلاف در دربار شد و در شورشی که در نزدیکی تیسفون رخ داد، سپاهیان هرمز را کشتند و پسرش خسرو دوم (معروف به خسروپرویز) را به جانشینی او برگزیدند.

خسروپرویز پس از تاجگذاری، بهرام چوبین را به اطاعت خواند و چون بهرام نپذیرفت، میان آنها جنگی درگرفت. در این جنگ، خسرو پرویز شکست خورد و به دربار روم پناه برد. او در آنجا به کمک مریسیوس، امپراتور روم و با سپاه ۷۰ هزار نفری که در اختیارش گذاشته شده بود، به جنگ بهرام چوبین آمد و موفق شد تاج و تخت پادشاهی را بازپس‌گیرد. پس از آن خسروپرویز تلاش کرد تا اوضاع مملکت را سر و سامان دهد و موقعیت خود را به‌عنوان پادشاه جدید و مورد قبول مردم تحکیم بخشد. چنین روایت شده که او دستور داده بود تا نوازندگانی[1] به خرج دولت، در کوچه و خیابان‌های شهر به آوازخوانی بپردازند تا مردم خوش باشند و دوران به خوشی بگذرانند.



سکه با نقش خسرو پرویز (دورهٔ پادشاهی: از سال ۵۹۱ تا ۶۲۸ پس از میلاد) ؛ روی این سکه، نقش پادشاه با تاج دوپر و نشان هلال ماه و ستاره حک شده و در حاشیهٔ پشت آن نوشته شده است : "بیش ۳۶ " (یعنی این سکه در سال ۳۶ از سلطنت خسروپرویز در بیشاپور فارس ضرب شده است.)

۱- از مشهورترین نوازندگان دربار ساسانی در این دوره، می‌توان به باربُد، نکیسا، بامشاد و رامتین اشاره کرد.



سکه با نقش پوران‌دُخت (دختر خسروپرویز) - دورهٔ پادشاهی : از سال ۶۳۰ تا ۶۳۱ پس از میلاد

امـا دورهٔ کوتـاه مدت صلح و شادی دیری نپایید. در سال ۶۰۳ میلادی و با کشته‌شدن مریسیوس - امـپراتور روم کـه خسـروپرویز را در رسـیدن به تخت و تاج یاری رسانده بود - ، دوباره آتش جنگ میان ایـران و روم شـعله‌ور شـد. ایـن بار خسروپرویز به بهانهٔ خونخواهی دوستش به امپراتور جدید روم اعلان جنگ داد و طی سلسله جنگ‌هایی موفق شد سوریه و مصر را تصرف کند. این دو کشور به‌مدت ۲۰ سال تحـت سـلطهٔ ایـران بودنـد تـا ایـنکه در سـال ۶۲۲ مـیلادی، سـپاه ایران از روم شکست خورد و چون خسـروپرویز گـناه شکسـت را بـر گـردن فرماندهانش انداخته و بسیاری از آنها را کشته بود، مورد غضب درباریان قرار گرفت و عاقبت از سلطنت خلع و به زندان انداخته شد.

پـس از خسـروپرویز پسرش شیرویه (قباد دوم) به پادشاهی رسید. او در همان ابتدای سلطنتش برای ازمیان‌برداشتن دیگر مدعیان پادشاهی، تمامی برادران و پسرعموهای خود را کشت؛ اما چندی بعد خود به بـیماری طـاعون درگذشت. با مرگ شیرویه و به این دلیل که او همهٔ مردان خاندان شاهی را کشته بود، بزرگان دربار به‌ناچار یکی از دختران خسروپرویز به‌نام پوران‌دُخت را به شاهی برگزیدند. در زمان پادشاهی پوراندخـت، مـیان ایـران و روم صـلح پـایداری برقرار شد اما چون او نمی‌توانست با وضع آشفتهٔ دربار به حکومـت ادامه دهد، پس از یک سال و چند ماه از سلطنت استعفا کرد. در این دوران به‌خاطر هرج و مرج در دربار، هر چند وقت یکبار مدعیان پادشاهی از گوشه و کنار امپراتوری پیدا می‌شدند و سعی می‌کردند تا بـا زور یا تطمیع درباریان، حکومت را در اختیار بگیرند. این اوضاع آشفته همچنان ادامه داشت تا اینکه در سـال ۶۳۲ مـیلادی، یکی از نوادگان خسروپرویز به نام یزدگردسوم به پادشاهی رسید. دولت ساسانی که در ایـن زمـان بـه‌شـدت ناتوان شده بود، نتوانست در برابر حملهٔ اعراب تازه‌مسلمان مقاومت کند و در دو جنگ معروف قادسیه و نهاوند، سپاه ایران از اعراب شکست خورد.

عاقبت در سال ۶۵۱ میلادی و با کشته‌شدن یزدگرد سوم، سلسلهٔ ساسانی پس از ۴۲۷ سال حکومت مقتدرانه سقوط کرد و با ورود دین اسلام، صفحهٔ جدیدی در تاریخ شکوهمند کشورمان رقم خورد.

خط‌های دورهٔ ساسانی :

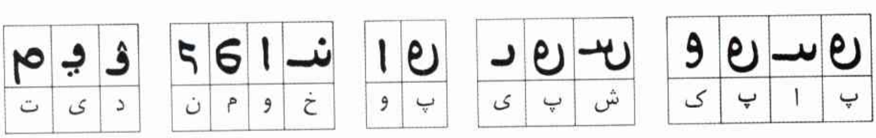
در زمان ساسانیان، مردم به پنج طبقهٔ موبدان (روحانیون)، ارتشتاران (نظامیان)، دبیران (کارمندان‌دولتی)، استرپوشـان (کشـاورزان) و هوتخشـان (پیشه‌وران) تقسیم می‌شدند. با تبعیض طبقاتی که در آن دوره وجود داشت، فرزندان کشاورزان و پیشه‌وران حق تحصیل نداشتند و آنانی که می‌توانستند درس بخوانند، تنها مجاز به یادگیری یکی از ۷ خطی بودند که در آن دوره رواج داشت.

طبق اسناد و نوشته‌های نویسندگان بزرگ (چون ابن‌مقنع عربی) هفت خط ساسانی عبارت بودند از:

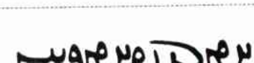
۱. خط دین دبیره (این خط دارای ۶۰ حرف بود و با آن سروده‌های دینی از جمله اوستا را می‌نوشتند.)
۲. خط هام دبیره (خطی که با آن احکام دادگستری و حساب‌های خزانهٔ دولتی را می‌نوشتند.)
۳. خط گشته دبیره (این خط برای نوشتن کتیبه‌ها و نام پادشاهان بر روی سکه‌ها به کار می‌رفت.)
۴. خط نیم‌گشته دبیره (دارای ۲۸ حرف بود و با آن دستورات پزشکی و متون فلسفی را می‌نوشتند.)
۵. خط فرورده دبیره (دارای ۳۳ حرف بود و با آن منشور پادشاهان را می‌نوشتند.)
۶. خط راز دبیره (این خط مختص شاهان بود و آموختن آن برای دیگران جرم بزرگی محسوب می‌شد.)
۷. خـط ویسـپ دبـیره (دارای ۳۶۵ حـرف بود و کامل‌ترین خط دنیا محسوب می‌شد. با این خط علاوه بر ایـنکه همـهٔ زبـان‌هـای آن زمان (مثل ترکی، رومی و یونانی) را می‌نوشتند، حتی قادر بودند صداهایی چون شُرشُر آب ، آواز پرندگان و حالات چهره را نیز بنویسند!

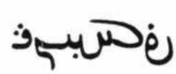
متأسـفانه از میان این ۷ خط، فقط کتیبه‌هایی به سه خط (دین دبیره، هام دبیره و گشته دبیره) باقی مانده و بقیه در گذر زمان به فراموشی سپرده شده است.

بـرای آشـنایی خوانندگان با نحوهٔ نوشتار خط پهلوی دین دبیره[1] (که امروزه زرتشتیان از آن برای خواندن کـتاب اوستا استفاده می‌کنند)، چند کلمه با حروف مجزا و چسبان را در زیر قید کرده‌ایم: (حروف خط پهلوی از راست به چپ خوانده می‌شوند)



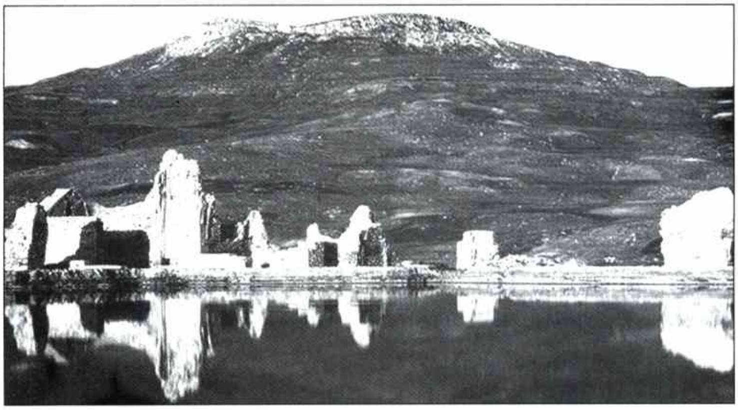
تلفظ : ***"پاپک شپی پو خومن دیت"*** (یعنی : ***"بابک شبی به خواب دید"***)

 : تلفظ آتروپاتکان یعنی آذربایجان

 : تلفظ فراهنگ یعنی فرهنگ

 : تلفظ چشمگاه یعنی منظره

۱- فهرست کامل حروف این خط به همراه خط پهلوی اشکانی و آرامی بین‌النهرینی در بخش ضمیمهٔ کتاب (صفحهٔ ۱۸۳) آمده است.



خرابه‌های کاخ ساسانی ایوان خسرو در کنار دریاچهٔ تخت‌سلیمان

مجموعهٔ تخت سلیمان

در ۴۵ کیلومتری شمال‌شرقی شهر تکاب در آذربایجان غربی، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی به‌نام تخت‌سلیمان قرار دارد. در این منطقه آثار بسیاری از هزارهٔ اول پیش از میلاد تا قرن ۱۱ هجری کشف شده است. اوج شکوه و آبادانی تخت سلیمان مربوط به دورهٔ ساسانی است؛ یعنی زمانی که ساختمان آتشکدهٔ آذرگُشنَسب به‌عنوان مهم‌ترین معبد زرتشتیان ایران در آنجا احداث شد و آتش‌جاویدان آن به مدت ۷ قرن نماد اقتدار امپراتوری ساسانی محسوب می‌شد.

محوطهٔ آتشکدهٔ آذرگشنسب که از زمان حکومت ایلخانیان به بعد، تخت‌سلیمان نام گرفت، وسیع‌ترین مجموعهٔ مذهبی و اجتماعی ساسانیان است که تاکنون شناسایی و از زیر خاک بیرون آورده شده است. طبق اسناد تاریخی، این آتشکده در زمان پادشاهی خسروپرویز و در جنگ میان ایران و روم به‌شدت آسیب دید و بعدها با سقوط دولت ساسانی، به طور کامل متروک شد.



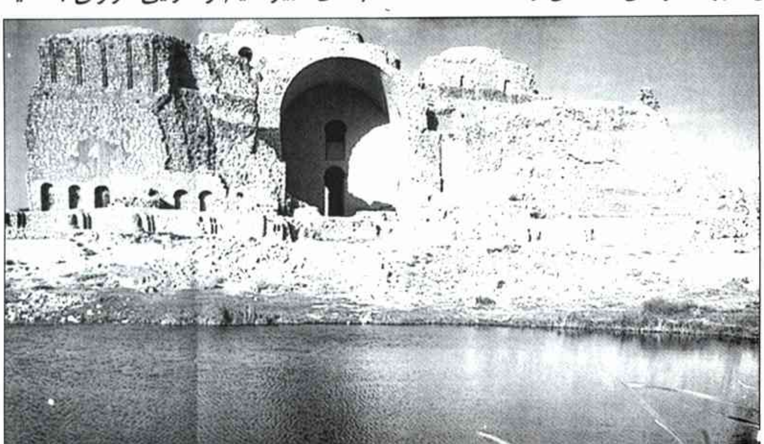
بقایای آتشکدهٔ آذرگشنسب در تخت سلیمان

مجموعهٔ فیروزآباد

در جنوب استان فارس و در دشتی که امروزه شهر فیروزآباد در آن قرار داد، مجموعه آثاری از دورهٔ ساسانی مانند دژ قلعه‌دختر، نقش برجستهٔ مراسم تاجگذاری اردشیر اول، و خرابه‌های شهر اردشیرخوره (به‌معنی افتخار اردشیر) قرار دارد. کاخ بزرگ اردشیر نیز که از نخستین بناهای طاق‌دار ساسانی محسوب می‌شود، در کنار برکهٔ زیبایی در نزدیکی این شهر قرار دارد. این کاخ با زیربنایی در حدود ۶ هزار مترمربع از سه تالار وسیع با سقفی گنبدی‌شکل و چندین اتاق ساخته شده است. در داخل تالارها و سردر اتاق‌ها، گچبری‌هایی شبیه دروازهٔ کاخ‌های تخت‌جمشید دیده می‌شود. همچنین سقف هلالی‌شکل ایوان ورودی این کاخ با دهانه‌ای به ارتفاع ۲۰ متر، یکی از عجایب معماری دوران باستان به‌شمار می‌رود.

مجموعهٔ بیشاپور

در ۲۳ کیلومتری غرب کازرون و در کنار رودخانهٔ شاپور، ویرانه‌های شهری قرار دارد که به‌دستور شاپور اول ساخته شد و امروزه شهر بیشاپور نامیده می‌شود. این شهر به‌خاطر معماری زیبا و منحصربه‌فردی که داشت، عروس شهرهای ساسانی نام گرفته بود. نقشهٔ این شهر چنان ترسیم شده بود که همهٔ خیابان‌ها در مرکز شهر همدیگر را قطع می‌کردند. در حاشیهٔ یکی از خیابان‌های این شهر، دو ستون یادبود به بلندی ۹ متر قرار دارد که روی آنها سنگ‌نوشته‌ای به خط پهلوی اشکانی و ساسانی حک شده است. از متن کتیبه چنین برمی‌آید که حاکم شهر به افتخار ورود شاپور، تندیس او را کنار ستون‌ها قرار داده بود. در بخشی از این کتیبه (که خود سند تاریخی مهمی از دورهٔ پادشاهی شاپور اول محسوب می‌شود) چنین آمده است : *در فروردین‌ماه سال ۵۸ از آتش پادشاهی اردشیر و سال ۴۰ از آتش پادشاهی شاپور، شاه شاهان ایران و انیران، پسر بغ مزداپرست اردشیر شاه که چهر از یزدان دارد... زمانی که شاپور به این مکان فروآمد و این تندیس را ایستاده دید، به اپسای دبیر سیم و دارایی فراوان بخشید.*



خرابه‌های کاخ اردشیر اول در فیروزآباد فارس





خرابه‌های معبد آناهیتا و کاخ سلطنتی شاپور اول در شهر باستانی بیشاپور

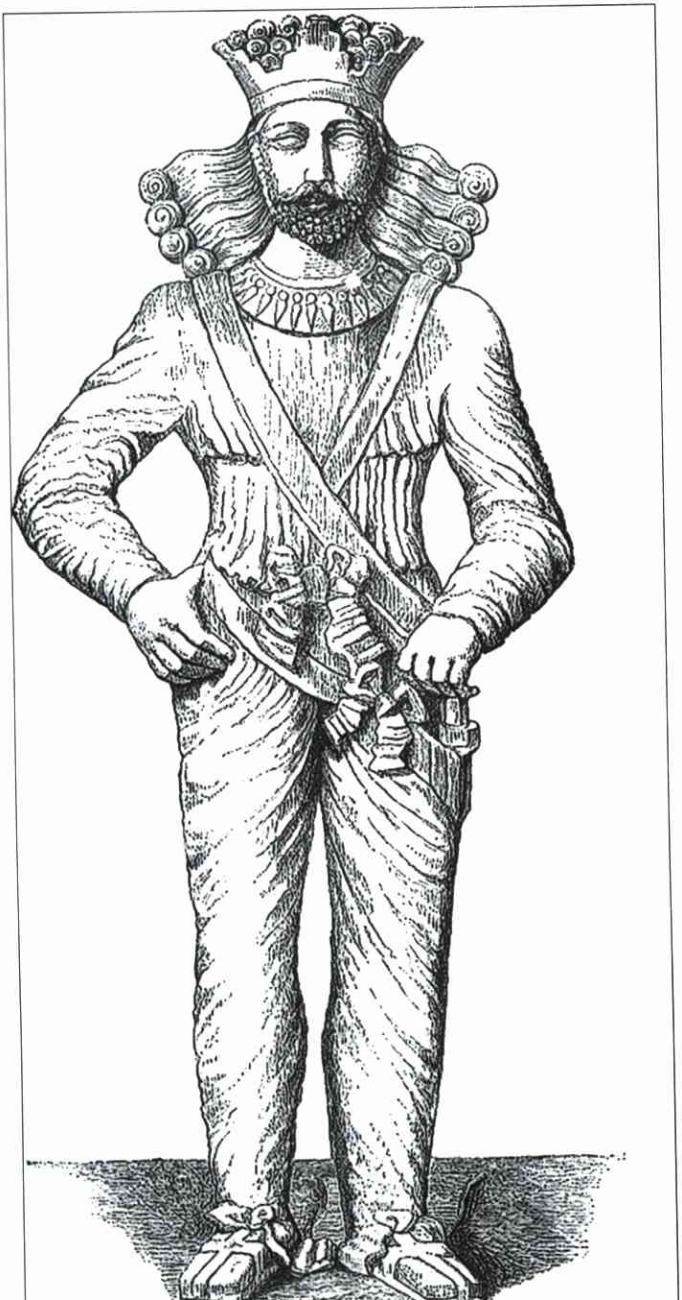
از آثـار دیدنـی شهر باستانی بیشاپور ارگ شاهی است که در مرکز شهر قرار دارد و در آن یک کاخ و معـبد بـزرگ ساخته شده است. کاخ سلطنتی بیشاپور از دو ایوان و یک تالار تشریفاتی تشکیل شده است کـه در آن زمـان تمامی دیوارها، کف و سقف آن با موزائیک‌های رنگی و گچبری‌های بسیار هنرمندانه از نقوشی چون گل و گیاه و تصویر خانوادهٔ شاهی تزئین شده بود.

همچنیـن در کـنار کاخ سلطنتی، معبد بزرگ آناهیتا (ایزدبانوی آب و روشنایی) قرار دارد که به سبک معمـاری هخامنشی و از تخته‌سنگ‌های بزرگ ساخته شده است. داخل این معبد، حوضچه‌ای قرار داشته که با آب رودخانه پر می‌شده است و کاهنان هر روز هنگام اجرای مراسم مذهبی از آب آن می‌نوشیدند.

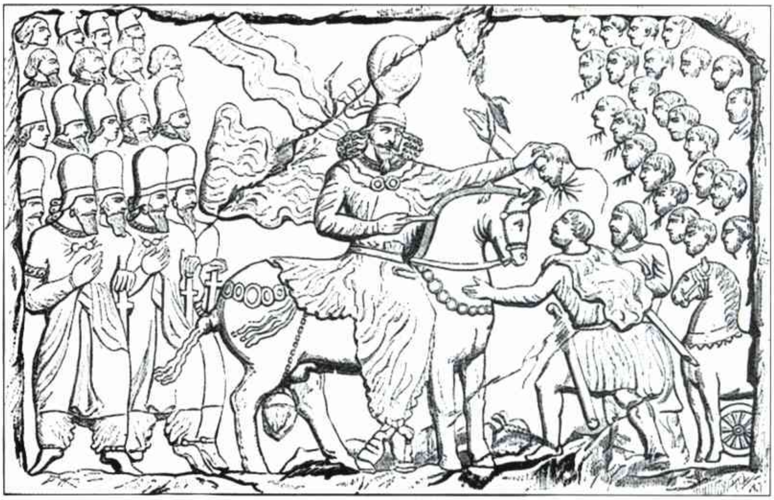




تعدادی از نقوش موزائیکی کشف‌شده از تالار تشریفات کاخ سلطنتی شاپور اول در بیشاپور



مجسمهٔ بزرگ شاپور اول در ورودی غار بیشاپور
شاهکار هنر مجسمه‌سازی ساسانیان



یکی از سه نقش پیروزی شاپور اول بر امپراتوران روم. از نقش‌برجسته‌های تنگهٔ چوگان بیشاپور

در ۴ کیلومتری شهر بیشاپور و در سینهٔ کوهی که به همین **نام** خوانده می‌شود، غار بزرگی وجود دارد که در ورودی آن مجسمهٔ بزرگی از شاپور اول به ارتفاع ۷ متر قرار گرفته است. این مجسمه که از شاهکارهای هنر ساسانی به‌شمار می‌رود، با مهارت خاصی از سنگ یکپارچهٔ درون غار تراشیده شده است.

از دیگر آثار مجموعهٔ بیشاپور می‌توان به نقش‌برجسته‌های زیبایی اشاره کرد که در دو سوی تنگهٔ چوگان بر دل کوه حک شده است. از ۶ نقش موجود در این تنگه، سه نقش به پیروزی شاپور اول بر امپراتوران روم اشاره می‌کند و سه نقش دیگر به ترتیب پیروزی بهرام دوم بر یاغیان عرب، تاجگذاری بهرام اول و پیروزی شاپور دوم بر مخالفان را نشان می‌دهد.



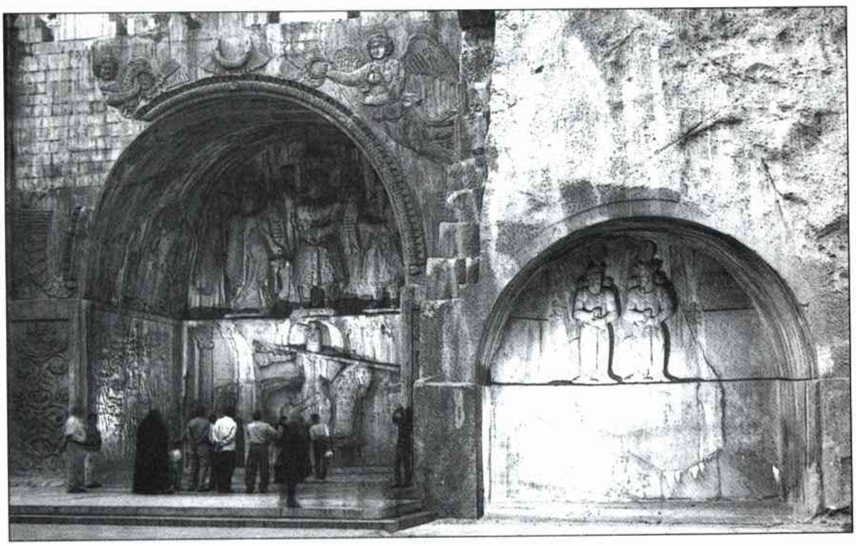
تاج‌ستانی بهرام‌اول از اهورامزدا. از نقش‌برجسته‌های تنگهٔ چوگان بیشاپور

طاق بستان

محوطهٔ تاریخی طاق بستان در دامنهٔ کوهی به همین نام و در کنار چشمه‌ای در شمال شرقی شهر کرمانشاه واقع شده است. دراین محوطه، ۳ اثر از دورهٔ ساسانی وجود دارد که شامل سنگ‌نگارهٔ اردشیردوم، و دو طاق سنگی به نام‌های ایوان بزرگ و کوچک است که در دل کوه کنده شده‌اند.

مهم‌ترین اثر طاق بستان، ایوان بزرگ آن است که در فضایی مستطیل شکل به ارتفاع ۱۲ متر، عرض ۷ و عمق ۷ متر در دل کوه کنده شده است. بر جرزهای دو طرف ورودی این ایوان، نقش زیبایی از دو درخت زندگی و بر بالای قوس هلالی‌شکل ایوان نیز نقش دو فرشتهٔ بالدار (الههٔ پیروزی نایک) حک شده است. هر کدام از این الهه‌ها در یک دست، حلقهٔ روبان‌دار و در دست دیگر، جامی پر از مروارید دارند. دیوار انتهای این ایوان به دو بخش تقسیم شده است. بخش بالایی، صحنهٔ تاجستانی پادشاه ساسانی از اهورامزدا در کنار الههٔ آناهیتا را نشان می‌دهد و در بخش پایینی نیز نقش سوارکاری[۱] حک شده است. همچنین بر دیوارهای جانبی این ایوان، صحنه‌هایی از شکار گوزن و گراز توسط پادشاه ساسانی و نیز سنگ‌نگاره‌ای از دورهٔ قاجاریه[۲] به همراه کتیبه‌ای به خط نستعلیق حک شده است.

در سمت راست ایوان بزرگ، ایوان کوچکی قرار دارد. بر دیوار انتهایی این ایوان نقش برجستهٔ شاپور دوم و پسرش شاپور سوم به همراه کتیبه‌هایی به خط پهلوی حک شده است.



نقش‌های حجاری‌شده بر دیوارهای دو ایوان بزرگ و کوچک در طاق بستان کرمانشاه

۱- به اعتقاد بسیاری از مورخان، نقش سوارکار متعلق به خسروپرویز است که سوار اسب معروفش، شبدیز است.

۲- در این سنگ‌نگاره، محمدعلی میرزا (پسر فتحعلی‌شاه قاجار) به همراه پسر و وزیر دربار خود دیده می‌شود.



صحنهٔ تاج‌ستانی پادشاه ساسانی و نقش سوارکار
بر دیوار انتهایی ایوان بزرگ

ترجمهٔ کتیبه‌ای که کنار نقش شاپور دوم حک شده، به مضمون زیر است: *این پیکری است از خداوندگار مزداپرست، شاپور، شاهنشاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد، پسر خداوندگار مزداپرست هرمز و نوهٔ خدایگان نرسه، شاه شاهان.*

در سمت راست ایوان کوچک و بر دامنهٔ کوه بستان، سنگ‌نگارهٔ دیگری حک شده است که صحنهٔ تاج‌ستانی اردشیر دوم ساسانی را نشان می‌دهد. در این نقش، اردشیر دوم در مرکز صحنه ایستاده است و درحالی‌که دست چپ خود را روی قبضهٔ شمشیرش گذاشته، با دست راست حلقهٔ روبان‌داری را از اهورامزدا دریافت می‌کند. در سمت چپ اردشیر نیز نقش الههٔ میترا درحالی‌که دور سرش را هاله‌ای از نور فراگرفته، دیده می‌شود. این الهه روی گل نیلوفری ایستاده و شاخهٔ برسمی در دست دارد. همچنین زیر پای اردشیر و اهورامزدا، نقش دشمن شکست‌خورده‌ای حک شده که احتمالاً متعلق به جولیانوس، امپراتور روم است.



صحنهٔ تاج‌ستانی اردشیر دوم ساسانی در طاق بستان



نمایی از ویرانه‌های کاخ باشکوه طاق کسری، در ۵۰ کیلومتری شمال شرقی بغداد در کشور عراق

کاخ تیسفون (طاق کسری- ایوان مدائن)

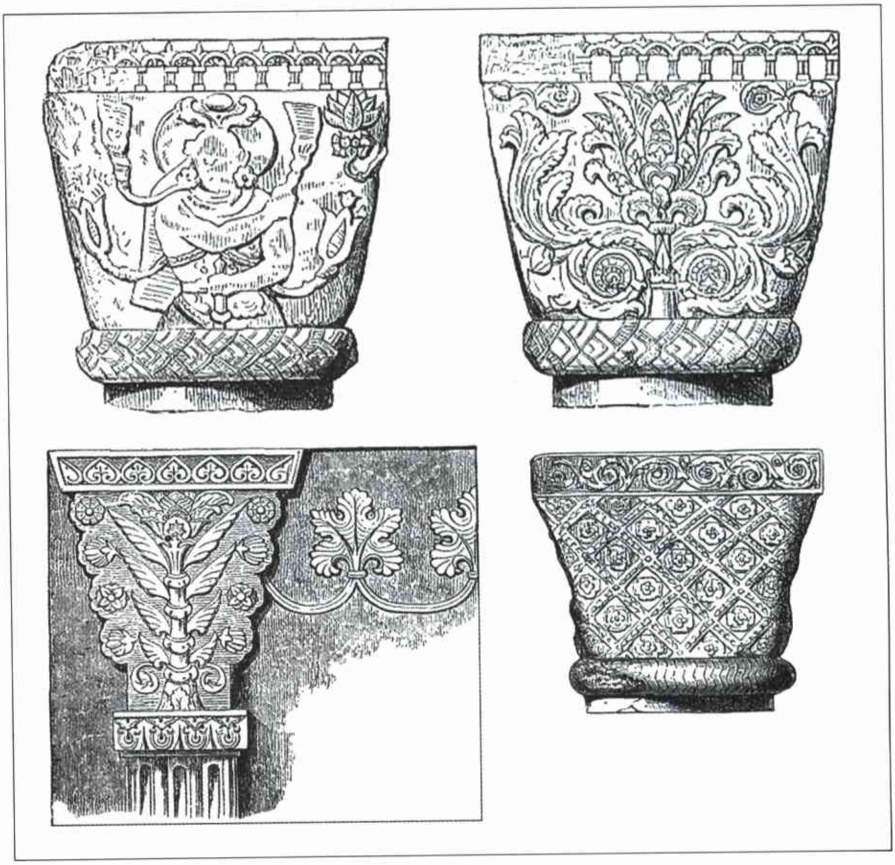
این کاخ باشکوه با مساحتی در حدود ۱۲۰هزار مترمربع، بزرگ‌ترین کاخ ساسانی است که در سال ۵۵۰ میلادی به دستور خسرو انوشیروان و در نزدیکی شهر تیسفون ساخته شده است.

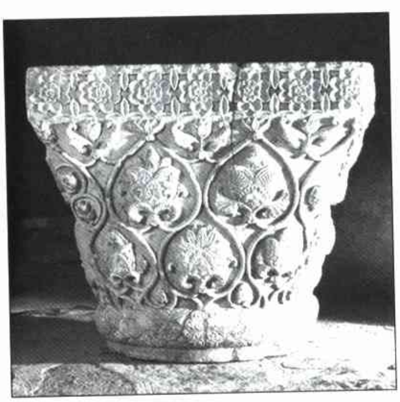
این بنای عظیم از یک تالار بار عام مرکزی با دو ایوان قرینه و اتاق‌های بسیار در طبقات مختلف تشکیل شده است. طاق بی‌نظیر این بنا (که متأسفانه امروزه تنها بخشی از آن سالم مانده است) با داشتن ارتفاعی در حدود ۳۵ متر، عرض ۲۰ و طول ۵۰ متر، بزرگ‌ترین طاق آجری دنیا محسوب می‌شود.

روایت شده که تمامی دیوارهای این کاخ با ورقه‌های طلا و کف تالار بارعام آن (که محل پذیرایی از میهمانان نوروزی بوده)، با فرش معروف بهارستان تزئین شده بود. متاسفانه پس از نبرد قادسیه و سقوط شهر تیسفون، اعراب بادیه‌نشین پس از ویران‌کردن شاه‌نشین کاخ، تمامی تزئینات آن را به‌عنوان غنیمت جنگی، قطعه‌قطعه و بین خود تقسیم کردند. تخریب این کاخ باشکوه بعدها شدت گرفت تا جایی‌که در زمان منصور خلیفهٔ عباسی، بسیاری از آجرها و مصالح آن جدا شد تا صرف ساخت شهر بغداد شود.



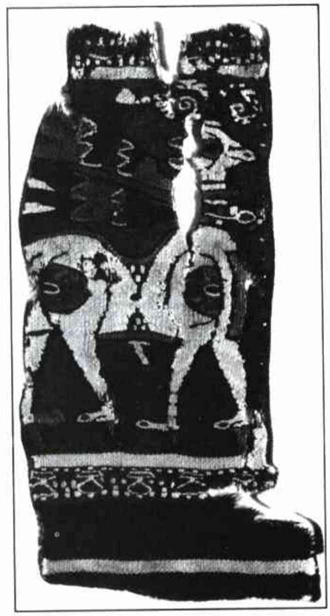
این تکه آجر یکی از صدها اثری است که از خرابه‌های کاخ ساسانی طاق‌کسری کشف شده و هم اکنون در موزهٔ متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. جالب است بدانید آرم دانشگاه تهران برگرفته از نقش گچبری‌شدهٔ همین تکه آجر کوچک است.







تعدادی از سرستون‌های زیبای دورهٔ ساسانی با طرح‌های پادشاه، گل‌های لوتوس و برگ درخت مو
محل کشف : کاخ فیروزآباد فارس و طاق بستان کرمانشاه




تکه پارچه‌های ساسانی با نقش قوچ روبان‌دار و یک جفت شیر در کنار گلدانی از گل‌های دوپَر




تکه پارچه‌های ساسانی با نقش طاووس و اژدهای بالدار[۱]

۱- این نقش که از آن به سیمرغ ساسانی یاد می‌شود، هم‌چون شیر بالدار هخامنشیان، نماد قدرت و دانایی پادشاهان ساسانی محسوب می‌شد. با بررسی نقاشی‌های دیواری کشف شده در سمرقند ازبکستان و همچنین نقش‌برجستهٔ صحنهٔ شکار در طاق بستان چنین برمی‌آید که لباس درباریان و شاهان ساسانی از پارچه‌هایی بافته می‌شد که روی آن طرح‌های زیبایی از سیمرغ، طاووس، قوچ و گراز نقاشی شده بود.



بشقاب سیمین با نقش پادشاه ساسانی[1] در حال شکار شیر با تیر و کمان ؛ قدمت : حدود ۳۸۰ میلادی
محل نگهداری: تهران- موزهٔ ایران باستان





بشقاب‌های سیمین ساسانی با نقوش سیمرغ و گل‌های پیوسته
محل نگهداری آثار: تهران - موزهٔ رضاعباسی

۱- پادشـاهان ساسـانی هر یک تاج مخصوص خود را داشتند. در نقش قلم‌زنی شدهٔ این بشقاب، شکل تاج پادشاه شبیه تاج اردشیر دوم ساسانی است که نقش آن در طاق بستان کرمانشاه و همچنین سکه‌های، منسوب به او حک شده است.

حرف	خط میخی	حرف	خط میخی	واژه / عدد	خط میخی
اَ آ	𐎠			بومیا (زمین)	𐏏
بَ ب	𐎲			دهیو (دنیا)	𐏌
پَ پ	𐎱			باگا (خدا)	𐏎
تَ	𐎫	تُ	𐎬	اهورامزدا	𐏈
ثَ ث	𐎰			خش (شاه)	𐏋
جَ	𐎩	ج	𐎪		
چَ	𐎨	چ	𐎯	علامت فاصله	𐏐
حَ ح ه	𐏃				
خَ خ	𐎧			۱	𐏑
دَ	𐎭	د	𐎮	۲	𐏒
رَ	𐎼	ر	𐎽	۵	𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑
زَ ز	𐏀			۷	𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑
سَ	𐎿	س	𐏁	۱۰	𐏓
شَ ش	𐏁			۱۵	𐏓𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑
فَ ف	𐎳			۲۰	𐏔
گَ	𐎥	گ	𐎦	۲۷	𐏔𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑𐏑
کَ	𐎣	ک	𐎤	۱۲۰	𐏕𐏔
لَ ل	𐎾				
مَ	𐎶	م	𐎷		
نَ	𐎴	ن	𐎵		
وَ	𐎺	و	𐎻		
یَ ی	𐎹				
ای	𐎡				
یو	𐎢				

ضمیمهٔ ۱: جدول حروف خط میخی پارسی باستان (دورهٔ هخامنشی)

آرامی بین‌النهرینی	پهلوی اشکانی	پهلوی ساسانی	فارسی
א	𐭀	ـسـ	آ
ב	𐭁	ـر	ب
ג	𐭂	ڎ \ و \ د	گ ، ج
ד	𐭃	ۇ \ ڽ \ و \ ـر	د
ה	𐭄	بـ \ ـسـ \ ڡ	هـ ، ه
ו	𐭅	ا	و
ז	𐭆	ک \ ڪ \ ء	ز ، ژ
ח	𐭇	شـ \ ـسـ	خ ، ح
ט	𐭈	-	ط
י	𐭉	ۅ \ ب \ د \ د	ی ، ی
כ \ ך	𐭊	و \ ع	ک
ל	𐭋	ے \ ȝ	ل
מ \ ם	𐭌	ٯ	م
נ \ ן	𐭍	ا \ ؟	ن
ס	𐭎	ﻭﻭ \ ـوـ	س
ע	𐭏	ا	ع
פ \ ף	𐭐	ﻉ \ ﻍ \ ﻉ \ ﻍ	پ ، ف
צ \ ץ	𐭑	ع \ ع	چ ، ص
ק	𐭒	ٯ	ق
ר	𐭓	ے	ر
ש	𐭔	ـىـ	ش
ת	𐭕	ﻣ \ ﻣ	ت

ضمیمهٔ ۲ : جدول حروف خط پهلوی ساسانی، پهلوی اشکانی و خط آرامی بین‌النهرینی

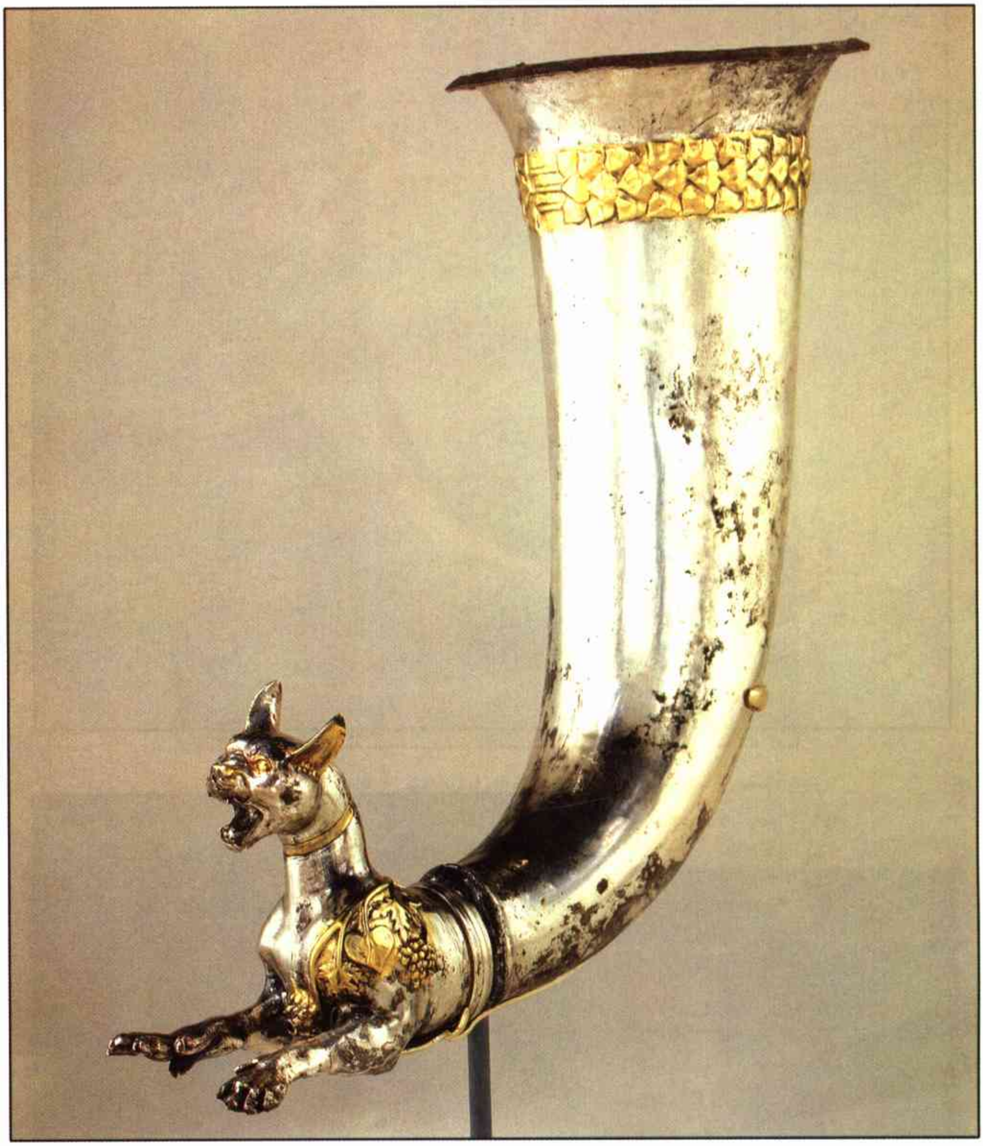
برخی از منابع :

کتابها :

- ایران از آغاز تا اسلام ؛ نویسنده : رومن گیرشمن ؛ انتشارات معین
- شوش، بهشت شهرهای عیلام ؛ نویسنده : عباس قدیانی ؛ انتشارات فرهنگ مکتوب
- تاریخ عیلام ؛ مترجم: شیرین بیانی ؛ انتشارات دانشگاه تهران
- شکوه پارسیان، سرزمین امپراتوران ؛ مترجم : ترانه قطب ؛ انتشارات نشر نظر
- ۲۵۷ پادشاه در ایران ؛ نویسنده : جعفر مهدی نیا ؛ انتشارات پاسارگاد
- راهنمای مستند تخت جمشید ؛ نویسنده : علیرضا شاپور شهبازی ؛ انتشارات سفیران
- تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی ؛ مترجم : حسن انوشه ؛ انتشارات امیرکبیر

سایت‌های اینترنتی:

موزهٔ ایران باستان	www.nationalmuseumofiran.ir
موزهٔ رضا عباسی	www.rezaabbasimuseum.ir
موزهٔ متروپولیتن نیویورک	www.metmuseum.org
موزهٔ انستیتو شرق‌شناسی شیکاگو	www.oi.uchicago.edu
موزهٔ هنرهای زیبای بوستون	www.mfa.org
موزهٔ آرمیتاژ روسیه	www.hermitagemuseum.org
موزهٔ لوور پاریس	www.louvre.fr
بریتیش میوزیوم لندن	www.thebritishmuseum.ac.uk
موزهٔ میهو ژاپن	www.miho.or.jp
وب سایت پروفسور جونا لندرینگ	www.livius.org
محوطهٔ تاریخی هفت‌تپهٔ شوش	www.hafttappeh.ir
محوطهٔ باستانی چغازنبیل شوش	www.choghazanbil.ir
محوطهٔ تاریخی بیستون	www.bisotun.ir
محوطهٔ باستانی پارسه و پاسارگاد	www.persepolis.ir
محوطهٔ باستانی تخت سلیمان	www.takhtesoleiman.ir
ادارهٔ کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه	www.kermanshahmiras.ir
خبرگزاری میراث فرهنگی	www.chn.ir



ریتون سیمین زراندود با پایه‌ای به شکل نیم‌تنهٔ گربهٔ وحشی
قدمت : قرن اول پیش از میلاد (دورهٔ اشکانی)
بلندی : ۲۸ سانتیمتر – محل کشف : استان گیلان
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک





ریتون سیمین زراندود بسیار نفیس با پایه‌ای به شکل نیم‌تنهٔ گربهٔ وحشی سیاه گوشی که خروسی را شکار کرده است.
بلندی : ۴۴ سانتیمتر - قطر دهانه : ۱۵ سانتیمتر
قدمت : قرن اول پیش از میلاد (دورهٔ اشکانی)
محل نگهداری : ژاپن - موزهٔ میهو در نزدیکی شهر کیوتو



ریتون سیمین زراندود اشکانی با پایه‌ای به شکل نیم‌تنهٔ شیر - قدمت : قرن اول پیش از میلاد
محل نگهداری : امریکا - گالری آرتور ساکلر واشنگتن



ریتون زرّین با پایه‌ای به شکل نیم تنهٔ گوزن



ریتون طلایی با پایه‌ای به شکل نیم‌تنهٔ شیر

محل نگهداری آثار : امریکا - موزهٔ شخصی در شهر لس آنجلس



کاسهٔ سیمین زراندود اشکانی که با سنگ‌های گرانبها تزئین شده است.
قدمت : قرن اول پس از میلاد
محل نگهداری : ژاپن - موزهٔ میهو





بشقاب‌های سیمین زراندود اشکانی با نقوش قلم‌زنی شدهٔ بسیار زیبا- قدمت : قرن اول یا دوم پیش از میلاد
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ شخصی پاول گتّی در شهر لس آنجلس



نقاب سیمین زراندود پادشاه ساسانی[1] - بلندی : ۴۰ سانتیمتر - قدمت : قرن چهارم پس از میلاد
محل نگهداری : امریکا - موزهٔ متروپولیتن نیویورک

۱- تاج کنگره‌دار گوی‌نشان با نقش هلال ماه متعلق به شاپور دوم ساسانی است.



بشقاب سیمین زراندود با نقش قلم‌زنی شده : بهرام پنجم و دخترش آزاده سوار بر شتر در حال شکار آهو
محل نگهداری : روسیه - موزهٔ آرمیتاژ شهر سن‌پترزبورگ (قطر بشقاب : حدود ۲۲ سانتیمتر)





بشقاب‌های سیمین زراندود با نقش قلم‌زنی شدهٔ شکار گراز و گوزن توسط شاپور دوم ساسانی



بشقاب با نقش قلم‌زنی شدهٔ اژدهای بالدار(سیمرغ ساسانی) - قدمت : قرن هفتم پس از میلاد
محل نگهداری : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن





بشقاب زرّین با نقش شیر بالدار و بشقاب سیمین با نقش قوچ روبان‌دار - محل نگهداری آثار : گالری آرتور ساکلر واشنگتن



بشقاب زرّین ساسانی با نقش برجستهٔ قلم‌زنی شدهٔ نبرد شیر و شاه

محل نگهداری : انگلیس - بریتیش میوزیوم لندن





بشقاب‌های سیمین زراندود با نقوش قلم‌زنی شدهٔ پادشاه و ملکه - محل نگهداری آثار : گالری آرتور ساکلر واشنگتن



بشقاب سیمین زراندود با نقش فیلبان و پادشاه (احتمالا قباد اول) در حال شکار شیر و گراز - محل نگهداری : موزهٔ میهو در ژاپن





بشقاب‌های سیمین با نقوش قلم‌زنی شدهٔ شکار شیر و بزکوهی توسط پادشاه بهرام پنجم(بهرام گور)



بشقاب سیمین زراندود با نقش شکار شیر توسط پادشاه شاپور دوم ساسانی - محل نگهداری: موزهٔ آرمیتاژ روسیه





بشقاب سیمین زراندود با نقش عقابی در حال شکار بزکوهی و ریتون سیمین با پایه‌ای به شکل سر بزکوهی





ریتون سیمین و زرّین به شکل سر اسب از مجموعه آثار دورهٔ ساسانی

محل نگهداری : موزهٔ لوور پاریس و موزهٔ رضا عباسی تهران



بشقاب سیمین زراندود با نقش برجستهٔ قلم‌زنی شدهٔ شکار قوچ توسط پادشاه ساسانی (فیروز یا قباد اول)
قدمت : اواخر قرن پنجم پس از میلاد - محل نگهداری : موزهٔ متروپولیتن شهر نیویورک در امریکا



مهر با نقش صاحب منصب دربار ساسانی
روی این مهر کتیبه‌ای به خط پهلوی و به این مضمون حک شده است :" *وهدین شاپور، رئیس انبارداران ایران*"
قدمت : قرن پنجم پس از میلاد (دورهٔ پادشاهی یزدگرد دوم)
محل نگهداری : انگلیس- بریتیش میوزیوم لندن



نقش برجستهٔ شکار گراز توسط پادشاه ساسانی[۱]
محل نگهداری: امریکا -- موزهٔ هنرهای زیبای شهر بوستون

۱- تاج دو پر با نشان هلال ماه و ستاره متعلق به یکی از پادشاهان اواخر دورهٔ ساسانی (احتمالا خسروپرویز) است.

جلد اول از مجموعه آثار ایران در موزه‌های بزرگ جهان





بخشی از کتیبهٔ پادشاه عیلامی در معبد چغازنبیل شوش :

"منم اونتاش گال، شاه انشان و شوش. من در اینجا، شهر اونتاش و حریم مقدسش را برپانمودم. سپس معبد بلندی ساختم و آن را وقف خدای اینشوشیناک نمودم. باشد که این معبد و زحمات من مورد پذیرش خدایان قرار گیرد و همواره عدل و داد در این مکان برقرار باشد."



بخشی از کتیبهٔ داریوشِ بزرگ هخامنشی در کاخ آپادانای شوش :

"منم داریوش، شاه شاهان، شاه این سرزمین پهناور، پسر ویشتاسبِ هخامنشی. گوید داریوش شاه: من به یاری اهورامزدا کاخی بس زیبا در شوش بنا نهادم. به دستور من آشوریان چوب سدر را از کوه‌های لبنان به بابِل آوردند و از آنجا یونانی‌ها به شوش حمل کردند. طلایی که در اینجا بکار رفت از سارد و سنگ‌های گرانبهای لاجورد و عقیق از خوارزم و بلخ آورده شد. نقره و آبنوس را از مصر و عاج را از حبشه و هند آوردند و سنگِ ستون‌ها را از تپه‌هایی در پارس. سپس طلاکاران از مصر و ماد، نجاران از لودیه، آجرسازان از بابِل و تزئین‌کاران از مصر و ماد آمدند و کاخ شوش را چنان زیبا و باشکوه ساختند که خواست و ارادهٔ من بود. گوید داریوش شاه: اهورامزدا مرا و پدرم ویشتاسب را و سرزمین پارس را بپایاد."



بخشی از کتیبهٔ پیروزی شاپور اول ساسانی در نقش رستم :

"منم شاپور، خداوندگار مزداپرست، شاهنشاه ایران و انیران، پسر اردشیر و نوهٔ پابک که چهر از ایزدان دارم. هنگامی که من بر تخت سلطنت نشستم، گردیانوس رومی سپاهی گران از تمام شهرها جمع کرد و به‌سوی ایرانشهر ما تاخت. پس در جنگی بزرگ، قیصر روم را کشته و سپاه دشمن را از بین بردیم... و در نبردی دیگر، سپاه هفتادهزار نفری روم را شکست دادیم و من به دست خود امپراطور والریانوس را دستگیر کردم."

ISBN 964-8249-34-2

سبزان